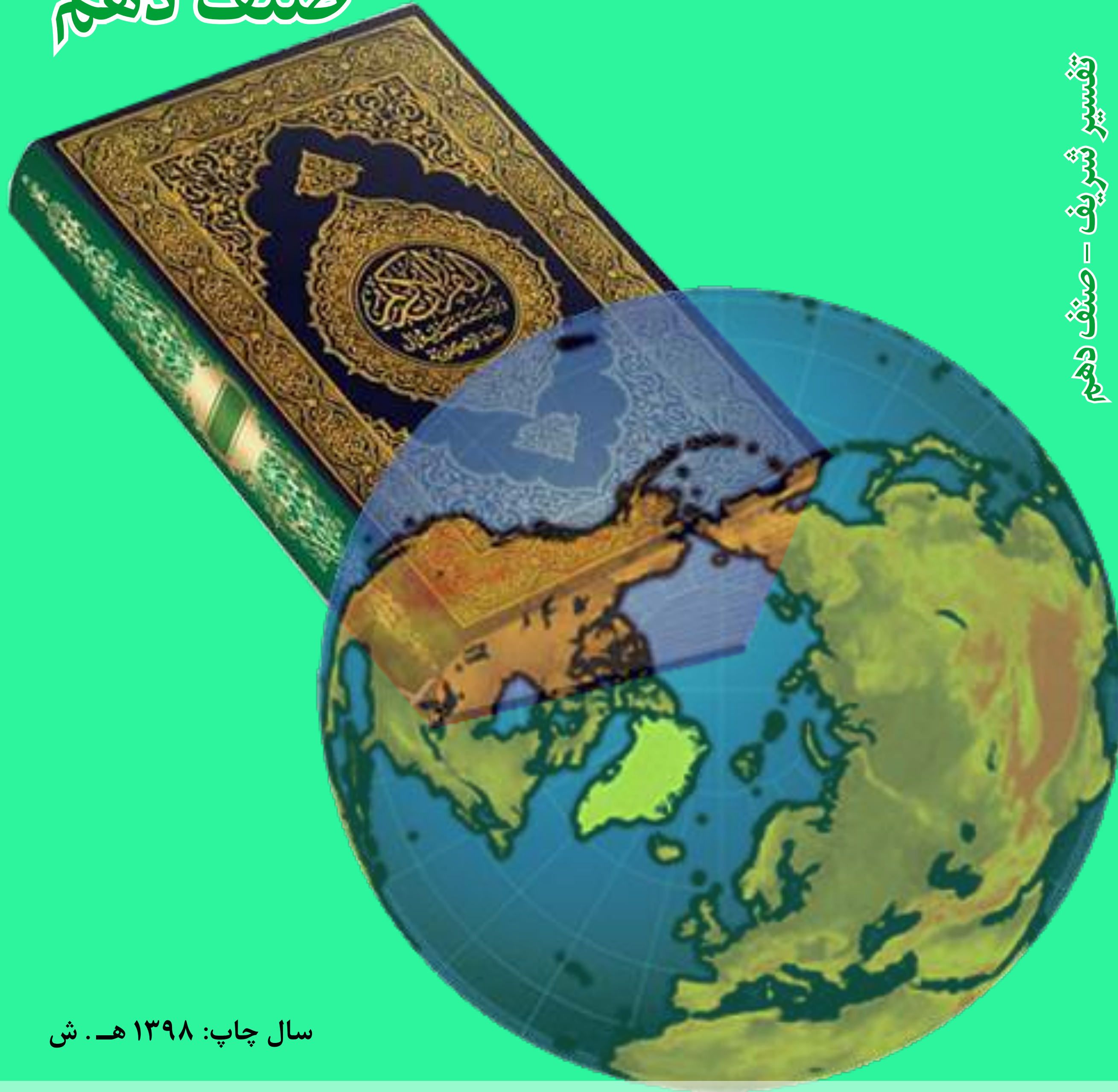
وزارت معارف

تفسیر شریف

صنف دهم



تفسیر شریف - صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ . ش



سرود ملی

دا وطن افغانستـان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولـو کور دی
د پښتـون او هـزاره وو
ورسـره عرب، گوجـر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیــواد به تل ځلیږي
په سینـه کې د آسیـا به
نوم د حق مـو دی رهبـر

دا عــزت د هــر افغان دی
هر بچی یې قهرمـان دی
د بـلـوڅــو د ازبکــو
د تـرکمنــو د تـاجکــو
پـامیریـان، نورسـتانیـان
هــم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکــه زړه وي جـاویــدان
وایــو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تفسیر شریف

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تفسیر

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس اول : مفهوم و اهمیت علم تفسیر ۱
درس دوم : تفسیر سورهٔ **الفاتحة**.. ۵
درس سوم : آغاز وحی با علم و قلم ۱۰
درس چهارم : تفسیر سورهٔ الإخلاص ۱۵
درس پنجم : وحدانیت خداوند در ملك و آفرینش... ۱۸
درس ششم : نام‌های نیکوی خداوند ۲۳
درس هفتم : انسان، بیهوده آفریده نشده ۲۸
درس هشتم : انسان در سایهٔ نعمت‌های الهی.. ۳۲
درس نهم : دعوت به سوی خداوند.. ۳۶
درس دهم : ایمان و عمل صالح.. ٤۰
درس یازدهم : امانت و اهمیت آن در اسلام.. ٤۳
درس دوازدهم : مطابقت در گفتار و کردار ٤۷
درس سیزدهم : فرجام سرپیچی از ذکر خداوند ۵۱
درس چهاردهم : نیکویی چیست؟... ۵٤
درس پانزدهم : صلح واهمیت آن در اسلام... ۵۸
درس شانزدهم : نصایح لقمان حکیم به فرزندش(۱) ٦۲
درس هفدهم : نصایح لقمان حکیم به فرزندش(۲)... ٦۷
درس هجدهم : خودداری از بدگمانی، غیبت وتجسس ۷۱
درس نزدهم : آداب داخل شدن به خانه‌ها ۷٦
درس بیستم : حرمت شراب نوشی و قماربازی.. ۸۰
درس بیست و یکم : امر به عدل و احسان ۸٤
درس بیست و دوم : حقوق والدین ۸۷
درس بیست و سوم : حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران ۹۱
درس بیست و چهارم : عدالت و مسؤولیت در معاملات ۹۵

درس اول

مفهوم و اهمیت علم تفسیر

تعریف تفسیر

تفسیر در لغت: بیان نمودن، پدیدارساختن و ظاهر کردن معنا را گویند.

در اصطلاح مفسرین: تفسیر، علمی است که به وسیلهٔ آن معنای الفاظ قرآن کریم و احکام و حکمت‌های آن دانسته می‌شود.

تاریخ علم تفسیر

تفسیر قرآن کریم، از مهم‌ترین و شریف‌ترین علوم شرعی است که وظیفهٔ آن فهم قرآن کریمِ، بیان معنی، احکام و حکمت‌های نهفته در آن به اندازهٔ توان انسان می‌باشد.

علم تفسیر، از صدر اسلام آغاز شده و رسول اکرم ﷺ اولین مفسر قرآن کریم می‌باشد که نظر به ضرورت، آیات زیادی از قرآن مجید را برای صحابهٔ کرام رضی الله عنهم تفسیر فرموده اند.

در زمان صحابهٔ کرام علم تفسیر توسعه یافت و از میان ایشان مفسران بزرگی چون خلفای راشدین، عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، أبی بن کعب رضی الله عنهم و امثال آن‌ها ظهور نمودند.

در عصر تابعین رواج و رونق علم تفسیر بیشتر شد و علمای بزرگی چون حسن بصری، قتاده بن دعامه، عکرمه، مجاهد بن جبر و سعید بن جبیر (رحمهم الله) با تربیهٔ شاگردان زیادی، در مناطق مختلف جهان اسلام خدمات عظیمی به علم تفسیر انجام دادند.

بعد از عصر تابعین تا عصر حاضر، هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآن به زبان عربی و سایر زبان‌ها تالیف شده است که نمایانگر خدمت گزاری مخلصانهٔ مسلمانان به کتاب خدا می‌باشد. به اتفاق دانشمندان جهان هیچ کتابی مانند قرآن کریم طرف توجه بشر نبوده و در مورد آن این همه تالیف و تحقیق و تتبع علمی صورت نگرفته است.

از مهم‌ترین کتب تفسیر می‌توان از تفسیر امام طبری، تفسیر شاه پور اسفراینی، تفسیر کشف الأسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر کبیر امام فخرالدین رازی، تفسیر بیضاوی، تفسیرمدارک التنزیل نسفی ، تفسیر ابن کثیر، تفسیر روح المعانی، تفسیر جلالین، تفسیر فی ظلال القرآن ، تفسیر تفهیم القرآن ، تفسیر معارف القرآن و تفسیر عثمانی مشهور به تفسیر کابلی و غیره نامبرد.

خدمت علمای افغانستان به علم تفسیر

وطن عزیز ما افغانستان، با سابقهٔ درخشان و پر افتخار تاریخی و فکری، گهوارهٔ پرورش عدهٔ زیـادی از قرآن شناسان و علمای نامدار تفسیر قرآن کریم است که از جملهٔ آنان مـی‌تـوان خواجـه عبـدالله انصاری هروی متوفای سال ۴۸۱ هـ. ابوبکر عتیق سور آبادی هروی متوفای سـال ۴۹۴هــ. امـام فخر الدین رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ. مولانا حسین واعظ کاشفی متوفای سـال ۹۱۱هــ. مولانـا مراد علی کاموی متوفای ۱۲۹۴ هـ. و دانشمند معاصر مولانا سلطان عزیز عزیز را نام گرفت.

اهمیت و جایگاه علم تفسیر

بارز ترین اهمیت علم تفسیر در آن است که ما را در فهم درست قرآن کریم و درک اوامـر و نـواهی خداوند متعال، کمک می‌کند تا با فهمیدن و عملی نمودن تعلیمات قرآن مجیـد، بـه مثابـهٔ اسـاس و بنیاد دین اسلام، به حیث نظام و قانون مکمل زنده‌گی، کنیم و به زنده گی خوشـبخت و مطلـوب در دنیا و آخرت نایل شویم.

انواع تفسیر

با در نظر داشت وسعت علم تفسیر، وجود شیوه‌های متعدد علمی، تحقیق در معـانی و حقـایق قـرآن کریم و روش‌های مختلف مفسرین، علم تفسیر به انواع متعدد تقسیم می‌شـود کـه بعـض آن را بـه شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱- از نظر محتوی و مضمون: علم تفسیر بر اساس محتوی و مضمون به دو نوع تفسیر نقلی یا تفسیر بالمأثور و تفسیر بالرأی یا تفسیر مبنی بر اجتهاد تقسیم می‌شود.

در تفسیر بالمأثور یا تفسیر نقلی به روایت و نقل صحیح اعتماد می‌شود، که عبارت است از:

- تفسیر قرآن به قرآن؛
- تفسیر قرآن به سنت؛ زیرا که سنت بیان کنندهٔ کتاب خداست؛
- تفسیر قرآن به روایت‌های صحابهٔ کرام؛ زیرا که صحابه ﷺ از همه مردم به کتـاب خداونـد ﷻ دانا ترند.
- تفسیر قرآن به گفتار بزرگان تابعین؛ زیرا که آن‌ها دانش خود. را بیشتر از صحابه فرا می‌گرفتند.

در واقع، تفسیر مبتنی بر نقل و روایت صحیح، بهترین روش تفسیر به شمار می‌رود؛ زیـرا اسـتفاده از قرآن، سنت پیامر اکرم ﷺ، اقوال صحابه و فهم علمای تابعین در فهم نصوص قـرآن کـریم ممـد واقع شده باعث نجات انسان از کج فهمی و لغزش در دانستن معـانی و مفـاهیم ایـن کتـاب عظـیم الشأن می‌گردد.

تفسیر مبتنی بر رأی، آن است که مفسر در بیان نمودن معنای مورد نظر، در روشنی اصول علم تفسیر، قواعد زبان عربی و دیگر علوم شرعی، به فهم ویژهٔ خود اعتماد نموده و احکام و حکمت‌های قرآن را براساس دیدگاه و نظر خویش استنباط کند.

تفسیر مبتنی بر رأی محض: آن است که بر اصلی استوار نباشد و به نام تفسیر بالرأی مذموم یعنی تفسیر عقلی نا پسندیده یاد می شود. این نوع تفسیر، حرام بوده و تفسیر قرآن کریم به این شیوه جواز ندارد؛ اما اگر کسی در دایرهٔ اصول زبان عربی، تعلیمات شریعت و اصول تفسیر به این روش؛ یعنی با استفاده از رأی و اجتهاد، قرآن را تفسیر کند باکی نیست و از آن به نام تفسیر بالرأی محمود یعنی تفسیر با لرأی پسندیده یاد می‌شود.

۲- تفسیر از نظر اسلوب: تفسیر از نظر اسلوب و روش به چهار نوع تقسیم می‌شود: تفسیر تحلیلی، تفسیر موضوعی، تفسیر اجمالی و تفسیر مقایسوی.

در تفسیر تحلیلی، مفسر قرآن به تحلیل همه جانبهٔ نص قرآنی پرداخته ابعاد مختلف آیت را مورد تتبع و تحقیق قرار می‌دهد. در تفسیر موضوعی، مفسر به جمع آوری آیات قرآن در بارهٔ یک موضوع مشخص پرداخته آیات مذکور را با شیوهٔ خاص، شرح و تفسیر می‌کند. تفسیر اجمالی، عبارت از بیان وشرح آیات قرآن کریم به شیوهٔ آسان، مختصر و عام فهم و قابل استفاده برای همه مردم است؛ اما در تفسیر مقایسوی، مفسر قرآن به تتبع و تحقیق در اقوال مفسرین دیگر در مورد آیت و یا آیاتی مشخص می‌پردازد.

چگونه‌گی نزول قرآن کریم

نزول قرآن کریم به دو شیوه صورت گرفته است که به صورت مختصر به شرح آن می‌پردازیم:

- ❖ قرآن کریم در بار نخست، به طور مجموعی و به یک باره‌گی، در شب قدر، به (**بيت العزة**) در آسمان دنیا نازل گردید؛ چنانچه قرآن کریم در سورهٔ «قدر» نیز به آن اشاره نموده و می فرماید:« **إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**» ترجمه: به درستی ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر.
- ❖ فرود آمدن قرآن به صورت تدریجی مطابق با نیازها و رویدادها، که اولین آیات آن از سورهٔ (العلق) در غار حراء بر پیامبر ﷺ نازل شد و در مدت بیست و سه سال؛ یعنی تا پیش از وفات پیامبر ﷺ نزول قرآن‌کریم تکمیل گردید.

فعالیت

معلم شاگردان را به دو گروه تقسیم نموده از آن‌ها بخواهد کـه هـر گروهـی نـام دو تفـسیر را همراه با مفسر آن بنویسند و در بارۀ آن‌ها به صورت مختصر توضیح دهند.



۱- معنای تفسیر را شرح نمایید.

۲- تفسیر در اصطلاح به کدام علم اطلاق می‌گردد؟

۳- تفسیر به چند قسم است، و هر یک دارای چه ویژه‌گی‌هایی می‌باشند؟

۴- حکم تفسیر بالرأی را توضیح بدهید.

۵- بعضی از کتاب‌های مهم تفسیر را نام ببرید.

۶- نقش علمای افغانستان در تاریخ و تمدن اسلامی را توضیح بدهید.

۷- بعضی از علمای بزرگ تفسیر و کتاب‌های شان را نام بگیرید.

۸- قرآن کریم چگونه نازل گردیده است؟

درس دوم

تفسیر سورهٔ الفاتحة

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۞ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۞ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ۞ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ۞ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ۞ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ﴾

معنای کلمات

ٱلۡحَمۡدُ: ثنا و ستایش

رَبِّ: صاحب، پروردگار، مربی و کارساز

ٱلۡعَٰلَمِينَ: جمع عالَم، یعنی: هر موجودی به جز خداوند متعال

ٱلدِّينِ: حساب، جزا و پاداش

ٱهۡدِنَا: ما را رهنمایی کن، وکامیاب و ثابت قدم گردان

ٱلصِّرَٰطَ: جاده و راه

ٱلۡمُسۡتَقِيمَ: درست، راست

ٱلۡمَغۡضُوبِ: کسانی که مورد غضب قرار گرفتند. (یهود)

ٱلضَّآلِّينَ: گمراهان (نصاری)

ترجمه

حمد و ستایش خدایی را سزاست که پروردگار جهانیان است. آن‌که بخشایندهٔ مهربان است. (خداوند که) مالک روز جزاست. (پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم. ما را به راه راست رهنمایی کن؛ راه کسانی که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی، نه راه کسانی که مورد غضب قرار گرفتند و نه راه گمراهان.

وجه تسمیهٔ سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه مکی بوده و به نام فاتحه مسما شده است؛ زیرا که قرآن کریم با این سوره آغاز می‌یابد. این نام برای سورهٔ فاتحه در احادیث نبوی ﷺ نیز باز تاب یافته، مانند حدیث پیامبر ﷺ که فرمودند: «**لاَ صَلاَةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ**»[1] ترجمه: کسی که سورهٔ فاتحه را نخواند، نمازش صحیح نیست.

نام‌های سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه نام های زیادی دارد. شماری از مفسرین بیشتر از بیست نام برای سورهٔ فاتحه ذکر نموده اند. از آن جمله نام های زیر ذکر شده است: الفاتحه، أم القرآن، السبع المثانی، الکنز، الوافیه، الکافیه، سورهٔ دعاء.

تفسیر

خداوند متعال کتاب خویش را با ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ آغاز نموده تا هر مسلمانی بداند که سزاوار نیست کاری را بدون نام خداوند متعال آغاز نمود؛ زیرا هر کاری که بدون نام خداوند ﷻ آغاز یابد ناقص خواهد بود.

الله ﷻ: اسم خاص است برای معبود بر حق، و به غیر او تعالی اطلاق نمی‌گردد؛ پس تبدیل کردن این نام به تثنیه یا جمع مجاز نیست.

هر دو واژهٔ رحمن و رحیم، از کلمهٔ (رحمت) مشتق شده اند. رحمت در حق انسان ها به معنای نرمش دل است که صاحب خود را به همدردی و احسان وا می‌دارد. رحمت یکی از صفات خداوند ﷻ می‌باشد که آن را برای خود برگزیده است.

---

(۱) سنن الکبری للبیهقي.

این سوره با حمد وستایش الله ﷻ آغاز یافته است و از آنجایی که، حمد عبارت از ستایش زبانی بر صاحب نعمت می‌باشد و منظور از صاحب نعمت، همانا خداوندﷻ است؛ پس او تعالی مستحق این ستایش است و بس.

از صفاتی که در این سوره برای خداوند متعال ذکر گردیده و او را مستحق این ثنا و ستایش می‌سازد، این است که او تعالی﴿ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴾ است که معنای آن در بالا بیان گردید.

همچنان خداوندﷻ ﴿ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ است. خداوندﷻ با ذکر این آیت بیان نموده که او در عین حال که پروردگار و مالک تمام مخلوقات است، نسبت به خلق خود (رحمان و رحیم) نیز می‌باشد. به این معنی که او تعالی بخشایندهٔ مهربان است.

همچنان او تعالی﴿ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴾ است. این سومین صفت الهی ذکر شده، در این مقام می‌باشد. مالک از کلمهٔ مِلک (به کسر میم) گرفته شده که معنای در اختیار داشتن چیزی همراه با قدرت تصرف در آن را می‌رساند؛ یعنی؛ خداوندﷻ مالک ومتصرف کامل روز قیامت بوده و حاکمیت و اختیار حساب را در آن روز تنها او خواهد داشت.

پس ذاتی که دارای چنین صفاتی باشد مستحق و سزاوار است که ما پرستش، بنده‌گی، مدد خواستن و دعای خود را منحصر به او بسازیم؛ بنابرین خداوند متعال فرموده که بندهٔ مؤمن به خدا رو آورد و بگوید که:﴿ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ﴾ پروردگارا! تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

عبادت، آخرین درجهٔ خشوع و فروتنی همراه با احساس محبت قلبی و سپاس‌گزاری، در پیشگاه پروردگار می‌باشد. به هر اندازه‌یی که انسان به عبادت و بنده‌گی خداوندﷻ رو آورد، به همان اندازه شرف و عزت کمایی می‌کند. اما کمک خواستن نشان بنده‌گی حقیقی به خداوندﷻ می‌باشد؛ زیرا انسان در برابر قوت و عظمت خداوندﷻ، احساس ضعف و ناتوانی نموده از او تعالی می‌خواهد تا او را کمک و یاری نماید.

تقدیم مفعول در جملهٔ: ﴿ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ﴾ دلالت به حصر و تخصیص عبادت و بنده‌گی برای الله ﷻ می‌کند و معنای جمله چنین می‌شود که: (فقط و تنها ترا عبادت می‌کنیم و فقط و تنها از تو یاری می‌طلبیم.) حضرت عبد الله بن عباس رضي الله عنهما در تفسیر این آیت فرموده اند: (تنها ترا عبادت می‌کنیم و غیر ترا عبادت نمی‌کنیم.) [1] بنا بر این آیت کریمه و سایر آیات قرآن

---

۱ تفسير أبي سعود

کریم، همه انواع و مظاهر عبادت مانند سجده، رکوع، نذر، قربانی و ذبح، دعا، استغاثه، طلب کمک و استعانت، خوف، رجاء، توکل وغیره تنها و تنها برای خداوندﷻ صورت گرفته باید هیچ چیز و هیچ کس دیگر در آن‌ها با اللهﷻ شریک ساخته نشود.

﴿ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ۝ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ﴾ .

هدایت : عبارت است از رهنمایی همراه با مهربانی، برای رسیدن به مقصد. یکی دیگر از معانی «هدایت» بیان نمودن است. این کلمه، بیتشر در جهت خیر استعمال می‌گردد؛ پس معنای کلی این دو آیت چنین است: پروردگارا! ما را به راه راست که به خیر و سعادت در دنیا و آخرت می‌رساند، رهنمایی فرما، راه آن گروه از بنده‌گانت که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی. نه راه کسانی از امت‌های گذشته و یا نسل‌های آینده که به خاطر عملکرد زشت و انحراف و گمراهی‌شان از طریق حق، مورد خشم و غضب تو قرار گرفته اند.

بر اساس اقوال مفسران، و مراد از ﴿ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ ﴾ انبیاء (علیهم السلام)، صدقین، شهداء و صالحین و همه بندگان مؤمن و نیکو کار اللهﷻ می‌باشد.

مفسران گفته اند: منظور از ﴿ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ ﴾ همان کسانی اند که حق را می‌شناسند و آن را ترک می‌کنند. بنا به قول راجح، منظور از آن ها گروه یهود می‌باشد. مراد از ﴿ ٱلضَّآلِّينَ ﴾ کسانی اند که حق را نمی‌شناسند که آن‌ها نصرانیان می‌باشند.

فواید و آموختنی‌ها

درس‌ها و عبرت‌های زیر را از آیات مبارکهٔ سورهٔ فاتحه باید آموخت:

❖حمد و ستایش تنها به خداوند متعال منحصر بوده، او تعالی آفریدگار تمام جهان و جهانیان است، و در روز قیامت او تعالی مالک و متصرف می‌باشد و بس.

❖صرف در پیشگاه خداوند متعال خشوع، فروتنی و خاکساری باید داشت و تنها از او کمک باید خواست؛ چنانچه پیامبر ﷺ فرموده است: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللّٰهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللّٰهِ» ترجمه: هرگاه چیزی خواستی، از خدا بخواه، و هرگاه کمک طلب نمودی، تنها از خدا کمک طلب نما.

❖تشویق به کردار نیک؛ تا انسان در روز قیامت، در زمرهٔ نیکو کاران برانگیخته شود. وهمچنان بیم دادن از راه باطل؛ تا آنکه انسان در روز قیامت، در شمار رونده‌گان راه باطل محسوب نگردد.

فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و هر دسته، علاوه بر سه فایده فوق، دو فایدۀ دیگر را نیز از خلال این سورۀ مبارک استخراج کنند.



به پرسش‌های زیر جواب بگویید:

۱- حکمت آغاز یافتن سورۀ فاتحه با ﴿ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴾ چیست؟

۲- مراد از این قول خداوندﷻ ﴿ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴾ چی می‌باشد؟

۳- از آیۀ مبارکۀ﴿ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ﴾ چه می‌آموزیم؟

۴- منظور از﴿ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ ﴾ و﴿ ٱلضَّآلِّينَ ﴾ چه کسانی اند؟

۵- معنا و مفهوم هدایت را به گونه مختصر توضیح بدهید.

۶- دو فایده از فوایدی که در سورۀ فاتحه نهفته است بیان دارید.

درس سوم

آغاز وحی با علم و قلم

قال تعالى: ﴿ ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۞ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۞ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۞ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۞ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ﴾

[العلق: ١-٥]

معنای کلمات

ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ: بخوان به نام پروردگارت

عَلَق: خون بسته؛ مرحلۀ دوم از مراحل خلقت انسان

عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ: توسط قلم انسان را نوشتن و تدوین آموخت

ترجمه

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته خلق کرد، بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیلۀ قلم تعلیم نمود.

شأن نزول آیات

امام احمد بن حنبل رحمه الله و شیخین (بخاری و مسلم رحمهم ا الله) به روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در بارۀ شأن نزول این سوره گفته اند: «آغاز وحی بر رسول الله ﷺ طوری بود که، پیامبر ﷺ نخست رؤیای صادق (راستین) می‌دید. هر خوابی که پیامبر ﷺ می‌دید مانند روشنایی صبح راست می‌آمد، سپس رسول خداوند متعال به تنها نشینی روی آورد و تنهایی برایش خوش آیند می‌نمود. آنحضرت ﷺ به غار حرا می‌رفت و شب‌های تاق را در غار حرا در خلوت و نیایش سپری می‌کرد وسپس به خانوادۀ خود بر می‌گشت و توشه تهیه نموده دو باره به خلوت گاه می‌رفت، باز به نزد همسرش خدیجه رضی الله عنها می‌آمد و توشه می‌گرفت.

در حالی که پیامبر ﷺ در غار حرا بود فرشته‌یی بر او ظاهر شد و گفت: بخوان. او گفت: من خواننده نیستم. پیامبر ﷺ گفت: پس مرا سخت فشرد وسپس رهایم نمود وگفت: بخوان. گفتم: من خواننده نیستم. پس دو باره مرا سخت فشرد و باز رهایم نمود وگفت: بخوان. گفتم: من خواننده نیستم. باز مرا برای بار سوم سخت فشرد و رهایم نمود و گفت: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۝ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾.

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفریده است؛ پروردگاری که آدمی را از خون بسته آفریده. بخوان و پروردگارت از همه بزرگوارتر است؛ آن که به وسیلهٔ قلم آموخت. به انسان، آنچه را آموخت که نمی‌دانست.

تفسیر

چگونگی آغاز وحی

این آیت ها، اولین آیت های قرآن کریم اند که با نازل شدن آن‌ها نبوت حضرت محمد ﷺ آغاز یافته است. این آیت های را جبرئیل علیه السلام بر پیامبر ﷺ در حالی فرود آورد که در غار حرا در اثنای مناجات قرار داشت. وحی خداوند ﷻ بر پیامبر ﷺ به کلمهٔ امر: ﴿اِقْرَأْ﴾ نازل گردید. این آیت ها در حالی نازل گردید که پیامبر ﷺ خواندن را نمی‌دانست؛ اما جبرئیل علیه السلام امر خود را به قول (بخوان) ادامه می‌داد، که در این امر اهمیت و منزلت علم و معرفت نهفته است؛ زیرا مهم‌ترین راه علم آموزی (خواندن) است، و معنای ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ﴾ این است که به نام و به حکم پروردگارت بخوان؛ پس دانسته شد که قرائت و خواندن یک دستور الهی است.

دلالت‌های روشن این آیات

نص آیات قرآنی، دلالت دارد که بایستی قرائت وخواندن تو، به نام پروردگارت باشد؛ پس مسلمانان باید تمام علوم و فنون را به نام پروردگار و برای کسب رضای او تعالی بیاموزند.
دلالت دیگر آیت های مبارک این است که خداوند ﷻ بر زبان پیامبرش، در حالی‌که خواننده نبود، قرآن معجز را جاری گردانید. پس باید دانست، آن ذاتی که هستی را آفریده، بر این هم قادر است که توان قرائت و خواندن را بیافریند.

عظمت پروردگار در آفرینش انسان از علقه (خون بسته) بیان گردیـده. ایـن نـشانهٔ قـدرت او تعـالی است که انسان را به مراتب بلند رسانیده و دروازه‌های دانش را به رویش گـشوده اسـت؛ زیـرا کـه او پروردگار کریم و مهربان است.

خواندن و نوشتن بزرگترین بخشش‌های الهی

از مهمترین بخشش‌ها و نعمت‌های الهی بعـد از نعمـت خلـق و آفـرینش، علـم اسـت؛ همچنـان از بخشش‌های او تعالی برای انسان این است که توسط قلم، علم و دانش را تعلیم داد؛ این مادهٔ جامـد را وسیلهٔ معرفت گردانید، و از آن این همه کتاب هایی را بار آورد که نـسل‌هـای انـسانی یکـی بعـد دیگری به دست می‌آورند و از آن می‌آموزند.

در تکریم و اهمیت قلم ، خواندن و نوشتن ، همین بس است که در قرآن کریم سورهٔ کاملی بـه نـام (سورهٔ القلم) نازل گردیده که در آن، الله ﷻ به قلم و آنچه توسط آن نوشـته مـی‌شـود سـوگند یـاد نموده است. قلم وسیلهٔ آموختن ، نشر علم و معرفت بوده و در ایجاد پیشرفت‌ها و تمدن بشری نقش بسیار مهم و اساسی دارد. آغاز نزول نخستین آیت های وحی بر رسول اکرم ﷺ دال بـر ایـن اسـت که دین اسلام جایگاه بس بلند و عظیمی را برای علم دانش ، خواندن و نوشتن قایل می‌باشد.

نسل‌های پیشین مسلمانان با درک همین حقیقت، و با الهام گرفتن از این آیت های متبرکه و سـائر آیت های قرآنی و احادیث نبوی به طرف علم و دانش روی آورده در زمـان نـه چنـدان دراز، تمـدن بزرگ اسلامی را که یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری است اسـاس نهادنـد. کتـب، آثـار علمـی و اکتشافات و اختراعات علمای مسلمان در رشته‌های مختلف علم و معرفت از چنـان اهمیـت بزرگـی برخوردار اند که تا امروز در مراکز علمی دنیا، از جملـه کـشورهای غربـی تـدریس گردیـده از آن‌هـا استفاده می‌شود.

برتری انسان برسایر آفریده گان

ملاحظه می‌گردد که او تعالی نخست خلقت وآفرینش را به طور مطلـق ذکـر نمـوده اسـت تـا همـه مخلوقات را در بر گیرد؛ سپس انسان را نسبت برتری و شـگفتی خلقـت و فطـرتش خـاص و مکـرم گردانیده، وآیت های خود را بر وی فرود آورده است.

خواندن ونوشتن دو وسیلهٔ مهم کسب معرفت

در آیات ذیل خداوند متعال خواندن را با نوشتن پیوست ذکر نموده است: ﴿ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ﴾ یعنی انسان را با قلم آموزش داد که این یک نعمت بزرگ خداوندﷻ و وسیلهٔ تفاهم میان انسان ها است. هرگاه نوشتن نمی‌بود، علوم نابود می‌گردید و اثری از دین باقی نمی‌ماند، زنده‌گی قوام نمی‌یافت و نظم و قانونی بر پا نمی‌شد؛ زیرا نوشتن است که علوم، معارف و اخبار را ثبت می کند، اخبارگذشته گان را درج نموده و وسیلهٔ انتقال علوم در میان انسان‌ها و ملت‌ها، به این ترتیب اطلاعات و دانستنی‌ها دست به دست گردیده و بر آن افزوده می‌شود و به مشیت خداوند، مدنیت‌ها بار می‌آیند و افکار رشد و ترقی می کند.

فواید و آموختنی‌ها

از آیات مبارک بالا، درس‌ها و فواید ذیل را می‌توان آموخت:

❖ خداوند متعال، به پیامبر خود و به مسلمانان دستور می‌دهد که قرآن را به نام پروردگار بخوانند.

❖ منبع و مصدر علم و دانش خداوندﷻ است، و او تعالی است که به انسان توان فراگیری علم را نصیب می کند.

❖ نوشتن در حفظ، نگهداری و انتقال علم و دانش نقش سازنده واساسی دارد. هیچ علمی بدون نوشتن پایدار و محفوظ باقی نمی‌ماند.

❖ دین اسلام دین علم است، و بهترین گواه این است که اولین آیت های که بر پیامبرﷺ نازل گردیده به فراگیری علم دعوت نموده است.

❖ از نشانه‌های لطف و مهربانی خداوندﷻ برای انسان آن است که به وی علم آموخته و از بی‌سوادی نجاتش داده است.

❖ حصول علم و دانش، باید به نام خداوند کریم و مهربان و برای کسب رضای او تعالی باشد.

❖ قلم، یکی از نعمت‌های خداوندﷻ و از مهم‌ترین ابتکارات و اختراعات در زنده‌گی بشر به شمار می‌رود.

❖ خواندن، نوشتن و فرا گیری علم و معرفت، یک اصل قرآنی و وجیبهٔ دینی مسلمان بوده و تهداب تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد.

❖ حرمت قلم و کتاب و احترام اهل قلم؛ یعنی بزرگداشت جایگاه علما و دانشمندان از مشخصات جامعهٔ اسلامی و وجایب شرعی مسلمانان به شمار می‌رود.

فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند. یک گروه در بارۀ فواید خواندن وگروه دیگری در بارۀ فواید نوشتن بحث کنند، و نقش هردو را در زنده‌گی انسان و پیشرفت تمدن ها توضیح بدهند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه نمایید:

۱- چرا سورۀ «علق» به این نام شهرت یافته است؟

۲- معنا و مفهوم (علق) را روشن سازید.

۳- در این قول خداوند ﷻ (إقرأ) مخاطب کیست؟

۴- شأن نزول این آیات چگونه است؟

۵- در لابه لای این آیات چه دلالت‌هایی نهفته است؟

۶- یکی از رازهای قدرت الهی در آفرینش، از آیات خوانده شده کشف نمایید.

۷- آموزه‌ها و فواید عمدۀ این آیات چیست؟

۸- چرا اهل قلم و دانشمندان باید در جامعۀ اسلامی مورد احترام و تقدیر قرار بگیرند؟



در روشنی آیت های تفسیر شده پیرامون اهمیت قلم، خواندن و نوشتن در ایجاد تمدن ها، مقاله‌یی بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

درس چهارم

تفسیر سورهٔ الإخلاص

قال تعالی: ﴿قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ۝ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ﴾

معنای کلمات

أَحَد	یکتاست
ٱلصَّمَد	ذات بی نیاز از همه و همه به او نیازمند
كُفُوًا	مثل، مانند و همتا

ترجمه

بگو او الله ﷻ یکتا است. الله ﷻ بی‌نیاز است. نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده. و هیچ یکی همانند و همتای او نیست.

تفسیر

این سوره، ما را در شناخت خداوند متعال کمک نموده و آگاهی‌مان را در بارهٔ صفات او تعالی بیشتر می‌سازد.

خداوند ﷻ به پیامبر خود امر می‌کند که بگوید، خداوند ﷻ یکتا و در صفاتش یگانه است. او تعالی ذات بی نیاز است که به کسی محتاج نیست وکسی به بزرگی و قدرت او نمی‌رسد و در برابر حکم و فرمان او مقابله نمی‌تواند. خداوند ﷻ ذاتی است که بنده‌گان، نیازهای شان را از او می‌طلبند و در برآورده ساختن خواسته‌ها و مشکلات‌شان به او رو می‌آورند. خداوند ﷻ ذات بزرگی است که کسی را نزاده است و کسی هم از او زاده نشده است. با دانستن این صفات الهی، باید گفت که او تعالی ذاتی یکتا و بی همتا است.

در جملهٔ ﴿ لَمۡ يَـلِدۡ ﴾ موجودیت فرزند برای خداوندﷻ نفی گردیده، ادعای مشرکان، کـه اعتقـاد.

وادعای نصرانی‌ها که می‌گفتند: عیسیعليه السلام پسر خداوند داشتند فرشتگان دختران خداونـدﷻ انـد و همچنان عقیدهٔ یهود که عزیرعليه السلام را پسر خداوندﷻ می‌خواندند رد گردیـده استﷻ اسـت، بـی اساس قرار داده شده است.

در جملهٔ ﴿ وَلَم يُولَدۡ ﴾ وجود پدر برای خداوند منتفی و باطل خوانده شده است.

سورهٔ اخلاص، این اصل را ثابت می‌کند که هیچ یکی از مخلوقات خداوندﷻ با او همتایی و برابـری کرده نمی تواند، و هیچ چیزی در ذات، صفات و افعال خداوندﷻ با او تعالی همسان نمی‌باشـد. ایـن امر وجود همسر را برای خداوندﷻ منتفی سـاخته و زعـم و پنـدار مـشرکان عـرب را باطـل اعـلام می‌دارد که برای خداوندﷻ در افعالش شریک و همتا قایل بودند و فرشته گان و بتـان را شـریک او تعالی می‌ساختند.

مقام و منزلت سورهٔ اخلاص

پیامبر اسلامﷺ در مورد فضیلت سورهٔ اخلاص، در یک حدیثی کـه انـس بـن مالـکرضي الله عنه روایـت کرده فرموده است: « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ»[1] یعنی: سـورهٔ اخـلاص یـا ﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ با یک سوم قرآن مساوی است زیرا این سوره، ما را به پروردگار مان آشنا سـاخته اسـت. ایـن سوره ما را به سوی توحید رهنمایی می‌کند. قرآن کریم به طور عمده از سه مضمون مرکـزی بحـث می‌نماید که عبارتند از: توحید، رسالت و معاد (آخرت).

در آیات قرآنی و احادیث نبوی، مطالب زیادی وجود دارد که با معانی و مفاهیم ایـن سـوره شـباهت داشته و این مفاهیم را تأکید و روشن می‌سازند.

نکته

علما با توجه به ترجمه و تفـسیر سـورهٔ اخـلاص و (الکـوثر) مـی گوینـد : سـورهٔ اخـلاص در حـق خداوندﷻ مانند سورهٔ «الکوثر» در حق پیغمبرﷺ است. چون مشرکین پیامبر خداوند متعـال را بـه سبب نداشتن پسر طعن می‌دادند؛ اما برای خداوندﷻ شریک و فرزند قایـل بودنـد؛ چنانچـه آن هـا نداشتن فرزند را برای انسان، عیب و نقص می پنداشتند؛ بنابرین خداونـد متعـال در سـورهٔ الکـوثر از رسول خود به طور مستقیم دفاع نموده فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ ما به تو کوثر و یا خیر بزرگـی

---

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی

داده ایم و آن گونه که بد خواهان تو می‌پندارند، ناقص و ابتر نیستی. به همین ترتیب؛ چون داشتن فرزند برای الله تعالی عیب و نقص است؛ لذا خداوند متعال به پیامبر ﷺ امر نمود که: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بگو: الله جل جلاله یکتا است، تا اینکه توهم داشتن شریک و فرزند از خداوند متعال برطرف گردد.

فواید و آموختنی‌ها

از لابه لای آیات مبارک سورۀ اخلاص، چیزهای زیادی می‌آموزیم که در زیر به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

❖ خداوند جل جلاله در ذات، صفات و افعال خود یگانه است و هیچ چیزی با او شریک وهمسان نیست.

❖ خداوند جل جلاله کسی را نزاده، و از کسی زاده نشده است.

❖ خدای متعال، از تمام مخلوقات و موجودات بی نیاز است و همۀ مخلوقات به او نیاز دارند.

❖ در سورۀ مبارک اخلاص بر عقیدۀ مشرکین که ملائکه را دختران خداوند می‌پنداشتند، و بر عقیدۀ یهود که یکی از پیامبران؛ یعنی عزیر علیه السلام را فرزند خداوند جل جلاله می‌دانستند و بر عقیدۀ تثلیث نصارا که حضرت عیسی علیه السلام را پسر خداوند جل جلاله می‌دانند خط بطلان کشیده شده است؛ همچنان درین سوره، بی همتایی ذات الله متعال و منزه بودن او جل جلاله از هر عیب و نقص با وضاحت تمام بیان شده است.

❖ سورۀ اخلاص را سورۀ توحید نیز می‌گویند؛ زیرا موضوع اساسی و محور این سوره اثبات توحید ذات باری تعالی است.



به پرسش‌های زیر پاسخ بگویید:

۱- معنای کلمات و جمله‌های زیر را توضیح دهید.

(ٱللَّهُ أَحَدٌ - ٱللهُ ٱلصَّمَدُ - وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ)

۲- فضیلت ومنزلت سورۀ اخلاص را در روشنایی یک حدیث نبوی توضیح دهید.

۳- موضوع اساسی سورۀ اخلاص چیست؟

۴- در سورۀ اخلاص، عقائد باطلۀ کدام گروه مردم، دربارۀ خداوند جل جلاله



راجع به مقام و منزلت سورۀ اخلاص و فواید این سوره یک مقاله بنویسید، و در مقالۀ خود به آیات و احادیث نبوی استدلال نمایید.

درس پنجم

وحدانیت خداوند ﷻ در ملک و آفرینش

قال تعالی: ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ۝ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ۝ وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا﴾ [الفرقان: ١_٣]

معنای کلمات

تَبَارَكَ: با برکت، صاحب خیر و برکت است

ٱلۡفُرۡقَانَ: قرآن، فرق کننده میان حق وباطل

عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ: بر بندۀ خود، بر پیامبر خود ﷺ

ٱلۡعَٰلَمِينَ: آفریده گان، انس و جن

نَذِيرًا: بیم دهنده

فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرًا: هر چیزی را کامل و نیکو آفرید، و آنرا آراسته ساخت

نُشُورًا: بر انگیختن بعد از مرگ، روز قیامت

ترجمه

بزرگوار و با برکت است ذاتی که فرقان (فرق کننده میان حق و باطل) را بر بندهٔ خود نازل فرمود تـا جهانیان را (از خداوندﷻ) ترساننده باشد. آن ذاتی که پادشـاهی آسـمان‌هـا و زمـین از آن اوسـت و هرگز فرزندی نگرفته و شریکی نیست او را در پادشاهی همهٔ موجودات را او خلق کرده ؛ سپس حد ، قدر و شکل هرچیز را معین فرموده است. و (کافران) غیر او (غیر خداوندﷻ) را به خدایی بر گرفتنـد، حال آنکه آن معبودان هیچ چیزی نتوانند آفرید و خود شان هم مخلوق اند، نه بر نفـع و ضـرر خـود قادرند و نه امر مرگ و زنده‌گی و برانگیختن (دو باره زنده ساختن) به دست آن ها است.

تفسیر

سورهٔ مبارک الفرقان، از جملهٔ سوره هایی است که در مکهٔ معظمه نازل شـده و موضـوعات اساسـی آن را بیان توحید، ابطال عقائد مشرکین، تأکید بر فضائل و اخلاق نیکو و نهی از افعال زشت تشکیل می دهد.

آیات بالا که در آغاز سورهٔ شریفه قرار دارند بر محور بیان توحید الله متعال ، اثبات رسـالت حـضرت محمد مصطفیﷺ و بیان بطلان عقاید و پندارهای مشرکین می چرخد .

عمومیت رسالت محمدﷺ

سورهٔ مبارکه، با ستایش الله متعال و اینکه ذات خداوندی بزرگوار و با برکت و مصدر همه انواع خیـر است آغاز می‌شود. برکت عبارت است از نمو و زیادت حسی و معنـوی و کثـرت خیـر و دوام آن.[۱] از مظاهر این برکت و خیر، فرستادن قرآن بر بنده و پیامبرش محمدﷺ می‌باشد که آن را جدا کننـده میان حق وباطل گردانیده است.

در این آیهٔ کریمه، از پیامبر گرامی اسلامﷺ به لفظ (عبده) یعنی بندهٔ او تعالی یاد شده که یک نوع تکریم و تشریف در حق پیامبرﷺ است . در جاهای دیگر قرآن کریم نیز از رسول اللهﷺ در مقـام تشریف و تکریم با لفظ (عبد) و اضافت آن به اللهﷻ یاد شده است.ماننـد آیـت اول سـورهٔ مبـارک (الإسراء) که خداوند متعال فرمـوده اسـت: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ و آیـت نخـستین سـورهٔ مبارک (الکهف) که فرموده: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ .

---

۱ – تفسیر ابي سعود

علمای تفسیر می‌گویند که ذکر رسول اکرم ﷺ به تعبیر (عبده) یعنی بنده الله دو معنای مهم را افاده می‌کند:

۱- حضرت محمد ﷺ مخلوق و بندهٔ خداوند ﷻ است وخداوند متعال جناب ایشان را به مقام عالی رسالت و نبوت برگزیده است. درینجا اشاره است بر باطل بودن عقاید نصارا که حضرت عیسی علیه‌السلام را که مخلوق و بندهٔ خداوند است، خدا می‌پندارند؛ در حالی که بنده و مخلوق، هیچ گاه مستحق پرستش و عبادت نیست.

۲- یک نوع این تعبیر تکریم و تشریف در حق رسول الله ﷺ است؛ زیرا الله متعال او را بندهٔ خود خطاب فرموده است.

خداوند متعال قرآن را بر بندهٔ خود محمد ﷺ فرستاده تا آخرین پیام آور خداوند ﷻ برای جهان و جهانیان بوده باشد، و مردمان را انذار کند؛ همچنان کسانی را که از ایمان به او و پیروی‌اش سر باز زنند از عذاب جهنم بیم دهد. این امر دلالت روشن و آشکار بر عمومیت رسالت پیامبر اسلام ﷺ برای همهٔ عالمیان به شمول انس و جن می‌باشد.

دلایل وحدانیت خداوند ﷻ در کاینات

خداوند ﷻ مالک و صاحب ملک و هستی است و متصرف هر چیزی در آسمان‌ها و زمین می‌باشد. او تعالی بی نیاز است و به کمک و همکاری در تدبیر و ادارهٔ مخلوقاتش نیاز ندارد؛ ازینرو او تعالی به فرزند و همتا احتیاجی ندارد تا او را در امور مملکتش یاری رسانند.

همچنان او تعالی یگانه خالق و آفریده گار همه چیز در آسمان‌ها و زمین است؛ زیرا هر آنچه غیر او تعالی است مخلوق است، و مخلوق ضعیف و عاجز بوده محتاج به خالق آفریده گار قوی می‌باشد.

خداوند ﷻ خلقت و آفرینش هر چیزی را به وجه نیکو و شایسته گردانیده و شکل و صورت آن را گوارا آفریده و برای آن، آنچه مناسب باشد مهیا ساخته تا وظیفهٔ خود را به صورت درست انجام بدهد.

مشرکان به وحدانیت خداوند ﷻ ایمان نیاوردند، و او تعالی را به یگانه‌گی پرستش نکردند؛ بلکه برای او همتا و شریک ساخته، غیر او تعالی را همراه با او پرستش نمودند، حال آنکه غیر از او معبود دیگری نیست؛ چنانچه خداوند تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿ وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ﴾ ﴿٣﴾

ترجمه: این معبودان مخلوقات عاجز و محتاج هستند؛ چیـزی را خلـق کـرده نمـی تواننـد، و نفـع و ضرری نمی‌رسانند؛ زیرا نفع و ضرر، خاص از جانب خداوندﷻ است؛ همچنـین ایـن معبـودان خـود ساخته، قادر به موت و زنده‌گی کسی نمی‌باشند؛ بلکه خود آن‌هـا مـی‌میرنـد و خداونـدﷻ طوریکـه خواسته باشد آن‌ها را نابود می‌سازد.

همچنان این معبودان قادر نخواهند بود در روز قیامت کسی را زنده کنند؛ زیرا تنها خدا زنده مـی‌کنـد و می‌میراند؛ پس تنها او تعالی مستحق عبادت است.

وقتی که این معبودان ساخته شده با چنین عاجزی و نا توانی باشند، هرگز سـزا وار عبـادت نیـستند؛ بلکه تنها و تنها خدایی و معبودیت مر خدای واحد و یگانه راست کـه غیـر او هـیچ معبـود و خـدایی نیست.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه از این قرار است:

❖ فرقان از نام های قرآن است؛ زیرا خیر، شر حق و باطل را جدا ساخته است.

❖ خداوندﷻ قرآن را بر بنده و پیامبر خود محمدﷺ فرستاده است.

❖ خداوند متعال پیامبر خود محمدﷺ را به عنوان خاتم پیامبران علیهم السلام و برای همه جهانیان (انـس و جن) فرستاده است.

❖ آن ذاتی که مالک و متصرف آسمان‌ها و زمین است همان خدای یکتا و بی‌نیـاز اسـت و تنهـا او مستحق پرستش است.

❖ خداوندﷻ، آفریننده و پروردگار آسمان‌ها و زمین است، او فرزند و همتایی ندارد.

❖ تنها خداوندﷻ، خالق و آفریننده است، و او تعالی هر چیـزی را آفریـده و خلقـت آن را کامـل و مناسب گردانیده است.

❖ مشرکان، کافران و زیان کارانند؛ زیرا آن‌ها به خداوندﷻ شریک ساختند ، و غیر او را بـه خـدایی و معبودی بر گزیدند.

❖ خدایان و معبودان باطل، قدرت و توانایی چیزی را ندارند، و نفع و ضرر نمـی‌رسـانند؛ زیـرا همـه امور به قدرت خداوند متعال است.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

۱- چرا سورهٔ فرقان به این اسم یاد می‌شود؟

۲- چرا قرآن به نام (فرقان) مسما گردیده است؟

۳- از آیهٔ مبارک اول این درس دلیلی مبنی بر اینکه رسالت محمد ﷺ عمومیت دارد و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد ارائه نمایید.

۴- معنای این قول خداوند ﷻ ﴿ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُۥ تَقْدِيرًا ﴾ را توضیح بدهید.

۵- از آیهٔ مبارک سوم این درس پنج چیز را استخراج نمایید که خدایان و معبودان باطل از داشتن آن عاجز و ناتوانند.

۶- چرا در مقام تشریف و تکریم از رسول الله ﷺ در قرآن به لفظ (عبده) یاد می‌شود؟



خلاصهٔ آنچه را که در این درس خواندید در ده سطر در کتابچهٔ خود درج نمایید.

درس ششم

نامهای نیکوی خداوند جلّ جلاله

قال تعالی: ﴿ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ۝ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ۝ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴾ [الحشر:۲۲-۲۴]

معنای کلمات

ٱلۡغَيۡب: آنچه از احساس و درک ما پوشیده است، مانند جنت، دوزخ، فرشتگان و غیره.

ٱلشَّهَٰدَةِ: آنچه قابل مشاهده و ادراک است، مانند کوه ها، ستارگان و امثال آن.

ٱلۡمَلِكُ: مالک و متصرف همه چیز

ٱلۡقُدُّوسُ: پاک و منزه از آنچه سزا وار او تعالی نیست

ٱلۡمُؤۡمِنُ: تصدیق کنندۀ پیامبرانش با تأیید و معجزات

ٱلۡمُهَيۡمِنُ: مراقب و نگهدارندۀ هر چیزی

ٱلۡعَزِيزُ: قوی و غالب

ٱلۡجَبَّارُ: بزرگ و قوی که هیچ کسی بر او غلبه نداشته باشد

ٱلۡمُتَكَبِّرُ: عالی و بلند، آن طور که سزا وار اوست

ٱلۡبَارِئُ: از نو پیدا کنندۀ موجودات.

ٱلۡمُصَوِّرُ: ترکیب کنندۀ اشیاء با هیأت و صورت شان

ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ: نام‌های نیکو، بهترین نام‌ها

ترجمه

اوست خدای یکتایی که غیر از او خدایی نیست، دانای نهان و آشکار عالَم اسـت. اوسـت بخـشنده و مهربان، اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سـلطان مقتـدر عـالم، پـاک از هـر نقـص و آلایش، منزه از هر عیب و نا شایست، ایمنی بخش دل‌هـای هراسـان، نگهبـان جهـان و جهانیـان، غالب و قاهر بر همهٔ آفریده گان، با جبروت و باعظمت، بزرگوار و برتر است. زهی منزه و پاک خدای یکتا که از هرچه بر او شریک پندارند منزه و مبراست. اوست خـدای آفریننـدهٔ عـالم امکـان و پدیـد آرندهٔ جهان و جهانیان، نگارندهٔ صورت مخلوقات، او را نام‌های نیکو بسیار است؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغول اند و اوست یکتا و یگانه، خدای مقتدر حکیم.

تفسیر

بهترین نام‌های خداوندﷻ

در این آیات سه‌گانه نام‌های خداوند متعال شمارش یافته اند، که بسیار کم واقع گردیده کـه در یـک سوره به طور پیهم نام‌های او تعالی به این گونه شمارش یافته باشند. در سه آیـت اخیـر ایـن سـورهٔ قرآنی به تعداد هفده نام، از نام‌های نیکوی خداوندﷻ (أسماء الله الحسنی) ذکر گردیده است.

آیت های مبارک با تأکید وحدانیت خداوندﷻ یعنی شعار﴿ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ ﴾ آغاز گردیـده، تأکیـد نموده که تنها او تعالی است که غیب و شهادت، پیدا و پنهان را می‌داند. یعنـی آنچـه از مـا غایـب و پوشیده است، و آنچه هویدا است خداوندﷻ آن را خوب می‌داند. او تعالی بخشاینده و نهایت مهربان است، رحمت او تعالی بی پایان است و همه چیز را فرا گرفته. آیات قرآنی دوباره تأکید می‌نمایـد کـه او تعالی واحد و یگانه است.

سپس آیات مبارک مجموعه‌یی از اسمای حسنای خداوندﷻ را با اصل توحید و یگانـه‌گـی او تعـالی پیوست نموده می‌فرماید که او تعالی مالک پادشاهی چی است کـه غیـر او کـسی صـاحب ملـک و پادشاهی نیست. او تعالی منزه است از هر عیب، پاک از هر نقـص و مبـرا از همـه آنچـه اسـت کـه سزاوار خدایی او نباشد. مفسرین گفته اند که ورود لفظ (قدوس) بعد از اسم (ملک) اشاره به این امـر است که اگرچه خداوند متعال مالک و پادشاه و متصرف همه چیز است؛ امـا تـصرف او تعـالی ماننـد تصرف ملوک و پادشاهان مغرور و ظالم روی زمین نیست؛ بلکه تصرف و مالکیت پروردگار در ملـک و مخلوقاتش کامل و از هرگونه ظلم و عیب و نقص پاک و منزه است.

عظمت و کبریا خاصهٔ خداوند است

او تعالی ایمنی و سلامتی برای اولیای خویش است. او تعالی تصدیق کننده و امـان دهنـدهٔ پیـامبران خود است. او تعالی جبار با شکوه و با شأن و عظمت وصاحب کبریای بزرگ اسـت. صـفات (جبـار و متکبر) برای خداوندﷻ مدح و ستایش او تعالی است؛ اما این دو صفت بـرای غیـر خداونـدﷻ ذم و قباحت و زشتی است. پیامبرﷺ در حدیث قدسی از پروردگار خود روایت نموده کـه خداونـد متعـال فرمـود: «الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَلْقَيْتُهُ فِي النَّارِ»[1] ترجمـه: کبریـا عبای من، و بزرگی و عظمت ازار من است؛ پس هر کسی که در یکی از این دو، با من همتایی کنـد وی را (نابود خواهم کرد) ودر آتش جهنم خواهم انداخت.

او تعالی خالق و آفریننده یی است که هستی را از عدم ایجاد نموده است. او تعالی صورتگر و نگارندهٔ همه چیز است؛ همه مخلوقات و آفریده گان را با هیأت و صورت خاص آفریـده. ایـن معبـود یکتـا و بزرگ متصف به اسمای حسنا و نیکوست که خود را به آن مسما نموده است، وپیـامبرش او تعـالی را به این نام‌های مبارک خوانده است؛ همچنان این سوره چنانچه به تسبیح وحمـد خداونـدﷻ شـروع گردیده، به تسبیح و ستایش او تعالی پایان یافته است؛ که آنچه در آسمان‌ها و زمین اسـت تـسبیح و ثنای او گویند، و او تعالی بزرگ و با حکمت است.

اثر نامهای نیکوی خداوندﷻ در زنده‌گی انسان

أسماء الله الحسنی یا نامهای نیکوی خداوندﷻ بهترین وسیلهٔ شناخت اللهﷻ است؛ زیـرا انـسان در دنیا قابلیت و توان دیدن ذات خداوندﷻ را نـدارد؛ بنـابر آن آن چـه خداونـد متعـال خـود در وصـف خویش در قرآن بیان فرموده، و آنچه در احادیث صحیح رسـول اللهﷺ از صـفات الهـی ذکـر شـده است تنها راه درست و موثق شناخت صفات ذات پروردگار می‌باشد. از همین سبب اسـت کـه اسـماء وصفات الهی توقیفی؛ یعنی ثابت و متوقف به نصوص قرآن و سنت بوده کمی و بیشی در آن‌هـا بـر اساس اجتهاد وتخمین جواز ندارد.

دانستن اسماء الله الحسنی و تفکر در آن‌ها تاثیر بسیار مهمی در زنده‌گی و سرنوشت انـسان دارد کـه برخی از آن‌ها را مختصر ذکر می‌نمائیم:

۱. دانستن معنا و مفهوم نام‌های نیکوی خداوندﷻ باعث می‌شـود تـا شـناخت انـسان از ذات بـاری تعالی بیشتر و عمیق‌تر شود، که این کار سبب تقرب بیشتر انسان به خداوندﷻ و زیاد شدن محبـت او تعالی در قلب و ترسیخ خوف از قهر و عذاب الهی در نفس می‌شود و نتیجه آن بـه شـکل زیـادت

(۱) مسند عبدالله بن عباس

اعمال نیکو و اجتناب از اعمال بد، گناهان، و مفاسد در زنده‌گی فـردی و اجتمـاعی انـسان‌هـا ظـاهر می‌شود.

۲- الله متعال در آیت دیگری فرموده است: ﴿ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا ﴾ [الأعراف: ۱۸۰] یعنی الله ﷻ دارای نام‌های نیکو است، او را؛ آن نام‌های نیکو بخوانید. به این معنی که وقتی از الله ﷻ چیزی می‌خواهید نام مناسب با حاجت‌تان را یاد نموده حاجت تانرا بخواهید؛ مثال بگویید: یا رازق ارزقنی؛ یعنی ای روزی دهنده به من رزق و روزی بده، و یا شافی اشفنی؛ یعنی ای شفا دهنده به من شفا نصیب کن، و یا غفور اغفرلی؛ یعنی ای آمرزنده من را بیامرز.

۳- در حدیث صحیح روایت شده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: « إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلاَّ وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...» [۱]

یعنی خداوند ﷻ دارای نود و نه اسم است، هرکسی که آن‌ها را حفظ نموده معانی آن‌ها را بداند و بـر اساس آن‌ها عمل کند به جنت داخل می‌شود.

فعالیت

هر شاگرد نام‌های خداوند ﷻ را که در غیر این سوره ذکر گردیده، جستجو نمایـد و آنـرا در کتابچـهٔ خود درج کند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی از فواید وآموختنی‌های آیت های مبارک این درس قرار زیر است.

❖ این آیت های مبارک، از عظیم ترین آیات قرآنی است که خداوند متعال و صفات او را بـرای مـا معرفی نموده است.

❖ آیت های مبارک فوق اهمیت بیاد آوردن اسمای حسنای خداوند ﷻ را با یقین و ایمان به آن بـه ما تعلیم می‌دهد.

❖ بر ماست تا خداوند ﷻ را با اسماء وصفاتش بشناسیم، و او تعالی را به آن بخوانیم.

❖ دانستن اسماء الله الحسنی، معرفت صفات خداونـد ﷻ، تأمـل و تفکـر در اسـماء و صـفات الله و بالآخره عمل کردن مطابق آن‌ها تاثیر مستقیم و بزرگی در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته و سبب می‌شود تا جامعه به طرف خیر ، فلاح و نجات از مفاسد مادی و معنوی حرکت نماید.

---

۱ - متفق علیه.



به سؤال‌های زیر جواب بدهید:

۱- هفده نام از نام های حسنای خداوندﷻ را که سورۀ الحشر ذکر نموده، بشمارید.

۲- رابطه و مناسبت شروع و ختم سورۀ (الحشر) را توضیح بدهید.

۳- فرق میان پادشاهی خداوند متعال بالای مخلوقـاتش، و پادشـاهی دیگـر پادشـاهان روی زمـین چیست؟

۴- نسبت دادن صفت های جبار و متکبر به خداوندﷻ، ونسبت به مخلوقات چه فرق دارند؟

۵- چگونه می‌توانیم با تاثیر پذیری از نام‌های نیکو و صفات خداوندﷻ در زنده‌گی فردی و اجتماعی خویش تغییر مثبت و مفید ایجاد نماییم؟



راجع به (أسماء الله الحسنی) یا نام‌های نیکوی خداوندﷻ و ثواب یاد نمودن و تأثیر عملـی آن‌هـا در زندگی، یک مقالۀ کوتاه بنویسید و در مورد، با احادیث نبوی استدلال نمایید.

انسان بیهوده آفریده نشده

قال تعالی: ﴿ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ۞ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ۞ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ۞ وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾

[المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۸]

معنای کلمات

عَبَثًا : بیهوده، بدون فایده

فَتَعَالَى اللَّهُ : پس خداوند از هر نوع بیهوده گی و نقص پاک و منزه است

الْمَلِكُ الْحَقُّ : خداوند مالک و متصرف بر حق است

يَدْعُ : عبادت می‌کند، و به کمک می‌خواند

بُرْهَانَ : دلیل وحجت

ترجمه

آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟! پس خدای برحق که مالک (همه چیز است) ، برتر از آن است که (چیزی را بیهوده بیافریند). هیچ خدایی جز همان پروردگار عرش مبارک نیست. وهرکس غیر خداوندﷻ چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی خواند، که هیچ دلیلی بر آن ندارد، حساب کار او نزد پروردگارش می‌باشد.

البته کافران را فلاح و رستگاری نیست. و بگو بار خدایا! بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشنده‌گان عالم هستی.

تفسیر

خداوند متعال کافران را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: آیا گمان می‌کنید که ما شما را باطل و بیهوده آفریدیم؟ نه، چنین نیست؛ بلکه ما شما را برای پرستش وتهذیب وآموزش و بر پا نمودن اوامر الهی آفریده ایم. وآیا گمان نمودید که بعد از مرگ دو باره برای حساب وجزا بر انگیخته نخواهید شد؟

خداوند متعال پاک و منزه از آن است که چیزی را بدون حکمت بیافریند، او خدای یکتاست، و هیچ معبودی جز او نیست، خالق و آفریننده‌یی غیر از او نیست، و او تعالی پروردگار عرش کریم است.

در آیهٔ مبارک ،عرش به صفت « کریم » موصوف گردیده؛ زیرا که این صفت را از پروردگار «اکرم الأکرمین» نصیب گردیده است؛ سپس خداوند متعال بر آنانی که به او نسبت فرزند داده و یا شریک و همتا قایل گردیده اند با تهدید و توبیخ خطاب نموده می‌فرماید: و هر آنکه غیر خداوندﷻ چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی بخواند که هیچ دلیلی بر آن ندارد حساب کار او نزد خدای اوست؛ البته کار او را فلاح و رستگاری نیست.

این تهدید عظیمی است برای کسانی که به خداوندﷻ شریک قایل شده، چیزهای دیگری را یکجا با خداوندﷻ عبادت می‌نمایند، در حالی‌که برای این کار خود، دلیل و برهانی ندارند؛ پس خداوندﷻ آنان را به عذاب سخت و درد ناک خود تهدید نموده که چنین اشخاص هرگز به کامیابی نخواهند رسید؛ بلکه باز گشت‌شان به سوی جهنم، ذلت، خواری وخسران خواهد بود.

زیان کافران و رستگاری مؤمنان

آیات فوق که خاتمهٔ سورهٔ (المؤمنون) است با تأکید بر عدم کامیابی و رستگاری کافران خاتمه یافته، در مقابل کامیابی و رستگاری مؤمنان تضمین گردیده است که در آغاز این سوره نیز به آن تأکید شده بود، تا آنکه تفاوت و اختلاف آشکار میان هر دو گروه را تثبیت و بر ملا سازد.

به این ترتیب خداوند متعال پیامبر گرامی خود و امت او را تعلیم می‌دهد که برای طلب مغفرت و رحمت تنها به او رجوع نمایند؛ زیرا که او تعالی بهترین مغفرت کننده‌گان و بهترین رحم کننده‌گان است.

بخاری، مسلم، ترمذی و ابن حبان از ابوبکرؓ روایت نموده اند که به پیامبر بزرگوار اسلام عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، دعایی به من بیاموز تا با آن در نماز خود دعا کنم، پیامبرﷺ به وی ارشاد فرمود که بگو: **«اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، فَاغْفِرْ**

لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»[1] بـار خـدایا، مـن بـر نفـس خـود ظلـم زیـاد نموده‌ام، و حقا که جز تو کسی بخشایندۀ گناهان نیست؛ پس مرا بیامرز به آمرزشی از نزد خود، و بـر من رحم کن، همانا تو آمرزندۀ مهربان استی.

قرآن کریم، شفا است

مفسرین کرام گفته اند که دو آیۀ اخیر این سوره از آیات شفا می‌باشند. ابن ابی حاتم از عبـدالله بـن مسعودؓ روایت نموده که عبدالله بن مسعودؓ به مرد مریضی گذشت، و در گـوش وی آیـۀ ﴿ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ... ﴾ راتا ختم سوره خواند، پس شخص مریض شفا یافت، من این امر را به نزد پیامبر خداﷺ یاد نمودم، پیامبرﷺ به عبدالله بن مسعودؓ گفـت: (بمـاذا قراءت فی أذنه؟) در گوش آن شخص چـی خوانـدی؟ وی مـا جـرا را بـه پیـامبر خـدا بیـان نمـود، پیامبرﷺ فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلاً مُوقِنًا قَرَأَهَا عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ » قسم بـه ذاتـی کـه نفس من در دست قدرت اوست، هرگاه شخصی با یقین این آیات را بـر کـوهی بخوانـد، کـوه نـابود خواهد شد!.

آنچه در اینجا تعیین کننده و مهم است ایمان خواننده یقین و صفای او است؛ هـم چنـان اسـتعداد و قابلیت مریض نسبت به تداوی ومعالجه با قرآنکریم می‌باشد.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌هایی که از آیات فوق گرفته می‌شود قرار ذیل اند :

❖ خداوند متعال انسان را بیهوده و بدون مقصد و حکمت نیافریده بلکه او تعالی انسـان‌هـا را بـرای انجام مسؤولیت بزرگ و معینی خلق نموده که عبارت از اظهار عبودیت و زنده‌گی کـردن بـر اسـاس نظام و قانون الهی می‌باشد خداوند متعال درین مـورد مـی‌فرمایـد: ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶] ترجمه : من جن و انس را تنها برای عبادت خود خلق کرده‌ام.

درینجا باید توجه داشت که عبادت بر اساس تعریف مفسرین عبارت است از (کل ما یحبه الله و یرضاه من الأقوال و الأفعال) یعنی هر قول و فعلی که خداوندﷻ آنرا دوست داشته و به آن راضی مـی‌شـود عبادت است، بناء میتوان گفت که دائرۀ عبادات بسیار وسیع بوده تمام اعمال نیکو را در بر میگیـرد و فقط در ارکان اسلام و شعائر مشهور دین مانند نماز ،روزه، حج و زکات خلاصه نمی شود.

(۱) صحیح بخاری حدیث ۸۱۱، صحیح مسلم حدیث ٤٩٨٣ و السنن الصغری، ج۱، ص۱۵۳

بر مسلمان لازم است تا تمام حیات خویش را در تمام ابعاد و عرصه‌ها چی کوچک و چی بزرگ در عبادت الله متعال؛ یعنی پیروی و اطاعت از نظام و قانون او سپری نماید و زنده‌گی و مرگش برای خداوند ﷻ باشد. همین مطلب و مفهوم در آیت دیگری از قرآن کریم چنین شیوا و رسا بیان شده است: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ..﴾ [الأنعام: ۱۶۲] ترجمه : بگو ای محمد ﷺ که بدون شک نماز، قربانی ، زنده‌گی و مرگ من برای الله، پرورد گار عالمیان است.

امام ترمذی گفته است: «خداوند متعال مخلوقات را به حیث بنده‌گان خود آفریده تا او را عبادت کنند، و خود آن‌ها را در مقابل عبادت‌شان ثواب و پاداش دهد و یا در مقابل ترک عبادت مجازات نماید؛ پس هرگاه انسان‌ها خداوند ﷻ را عبادت نمودند، ایشان به عنوان بنده‌گان آزاده و با کرامت از برده‌گی دنیا آزاد اند، ودر دار پر امن آخرت، پادشاهان خواهند بود. اما اگر از عبودیت او تعالی سر باز زنند، ایشان برده گان فراری سرکش و بد سرشت بوده، و فردا در روز قیامت به حیث دشمنان زندانی آویخته بر طبقه‌های آتش خواهند بود.

❖ بدون شک کوتاه نظری و جهالت و کودنی انسان خواهد بود اگر مانند مادی‌گرایان چنین گمان برد که همین دار دنیا همه چیز است، و به خدا و دار آخرت برگشت نخواهد بود، تا به انسان‌ها مطابق عملکردشان پاداش داده شود.

❖ آنانکه به خداوند ﷻ شریک می‌آورند، در این کار هیچ‌گونه دلیل و برهانی ندارند بنا بر آن مستحق عذاب می‌باشند.



از آیات قرآنی برای موارد زیر دلیل بیاورید:

۱- خداوند متعال مخلوقات را عبث و بیهوده خلق نکرده است.
۲- عرش به خاطر نسبتش با پروردگار به صفت کریم موصوف گردیده است.
۳- مستحب بودن دعا برای مغفرت و رحمت.
۴- قرآن‌کریم شفا دهنده است در این مورد حدیث نبوی را بیان نمایید.
۵- زنده‌گی انسان در تمام عرصه‌ها باید تابع قانون و نظام خداوندی باشد.



پیرامون موضوع (چگونه یک زنده‌گی هدفمند و با رسالت داشته باشیم؟) مقاله ای بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس هشتم

انسان در سایهٔ نعمت‌های الهی

قال تعالی: ﴿ ٱللَّهُ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْفُلْكَ لِتَجْرِیَ فِی ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْأَنْهَٰرَ ۞ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ دَآئِبَیْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّیْلَ وَٱلنَّهَارَ ۞ وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۚ وَإِن تَعُدُّوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ ۗ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴾

[ابراهیم: ۳۲-۳۴]

معنای کلمات

سَخَّرَ: رام ساخت، آسان نمود

دَآئِبَیْنِ: حرکت دوامدار و پی در پی

لَا تُحْصُوهَآ: آن را شمرده نتوانید

ترجمه

خداوندﷻ، آن ذاتی است که آسمان‌ها وزمین را آفرید، و آب را از آسمان فرو بارید تا بدان انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما برآورد، وکشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را به روی زمین به اختیار شما جاری گردانید. و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد. و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر بشمارید نعمت‌های خدا را، شمار نتوانید کرد آن را. به تحقیق انسان سخت ستمگر و نا سپاس است.

تفسیر

مظاهر نعمت‌های خداوندﷻ

خداوند متعال، در این آیات نعمت‌های خود بر بنده‌گانش را بیان نموده است و به دلایل وجود و علایم قدرت خود اشاره می‌نماید و این نعمت‌ها را برای انسان شناسایی می‌کند.

خداوندﷻ آسمان‌ها و زمین را از عدم آفرید، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین دلایل قدرت ونشانه‌های عظمت خود را آشکار ساخت.

او تعالی باران را از ابرها فرود آورد و ذریعهٔ آن انواع و اصناف نباتات را با رنگ‌های گوناگون، حجم ها مختلف، مزه‌های متنوع و منافع گوناگون رویانید تا انسان‌ها از آن روزی بگیرند و در وجوه مختلف از آن بهره‌مند گردند.

خداوند متعال برای شما کشتی‌ها را رام گردانید تا به امر او تعالی در بحر حرکت نمایند. به این معنا که ساختن کشتی را برای شما آموخت و استعمال آن‌را برای‌تان آسان گردانید، و باد را فرستاد تا به جهتی که می‌خواستید به مشیت و توفیق او تعالی سیر وحرکت نمایید. خداوند متعال آن ذاتی است که دریاها را در زمین جاری ساخت تا از آب آن بنوشید و در آبیاری زمین‌ها و دیگر نیازهای خود بهره برداری نمایید.

آیهٔ مبارک در این درس با اسم ذات خداوندﷻ، یعنی لفظ (اللهﷻ) آغاز گردیده که این اسلوب قرآنی احساس بیم و هراس در برابر ذات بی‌نیاز را در قلب‌ها بیدار می‌سازد، و توجه مشرکان را به وجوب ایمان به خداوند متعال جلب می‌نماید.

دوران مه وخورشید

این آیات ما را به معرفت وشناسایی خداوند متوجه نموده بیان می‌کند که او تعالی ذاتی است که برای بنده‌گانش آفتاب و مهتاب را، در دوران حرکت‌شان وبه خاطر منفعت رسانیدن برای انسان و زنده‌گی در روی زمین، مسخر گردانیده است؛ چنانچه شب و روز را در رفت و آمد پیهم و انجام نقش و وظایف‌شان در تسخیر ما قرار داده، تا در هنگام روز از فضل خداوندﷻ روزی بخواهیم و منافع و نیازهای زنده‌گی خود را برآورده سازیم، و در هنگام شب به استراحت بپردازیم و تجدید قوا کنیم، چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿ وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ۝ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا ﴾ [النبا: ۱۰– ۱۱] ترجمه : شب را لباس و ساتر گردانیدیم، و روز روشن را برای تحصیل معاش‌تان مقرر داشتیم .

وهمچنـــان فرمـــوده اســـت: ﴿وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾. [ابراهیم:۳۴] ترجمه : و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر نعمت‌های خداوندﷻ را بخواهید کـه بـه شـمار آوریـد هرگز حساب آن را نتوانید کرد. قطعاً انسان سخت ستمگر و نا سپاس است».

نعمت‌های بی پایان و نا سپاسی انسان

آیات کریمه، انسان‌ها را مخاطب ساخته بیان می‌دارد که خداوندﷻ به فضل خویش هـر آنچـه از او خواستید به شما عطا نمود تا نفع برید و امور زنده‌گی خود را سامان بخشید؛ همچنان چیزهای زیادی که از او نخواسته بودید برایتان ارزانی فرمود؛ زیرا او تعالی از آنچه به خیر شماست نیک آگـاه اسـت. یقینا که نعمت‌های خداوندﷻ بی شمار اند، و اگر خواسته باشید نعمت‌های او را بشمارید و یا مقـدار آن را معلوم نمایید؛ هرگز چنین کاری انجام داده نمی توانید؛ اما انسان بر خودش ستم روا مـی‌دارد و پاس نعمت‌های پروردگار خود نگه نمی‌دارد و در شکر گزاری این نعمت‌هـا کوتـاهی مـی‌ورزد و چـه بسا که این نعمت‌ها را در غیـر محـل آن؛ یعنـی در راه معـصیت پروردگـار مـنعِم و صـاحب نعمـت استعمال می‌نماید.

فعالیت

شاگردان در بارۀ فواید شب و روز و دوران مه و خورشید معلومات ارائه نمایند.

فواید وآموختنی‌ها

در آیات مبارک بالا فوق درس‌ها وفوایدی نهفته است که مختصر بدان می‌پردازیم:

❖ خداوند متعال بنده‌گانش را با افعال خویش آشنا می‌سازد و نعمت‌های خود را به ایشان معرفـی و شناسایی می‌نماید.

❖ نعمت‌های خداوندﷻ برای انسان‌ها چنان فراوان اند که هیچ کـس توانـایی شـمارش آن‌هـا را ندارد.

❖ بر انسان است تا در برابر نعمت‌های الهی کفران نورزد، و غفلت نکند.

❖ اگر انسانی نعمت‌های خداوندﷻ را در راه پیروی پرورد گارش به کار نبـرد، در حقیقـت در حـق خودش ستم روا داشته است.

❖ باید دانست که شکر نعمت تنها به زبان نیست. ارتکاب گناهـان و سـرپیچی از اوامـر خداونـدی بدترین و واضح‌ترین شکل کفران نعمت بوده، در حالی‌که اطاعت از اوامر الهی و انجام اعمـال نیـک خوب‌ترین صورت ادای شکر نعمت‌های خداوندﷻ می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

۱- به نظر شما چرا خداوندﷻ شب و روز را آفریده است ؟

۲- فایده های تغییر وتبدیل شب و روز را بیان کنید.

۳- آیت های قرآنی با لفظ « اللهﷻ» آغاز یافته است، چه فایده‌یی را در پی دارد؟

۴- مظاهر قدرت الهی را در به دوران آوردن مه وخورشید بیان کنید.

۵- نعمت‌های ذکر شده در آیات فوق را بشمارید

درس نهم

دعوت به سوی خداوند ﷻ

قال تعالی: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ۞ وَلَا تَسْتَوِى ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ۚ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِىٌّ حَمِيمٌ ۞ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾

[فصلت: ۳۳- ۳۵]

معنای کلمات

ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ: بدی را با نیکی و به روش خوبتر پاسخ بده

وَلِى حَمِيمٌ: دوست نزدیک، اقارب

مَا يُلَقَّىٰهَآ: این صفت نیکو را کمایی نمی‌کند

ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ: دارندۀ بخت خجسته و بزرگ

ترجمه

چه کسی بهتر است به اعتبار سخن از آن کس که به سوی خدا خواند وکار نیک انجام داد و گفت که من از فرمان برداران و تسلیم شونده‌گان (به خداوند ﷻ) استم؟ و هرگز نیکی و بدی باهم یکسان نیستند؛ همیشه بدی را به بهترین شیوه دور کن (پاداش بده) تا همان‌کس که گویی با تو بر سر دشمنی است بهترین دوست تو گردد؛ و لیکن به این مقام بلند کسی رسیده نمی تواند جز آنان که شکیبایی اختیار نمایند و از بخت نیک و حصۀ بزرگ برخوردار باشند.

تفسیر

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گفته است که مصداق این قول خداوند جل جلاله: ﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ...﴾ پیامبر صلی الله علیه وسلم است که به سوی خداوند جل جلاله فراخواند و صادقانه عمل نمود و دین اسلام را به عنوان هدیهٔ الهی باقی گذاشت. در روایتی دیگر از ابن عباس رضی الله عنهما نقل گردیده که مراد از این آیت اصحاب و یاران پیامبرخداوند متعال می‌باشند.

در بارهٔ نزول آیهٔ ﴿فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ..﴾ مفسرین گفته اند که این آیت در بارهٔ ابو سفیان بن حرب نازل گردیده، که دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، اما سر انجام دوست و همکار پیامبر خداوند متعال گردید.

بهترین سخن

آیت های فوق داشتن سه صفت برجسته را نشانهٔ بهترین سخن برای یک انسان معرفی نموده است:

- کسی که به توحید و یگانه‌گی خداوند جل جلاله و طاعت و عبادت او تعالی دعوت می‌کند.
- کسی که به اعمال شایسته و نیکویی‌که خداوند جل جلاله به آن امر نموده التزام و پابندی داشته، واز محرمات دوری گزیند.
- کسی که با مسلمانان صالح و نیکوکار همنشین باشد، و با آنان با دوستی و محبت همکاری نموده از آنان دفاع نماید.

دعوت به سوی خداوند جل جلاله یک وجیبهٔ شرعی

دین اسلام، آخرین رسالت و نظام خداوند متعال برای بشریت است. رساندن این دین به دیگران و ترغیب مردم به طرف تعلیمات، احکام و ارزش‌های اسلام از راه دعوت ممکن می‌باشد. دعوت به سوی الله جل جلاله یک وجیبهٔ شرعی است ودارای اصول و قواعدی است که از قرآن کریم و سنت قولی و عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم استنباط شده است.

هر مسلمان اعم از مرد وزن مکلف است تا به اندازهٔ توان و علم خویش در رساندن دین اسلام به دیگران تلاش نماید. در قرآن مجید آیت های زیادی در بارهٔ دعوت و روش‌های آن وجود دارد، درین آیت ها تأکید شده است که دعوت به سوی دین باید با نرمی، اخلاق نیک، پند و نصیحت نیکو، و گفتگو و محاوره به طریقهٔ خوب انجام شود. به طور مثال: الله متعال به امام و پیشوای دعوتگران؛ یعنی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم امر فرموده است که:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ..﴾ [النحل: ١٢٥] ترجمه : بخوان به سوی راه پروردگار خود با حکمت و اندرز نیکو، و مجادله (محاوره و گفتگو) کن با آنان به طریقهٔ نیک و پسندیده.

آداب دعوت‌گری در راه خداوند

بعد از بیان اصول و اساسات دعوت به سوی خداوند و تحکیم رابطه میان بنده و پروردگارش، خداوند متعال آداب دعوت گران و برقراری روابط نیک میان بنده‌گان خداوند را بیان نموده می‌فرماید:

﴿ وَلَا تَسْتَوِي ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ۚ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ۞ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴾

ترجمه : دعوت گران به سوی خداوند بهترین مردمان اند؛ پس بر ایشان لازم است تا روابطشان را با مردم نیکو بسازند، در برابر آزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نمایند و بدی‌ها را با نیکی و احسان پاسخ بگویند. خداوند متعال بیان نموده که گفتار وکردار نیک وبد برابر نیستند؛ زیرا خداوند از گفتار وکردار نیک راضی بوده و صاحبان آنرا پاداش نیک می‌دهد. خداوند متعال گفتار وکردار زشت و ناپسند را بد می‌بیند وصاحبان آن را مجازات می‌کند؛ بنا براین، بر مؤمن دعوت کننده لازم است که بدی‌های مردم را با نیکی جواب بگوید، و در مقابل بدی با نیکی رفتار نماید که این امر برای او سزاوار تر است و با فضیلت و برتری او سازگاری دارد.

هرگاه دعوت کننده به سوی خداوند، بدی را با احسان و نیکی جواب بدهد، و گناه و زشتی دیگران را با بخشش وبرده باری دفع نماید، در حقیقت دوستی مردم را کسب نموده بد بینی و کینه‌توزی ایشان را دور می‌سازد، و دشمنش به دوست مخلص وصادقی برای وی مبدل می‌گردد.

این خصلت بزرگ، کسانی را میسر است که در مقابل نفس‌های خود مجاهدت نموده و در برابر خشم و غضب وآزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نشان می‌دهند؛ همچنان این اوصاف و خصلت‌های نیکو را تنها کسانی نصیب می‌گردند که در دنیا از سعادت و خوشبختی بهره‌مند بوده و برای اعمال نیک وکسب اجر و ثواب سعی و تلاش می‌ورزند.

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر آیهٔ ﴿ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ... ﴾ گفته است: خداوند متعال مؤمنان را به صبر و شکیبایی در هنگام خشم و غضب، حلم و بردباری در برابر جهل، عفو و بخشش در مقابل بدی امر نموده است؛ هرگاه چنین کاری را انجام دهند، خداوند ایشان را از شر شیطان حفظ می‌کند و دشمن‌شان را برای‌شان فرمانبردار ساخته به دوست نزدیک و همکار مبدل می‌گرداند.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، و بعد از مشوره با همدیگر، یک شاگرد به نمایندگی از گروه خود، روش پاسخ‌گویی در مقابل بدی را تشریح نماید؛ سپس گروه دومی گفته‌های گروه اول را نقد کنند.

فواید وآموختنی‌ها

ازآیت ها مبارک این درس، فواید زیر را باید آموخت:

❖ در دنیا هیچ کسی بهتر و برتر از دعوت‌گران به سوی خداوندﷻ نیست، ایشان میان ایمان، عمل و دعوت جمع نموده اند.

❖ بر مؤمن است تا ایمان خود را ظاهر سازد و آن را اعلام نماید، و در مناسبات و تجمعات با داشتن ایمان خود احساس عزت و افتخار کند؛ این خود بهترین دعوت است.

❖ از آنجایی که خوبی با بدی یکسان نیست؛ پس بر مؤمن است تا نیکی را انتخاب کند، و بدی را با نیکی پاسخ بگوید.

❖ احسان و نیکی با دیگران، تحمل برخورد زشت ایشان، سرانجام آن‌ها را به دوستان راستین و همکاران خوب مبدل می‌سازد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

۱- سه صفت را که در آیهٔ مبارک نشانهٔ بهترین انسان‌ها در گفتار، ذکر گردیده بیرون نموده توضیح دهید؟

۲- چرا نیکی با بدی برابر نیست؟ نیکی بر انسان نیکوکار چه تأثیر دارد، و بدی در انسان بد کار چه اثراتی می‌گذارد؟

۳- احسان به دشمنان و پاداش دادن بدی‌های ایشان چی بار می‌آورد؟

۴- از آیت های مبارک طریقه و روش مقابله بدی با نیکی را استنباط نمایید.



یک مقاله در بارهٔ روش‌های تأثیرگذاری در مردم وآداب دعوت‌گری در یک صفحه بنویسید.

درس دهم

ایمان و عمل صالح

قــال تعــالی: ﴿ وَٱلۡعَصۡرِ ۝ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ۝ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ﴾

معنای کلمات

وَٱلۡعَصۡرِ : سوگند به وقت و زمان، نماز عصر و یا وقت نماز عصر

وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ: و یکدیگر را به حق توصیه نمودند

ترجمه

سوگند به عصر، انسان در زیان است، مگر آنانی که ایمان آوردند وکارهای نیکو کردند و همدیگر خویش را به حق‌گویی و شکیبایی سفارش کردند.

تفسیر

خداوندﷻ به زمان سوگند یاد کرده و تأکید نموده که انسان در زیان است، مگر کسانی که در ادامۀ این آیت ها مستثنی قرار گرفته اند.

راز سوگند خداوندﷻ به زمان

اینکه خداوند متعال به زمان سوگند یاد می‌کند، نشان دهندۀ آن است که زمان در نزد الله تعالی از اهمیت و شرف بلندی برخوردار است. پیامبرﷺ فرموده است: «لَاتَسُبُّوا الدَّهْرَ، فَإِنَّ اللهَ هُوَ الدَّهْرُ»[1] ترجمه : دهر و یا زمان را دشنام ندهید؛ زیرا که خداوندﷻ دهر و یا زمان است به این معنی که خداوندﷻ گرداننده و متصرف زمان می‌باشد.[2]

معنای دیگر عصر

برخی از مفسران گفته اند: مراد از عصر، نماز عصر و یا وقت نماز عصر است. نظر به این سخن اهمیت، شرف وفضیلت نماز عصر ثابت می‌گردد. و به همین دلیل بسیاری از علماء ﴿وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ «نماز میانه» را به نماز عصر تفسیر نموده اند.

---

(۱) صحیح مسلم ، والسنن الکبری للبیهقي.

۲) شرح نووی بر صحیح مسلم، کتاب الألفاظ من الأدب و غیرها.

به نظر بعضی از علماء، در این آیت اشاره به آن است که عمر باقی ماندهٔ دنیا مانند مدت میان عـصر و مغرب کوتاه است.
پس بر انسان است تا این مدت زمان کوتاه را کـه سـرمایهٔ نهایـت بـا ارزش اسـت در تجـارتی بـه مصرف برساند که زیان نداشته باشد؛ زیرا این مدت زمان بسیار کوتاهی است و آنچه فوت می‌گـردد دوباره به دست نخواهد آمد.

نجات یابنده‌گان از زیان

بعد از آن که راجع به انسان و سرنوشت او حکم عمومی صورت گرفـت و انـسان زیـان‌منـد قلمـداد گردید، خداوند متعال مؤمنان مخلص را از ایـن حکـم عمـومی اسـتثنا نمـوده فرمـود : ﴿ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ﴾ تفسیر : کسانی که میـان ایمان به خداوندﷻ و کردار نیکو جمع نمایند، هرگز زیانی نخواهند دیـد؛ زیـرا کـه آن‌هـا بـرای روز آخرت کار می‌کنند و دل بسته‌گی‌های دنیا ایشان را از کار برای آخرت باز نمـی‌دارد؛ چـون آن‌هـا بـا قلب‌های خویش ایمان آورده اند، و به مقتضای این ایمان عمل نموده اند.
همچنان کسان دیگری که از زیان مستثنی شده اند آنانی اند که یکـدیگر خـویش را بـه تمـسک و التزام به حق ثابت و انکار ناپذیر سفارش و رهنمایی نمودند که آن ایمان بـه خداونـدﷻ و توحیـد او تعالی است.
باید گفت که حق در مقابل باطل قرار دارد و همهٔ نیکی‌ها به آن را در بر می‌گیرد مانند: توحید خداوندﷻ، فرمانبرداری از اوامر او تعالی، پیروی کتاب‌ها وپیامبران خداوند متعال و برتر دانستن آخرت بر دنیا.
همچنان خداوند متعال کسانی را از خسران و زیان مستثنا گردانیده که یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها در مسیر انجام دادن طاعتها، یا خود داری از گناهان، صبر و شکیبایی در مقابل آزمایش‌ها و آن‌چه برای انسان در زنده‌گانی دنیا می‌رسد، توصیه و رهنمایی می‌کنند.
البته کلمهٔ صبر در بر گیرندهٔ تحمل طاعات، دوری از کردار زشت، تحمل مصیبت‌ها وآنچه انـسان در راه خداوندﷻ و انجام امر به معروف و نهی از منکر متحمل می‌گردد، می‌باشد.
پس نجات یابنده‌گان از خسران و زیان به چهار صفت زیر متصف می‌باشـند کـه ایـن چهـار صـفت عبارت اند از: ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر.

مقام و منزلت سورهٔ العصر

سورهٔ مبارک «العصر»، با داشتن سه آیت، برنامهٔ کامل زنده‌گی بشر را در کلمـات و جمـلات کوتـاه ترسیم نموده، حقیقت و وظیفهٔ امت اسلامی را در آیهٔ سومی بیان نموده اسـت. امـام شـافعی‌رحمه‌الله در

بارهٔ اهمیت این سوره فرموده است: «اگر از قرآن چیزی جز سورهٔ (العصر) نـازل نمـی‌گردیـد، بـرای انسان‌ها بسنده بود.

نکته

از عبیدالله بن حفص روایت شده که فرمود: وقتی دو تن از اصحاب پیامبر ﷺ بـا یکـدیگر رو بـه رو می‌شدند و ملاقات می‌نمودند، قبل از آنکه از همدیگر جدا شوند یکی بر دیگری سورهٔ (العـصر) را تـا اخیر تلاوت می‌نمود و آنگاه با تقدیم سلام از یکدیگر جدا می‌شدند.

فواید و آموختنی‌ها

❖ وقت و زمان، در زنده‌گی انسان از اهمیت بلندی بر خـوردار اسـت کـه نبایـد هـیچ لحظـه‌یـی از لحظات آن را ضایع کرد.

❖ انسان‌ها به طور عموم در زیانند، جز آنانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام دهند و تمـسک و التزام به حق داشته و توصیه به صبر می‌کنند.

❖ هر مؤمن مسلمان به حق گویی و تبلیغ دین خدا مکلف است و باید از دین خدا پاسداری نماید.

❖ مسلمانان مکلف اند یکدیگر را به طاعت خداوند متعال، صبر و شـکیبایی در برابـر کـشش‌هـای نفسانی و گناه، تسلیم شدن به قضا و قدر در هنگام مصیبت‌ها و آزمایش‌ها توصیه و سفارش نمایند.



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱- معنای (العصر) چیست؟

۲- اسباب و عوامل خسران و زیانی که به انسان می‌رسد چیست؟

۳- معنای جمله‌های زیر را توضیح بدهید:

و تواصوا بالحق

و تواصوا بالصبر

۴- چهار نوع انسانی را که نظر به سورهٔ (العصر) از زیان و خسران در امان استند توضیح دهید.

۵- امام شافعی رحمه الله در بارهٔ اهمیت سورهٔ « العصر» چه گفته است؟

۶- از سورهٔ « العصر» چه درس‌ها واندرزهایی را به دست می‌توان آورد؟



هر شاگرد راجع به اسباب نجات انسان یک مقاله بنویسد که از یک صفحه کمتر نباشد.

درس یازدهم

امانت و اهمیت آن در اسلام

قال تعالی: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا﴾ [النساء: ۵۸- ۵۹]

معنای کلمات

ٱلۡأَمَٰنَٰتِ: امانت‌ها (نگهداری چیزی به قصد بر گرداندن آن به صاحبش)

ٱلۡعَدۡلِ: انصاف، رساندن حق به صاحب آن.

فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ: حکم آن را در کتاب خداوند ﷻ وسنت پیامبر ﷺ جستجو کنید.

ترجمه

همانا خداوند ﷻ به شما امر می‌کند که امانت ها را به صاحبانش باز دهید و چون میان مردم حکم نمودید به عدالت حکم کنید. خداوند ﷻ شما را پند نیکو می‌دهد، (به تحقیق) خداوند ﷻ شنوا و بیناست. ای اهل ایمان، از فرمان خداوند ﷻ ورسول الله ﷺ و فرمان‌داران که از خود شما استند اطاعت کنید پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خداوند ﷻ و پیامبر ﷺ باز گردانید اگر به خداوند ﷻ و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و نیک انجام تر خواهد بود.

تفسیر

خداوند متعال به بنده‌گان خود دستور داده تا امانت‌ها را به صاحب آن بر گردانند، و در هنگام حکم و قضاوت به عدل فیصله کنند همچنان خداوند متعال بنده‌گان خود را به اطاعت و پیروی خداوند ﷻ و پیامبر ﷺ و اطاعت فرمانروایان مأمور ساخته است. خداوند متعال در آیهٔ مبارک دو مورد از اعمال نیک را بیان نموده است.

ادای امانت: امانت عبارت از هر آن چیزیست که انسان برای نگهداری آن مورد اعتماد قرار داده چی مادی باشد و یا معنوی.

گاهی امانت عهد و پیمان با خداوندﷻ است که ادای آن عبارت از عمل کردن به اوامر خداوندﷻ و اجتناب از نواهی او تعالی می‌باشد.

گاهی امانت در برابر مردم است؛ مانند امانت‌ها واسرار انسان‌ها که ادای آن عبارت از بر گردانیدن آن امانت‌ها و اسرار به صاحبانش و عدم تقلب و خیانت در آن می‌باشد. کار کردن در وظایف و مسئولیت‌های عامه نیز نوعی از امانت است که ادای آن مستلزم انجام درست آن کارها می‌باشد. اگر شخصی که به کاری چه در دوایر دولتی و یا بخش خصوصی و یا امور شخصی موظف شود و در انجام آن سستی و تنبلی نموده وظیفهٔ خویش را به درستی انجام ندهد مرتکب خیانت در امانت شده است؛ همچنان سوء استفاده از اموال ودارائی‌های عامه و یا تقصیر در حفاظت از آن نوعی از خیانت در امانت می‌باشد. این آیهٔ مبارک و سایر آیات کریمه و احادیث نبوی مؤمنان را به مراعات وادای همهٔ این امانت‌ها امر و تشویق فرموده است.

البته در بارهٔ نگهداری امانت و اهمیت آن آیات و احادیث زیادی آمده چنانکه خداوند متعال در سورهٔ احزاب فرموده است: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم پیش کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان آن را پذیرفت. [الأحزاب: ۷۲]

در جای دیگری خداوند متعال امانت داران را مورد ستایش قرار داده می‌فرماید: «و آن رستگاران کسانی اند که امانت‌ها و پیمان‌شان را حفظ ورعایت می‌کنند» [المعارج: ۳۲].

همچنان پیامبر اسلامﷺ در مورد امانت و نگهداری و ادای آن در احادیث زیادی به اسالیب و روش‌های مختلف تأکید فرموده است. از آن جمله در این حدیث شریف ایمان و دین را با امانت مرتبط ساخته فرموده است: «لا إِيمَانَ لِمَنْ لا أَمَانَةَ لَهُ، وَلا دِينَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ»[1] ترجمه : کسی که امانت داری نداشته باشد ایمان ندارد، و کسی که عهد و پیمان را رعایت نکند دین ندارد.

حکم و قضاوت به عدل: خداوندﷻ به مؤمنان امر نموده که در حکم و قضاوت خود حق و عدالت را در نظر داشته باشند. خداوندﷻ ملک و پادشاهی خود را بر دو اصل حق و عدل بر قرار ساخته است. وقتی که در حکم و قضاوت ظلم و بی عدالتی صورت گیرد منجر به شقاوت و بدبختی افراد و جامعه گردیده، حقوق ضایع می‌شود و فساد در میان انسان‌ها منتشر می‌گردد.

در این باره آیات و احادیث زیادی وارد گردیده که از آن جمله این قول خداوند متعال است که فرموده: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ﴾ [النحل: ۹۰] ترجمه : همانا خداوندﷻ به عدل و احسان امر نموده است.

---

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی.

عدل وانصاف در گفتار

خداوند متعال رعایت عدل و انصاف را در سخن گفتن تأکید نموده می‌فرماید: ﴿ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى﴾ [الانعام: ۱۵۲] ترجمه : و هرگاه سخنی گویید، به عدالت گرایید، هرچند در بارهٔ خویشاوندان باشد.

انس بن مالک رضي الله عنه روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «لا تَزَالُ هذه الأُمَّةُ بخَيْرٍ ما إذَا قَالَتْ صَدَقَتْ، وإذَا حَكَمَتْ عَدَلَتْ وإذَا اسْتُرْحِمَتْ رَحِمَتْ »[1] ترجمه : تا آن زمان این امت (امت من) در خیر ونیکی است که هرگاه سخن گفت راست گوید و هرگاه حکم کرد عدالت نماید، وهرگاه از وی طلب رحمت شود ترحم و مهربانی کند.

سپس خداوند متعال باز هم به مؤمنان خطاب نموده می فرمایند : خداوند جل جلاله ادای امانت و حکم به عدالت را برای شما یک امر نیک و پسندیده مقرر گردانیده که در آن صلاح و بهبود کارهای شما در دنیا و سعادت شما در آخرت خواهد بود؛ پس بر شماست ای مؤمنان تا به احکام و ارشادات خداوند جل جلاله عمل نمایید؛ زیرا او تعالی به آنچه از شما صادر می‌شود آگاه و شنوا و بیناست.

اطاعت خدا و رسول و اولی الامر

سپس آیات قرآنی مؤمنان را به اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال و اطاعت وفرمانبرداری پیامبر صلى الله عليه وسلم امر می‌نماید. همچنان خداوند متعال به مؤمنان امر نموده از اولی الامر ویا زمامداران مسلمان شان اطاعت و فرمانبرداری کنند اولی الامر ویا زمامداران عبارت از امیران، حکام و سرلشکران مسلمانان می‌باشند که اطاعت وفرمانبرداری مسلمانان از ایشان واجب است، به شرط اینکه به معصیت خداوند جل جلاله امر نکنند؛ اما در صورتی که امر و فیصلهٔ اولی الامر و زمامداران مخالف شریعت خداوند جل جلاله باشد برای هیچ کسی اطاعت و فرمانبرداری ایشان جواز ندارد؛ زیرا که پیامبر اسلام صلى الله عليه وسلم فرموده است: "لا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الخَالِقِ"[2] ترجمه : اطاعت مخلوقی در معصیت خالق متعال جواز ندارد.

سپس خداوند متعال مؤمنان را در وقت نزاع و اختلاف ارشاد و رهنمایی فرموده که به کتاب خداوند جل جلاله و سنت پیامبر صلى الله عليه وسلم رجوع کنند. پیامبر خداوند متعال چنین فرموده: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلاَفُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ» ترجمه : از آنچه شما را منع کردم از آن خود داری کنید، و به آنچه شما را

۱- مسند ابو یعلی.

۲ - المعجم الکبیر للطبرانی

امر نمودم به قدر استطاعت و توانمندی تان به آن عمل نمایید. همانا کسانی از امت های گذشته قبل از شما بودند به سبب سؤال‌های زیاد شان و اختلاف‌شان در مورد پیامبران‌شان هلاک گردیدند.

فعالیت

هر شاگرد یک حدیث نبوی را در بارۀ اینکه چه وقت اطاعت و فرمانبرداری مخلوق واجب و چه وقت نا جایز می‌باشد، درکتابچۀ خود بنویسد.

فواید و آموختنی‌ها

آیت های مبارک این درس، ما را به فواید و آموختنی‌های آتی رهنمون می‌سازد:

❖ ادای امانت و حکم و قضاوت در میان مردم به عدل و حق.

❖ اطاعت وفرمانبرداری اولی‌الامر و زمامدار مسلمان، در صورتی که به معصیت خداوند ﷻ امر نکند.

❖ رجوع به کتاب خداوند ﷻ و سنت پیامبر خداوند متعال، در حالت اختلاف و نزاع مسلمانان پیرامون امری از امور دین و دنیای‌شان.



به سؤالات زیر جواب بدهید:

۱- دو عمل صالح و شایسته برای مؤمنان را بیان نمایید.

۲- چرا خداوند متعال به عدل در میان مردم امر نموده است؟ فواید امر به عدل را ذکر نمایید.

۳- از این قول خداوند متعال: ﴿ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ ﴾ چه استفاده می‌شود؟

۴- اطاعت پیامبر خداوند متعال با اطاعت و فرمانبرداری اولی الامر و یا زمامدار مسلمانان چه فرق دارد؟

۵- در کدام حالت اطاعت اولی الامر برای مسلمان لازم نیست؟ به حدیث نبوی استدلال کنید.

۶- خداوند ﷻ مرجع و منبعی را برای ما معرفی نموده است که در وقت اختلاف و نزاع باید به آن مراجعه کنیم. این منبع کدام است، و دلیل آن چیست؟

۷- امانت به مفهوم شرعی آن شامل چی چیزها می‌شود؟

درس دوازدهم:

مطابقت در گفتار و کردار

قال تعالی: ﴿ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾ [البقرة: ۴۲-۴۶]

معنای کلمات

وَلَا تَلْبِسُوا: میوشانید، نیامیزید

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ: نماز را با رعایت ارکان و آداب آن ادا نمایید

وَآتُوا الزَّكَاةَ: زکات را به مستحقین آن بدهید

الْبِرَّ: نیکی، همه اعمال خوب

بِالصَّبْرِ: با شکیبایی و برد باری

الْخَاشِعِينَ: طاعت کننده‌گان با فروتنی و عاجزی

ترجمه

و حق را با باطل میوشانید و حقیقت را پنهان نسازید، حال آنکه (به حقانیت آن) می‌دانید. نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با نماز گزاران نماز بگزارید. چگونه شما مردم را به نیکو کاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، حال آنکه کتاب خداوند ﷻ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ یاری جویید از خداوند ﷻ به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداوند ﷻ پرستان فروتن؟ آنان که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آنکه ایشان به سوی وی باز خواهند گشت.

تفسیر

خداوند متعال در این آیات به همه مردم و امت‌های روی زمین کـه انبیـاء و پیـامبران خـود را بـرای هدایت ایشان فرستاده است دستور داده تا حق را نپوشانند، و به حکـم خواسـته‌هـای باطـل خـویش احکام خداوندﷻ را تغییر ندهند. به طور خاص یهود که حق برایشان معلوم بود؛ اما به خاطر تعـصب و کینه حق را تغییر دادند تا مردم را از راه حق باز دارند؛ زیرا یهود حق را پوشـاندند و آن را بـا باطـل آمیختند، در حالی که خوب می‌دانستند که حق همان است که پیامبر اسلامﷺ آورده است.

سپس خداوندﷻ به مؤمنان دستور می‌دهد که به ارکان دین خود عمل نمایند تا قلب‌های ایشان بـه حق راه یابد، و خشوع و خضوع‌شان به خداوندﷻ بیشتر گردد.

قرآن‌کریم در اینجا دو رکن اساسی اسلام را بیان می‌دارد که اول آن ادای نماز اسـت کـه بزرگتـرین عبادت بدنی می‌باشد و ادای آن با حفظ ارکان و شرایط مکمل آن ثمرهٔ خوبی بار می‌آورد و از فحـشا و منکرات باز می‌دارد. رکن دومی عبارت از زکات است که بزرگترین عبادت مالی می‌باشد.

بدون شک التزام و پابندی به این عبادات دل‌ها را پاک ساخته، نفس‌ها را تزکیه مـی‌کنـد، و هرگـاه انسان در ادای این عبادات کوتاهی ورزد، ذلت و خواری در دنیا و آخرت نصیبش خواهد گردید.

مطابقت در گفتار و کردار

بعد از این اوامر که طایفهٔ یهود را به آن دستور داده، خداوند متعـال ایـشان را در مقابـل تـصرفات و عملکردهای غیر عاقلانه شان سر زنـش نمـوده هـشدار مـی‌دهـد: ﴿أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾ ترجمه: چگونه شـما مـردم را بـه نیکـوکـاری دسـتور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آنکه کتاب خداوندﷻ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟

در اینجا استفهام برای انکار و تقبیح عملکرد یهود است که مردم را به خوبی امـر مـی‌نمودنـد، ولـی خود به آنچه می‌گفتند عمل نمی‌کردند، در حالی‌که زشـتی ایـن کـار را در کتـاب تـورات بـه خـوبی می‌دانستند. بنا بر آن آیات قرآنی خرد و اندیشهٔ ایشان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از چنـین کـاری باز می‌دارد، و به ایشان هشدار می‌دهد که این کار مخالف عقل و خرد است.

استعانت به صبر و نماز

در این آیات، خداوند متعال همچنان به یهودیان طریقهٔ استفادهٔ درست از کتاب‌شان را تعلیم می‌دهد تا از آنچه برایشان فرستاده شده بهره بگیرند ودل های‌شان پاک گردد و نیت‌هایشان درست شود؛ بنابرآن خداوند متعال به آن‌ها دستور داده که نخست از صبر، کمک و یاری بجویند.؛ زیرا صبر انسان را به وعدهٔ خداوندﷻ مطمئن می‌سازد که صبر کننده‌گان را به پاداش بزرگ بشارت داده است؛ چون صبر کننده‌گان نفس‌های خود را از خواسته‌های‌شان باز داشته اند و با مشقت خود را از معصیت حفظ نموده اند.

همچنان آیات قرآنی به استعانت از نماز امر نموده تا به این وسیله از فحشا و منکرات اجتناب ورزند؛ زیرا در ادای نماز، انسان در حالت آشکار و پنهان خداوندﷻ را به یاد می‌آورد وخود را مورد مراقبت او تعالی می‌داند. بدون شک نماز با چنین شرایط و آداب یک کار دشوار است، مگر برای کسانی که از خداوندﷻ می‌ترسند و عذاب او را به یاد می‌آورند، نماز برای ایشان یک امر آسان و محبوب قرار می‌گیرد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال فرموده است: «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»[1] ترجمه : همانا روشنایی چشم من در نماز گذاشته شده است.

و خداوند متعال بنده‌گان نماز گزار خود را بشارت داده که ایشان یقین دارند که در روز قیامت با پروردگار خود ملاقات خواهند نمود، و تنها به سوی او تعالی باز گشت همه است، و او تعالی پاداش آنچه عمل نموده اند را خواهند داد؛ پس اینچنین بنده‌گان خداوندﷻ در ادای نماز احساس سختی و مشقت نمی‌کنند؛ بلکه از نماز کمک می‌خواهند، و هر وقتی که مشکلی به ایشان پیش شود با ادای نماز به مناجات پروردگار خود می‌شتابند؛ چنانچه، هر زمانی که رسولﷺ امر مهمی خداوند متعال را فرا می‌گرفت، به نماز رو می‌آورد.

فعالیت

- هر شاگرد در روشنایی درس خوانده شده، یک تعریف مختصر از مؤمن صادق و راستین در کتابچهٔ خود بنویسد.
- از شاگردان خواسته شود در مورد چگونه‌گی کمک خواستن از صبر و نماز در میان خود بحث کند.

---

(۱) مسند امام احمد.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های این درس قرار زیر است:

❖ مؤمن راستین از همه آنچه در کتاب خداوندﷻ آمده، پیروی می‌کند؛ به اوامر آن عمل نموده، و از نواهی آن اجتناب می‌ورزد، و فرایض آن را به جا می‌آورد.

❖ مؤمن صادق آن است که تنها از خداوندﷻ بترسد، و از بابت جایگاه رزق و روزی هراس نداشته باشد.

❖ مؤمن راستین آن است که به همه آنچه خدا فرموده التزام ورزد، و هیچ کار مشروع را به اساس خواسته‌ها و تمایلات نفس خود ترک نکند.

❖ مؤمن راستین کسی است که گفتارش مطابق کردارش باشد، و چیزی نگوید که خود به آن عمل نکند.

❖ مؤمن راستین در هنگام سختی‌ها و مشکلات به نماز رو می‌آورد و با ادای نماز از خداوند متعال استعانت می‌جوید.



به سوال های زیر جواب بگویید:

۱- چرا خداوند متعال به اقامهٔ نماز و ادای زکات امر نموده است؟

۲- معنای اقامهٔ نماز را که در آیهٔ مبارک وارد گردیده توضیح دهید؟

۳-خداوندﷻ طایفهٔ یهود را به کمک خواستن از دو رکن مهم مأمور گردانیده تا بر مشکلات زنده‌گی فایق آیند. این دو رکن کدام ها اند؟

۴- معنای صبر چیست؟

۵- انواع صبر را بیان کنید.

۶- انسان چگونه از صبر و نماز یاری می‌جوید؟

درس سیزدهم

فرجام سرپیچی از ذکر خداوند(جل جلاله)

قال تعالی: ﴿ وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ ۝ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ۝ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ ٱلْقَرِينُ ۝ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴾ [الزخرف: ۳۶-۴۰]

معنای کلمات

يَعْشُ: کسی که از ذکر خدا اعراض و سرپیچی می‌کند

نُقَيِّضْ: فراهم می‌کنیم، مسلط می‌سازیم

قَرِينٌ: همراه و همنشین جدا نا شدنی

لَيَصُدُّونَهُمْ: آن‌ها را از حق باز می‌دارند

ٱلسَّبِيل: راه حق، دین اسلام

ترجمه

و هرکه از یاد خداوند(جل جلاله) سر پیچی کند شیطانی را بر او مسلط می‌سازیم تا یار و همنشین دایم وی باشد. و آن شیاطین، همیشه آن مردم از خداوند(جل جلاله) غافل را از راه خداوند(جل جلاله) باز می دارند، وپندارند که هدایت یافته اند. تا وقتی که به سوی ما باز آید، آن گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصله‌یی به دوری مشرق ومغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بدی برای من بودی، و هرگز در آن روز به حال شما سودی ندارد؛ زیرا در دنیا ظلم کردید که امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید. آیا تو این کران (نا شنوایان) را سخنی توانی شنوانید؟ یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

تفسیر

فرجام همنشینی با بدان

آیت های مبارک بیان می‌دارد کسی که از ذکر خداوندﷻ و راه او تعالی سر پیچی نموده، دلایل آشکار بر وجود خداوندﷻ را در کاینات و در کتاب او (قرآن‌کریم) نا دیده گرفته و به راه باطل می‌رود، خداوند متعال شیطانی را قرین وهمنشین او می‌گرداند که همواره با او قرار داشته و بر گمراهی اش می‌افزاید، مانند دشمنی که بر انسان غالب گردد و از او انتقام بگیرد.

چنانچه در حدیث نبوی به روایت مسلم آمده است: برای هر مسلمانی یک همنشین جن وجود دارد، و شیطان می‌تواند در مجرای خون فرزندان آدم حرکت نماید.

بدین ترتیب شیاطین پیروان و دوستان کافرشان را از راه حق باز می‌دارند، وآن‌ها چنین می‌پندارند که راه یافته گانند؛ در حالی‌که ایشان در گمراهی آشکار اند، تا آنکه مرگ به سراغ شان برسد و سپس بر انگیخته شوند؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ﴾ ترجمه : شیاطین همیشه آن مردم غافل را از راه خداوندﷻ باز می‌دارند، وچنین می پندارند که هدایت یافته اند.

پروردگار به ما هشدار می‌دهد که انسان کافر زمانی که خداوندﷻ او را در روز قیامت زنده می‌سازد آرزو می کند که میان او و یار و همنشین بدش مانند مشرق و مغرب فاصله باشد. و آنان به همنشینان‌شان چنین می‌گویند: کاش شما را نمی‌شناختیم، و شما ما را نمی‌شناختید. کاش شما را نمی‌دیدیم، و شما ما را نمی‌دیدید، چه یاران و دوستان بدی بودید! اما فرمان خداوندﷻ به همهٔ آن‌ها چنین است که بیزاری و نفرین شما بر یکدیگر برای‌تان سودی نمی‌بخشد بلکه همهٔ شما مستحق عذاب هستید و در این عذاب درد ناک شریک یکدیگر هستید و چیزی از عذاب شما کم نخواهد شد.

فعالیت

انسان کافر در روز آخرت در بارهٔ دوست و همنشین خود چه می‌گوید؟ فشردهٔ این مطلب را در کتابچهٔ خود بنویسید.

هدایت از جانب خداوندﷻ است

سپس خطاب قرآنی به پیامبرﷺ متوجه گردیده، خداوند متعال از نبی خود می‌پرسد: آیا توان آن را خواهی داشت کسی را که از نعمت شنوایی محروم گردیده بشنوانی؟ و آیا خواهی توانست کوران را بینا سازی؟ و یا فرو رفته‌گان در گمراهی آشکار را هدایت نمایی؟ نخیر، این همه امور از قدرت و توان تو خارج اند، و تو تنها پیامبرﷺ تبلیغ کننده و بیم دهندهٔ کسانی هستی که بخواهند خویشتن

را از آتش جهنم نجات دهند؛ چنانچه خداوندﷻ این امر را در خطاب به رسول خود چنین تأکید نموده است:

﴿ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴾ یعنی: آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

همچنان این آیت های مبارک رابطه میان پیامبرﷺ و میان مشرکان را معکوس و در تقابل نشان می‌دهد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال با اصرار و دلسوزی برای دعوت آن‌ها به شدت تلاش مـی‌ورزد، در حالی که آنان به گمراهی و سرپیچی اصرار دارند، و از دلایل آشکار و روشن قرآن و نبوت چـشم پوشی نموده به کفر و عناد در راه باطل ادامه می‌دهند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکهٔ این درس، از این قرار است:

❖ کسی که از قرآن و از آیات و براهین آشکار قرآن اعراض و سرپیچی نماید، خداوندﷻ او را با همنشینی شیطانی مجازات خواهد نمود که بر وی مستولی گردیده، دنیا و آخرتش را به زیان و تباهی می‌کشاند.

❖ کافران در گمراهی می‌روند، در حالیکه چنین می‌پندارند که راه یافته گان اند.

❖ باید به قرآن‌کریم تمسک ورزید؛ زیرا قرآن کریم راه مستقیم و حق است که به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.

❖ پیروی قرآن در دنیا و آخرت سبب عزت و سر بلندی است؛ اعراب با نزول قرآن این عزت و منزلت را به دست آوردند؛ چنانچه خداوند متعال این حقیقت را به پیامبرﷺ خود چنین بیان داشته است: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ» ترجمه: قرآن برای تو و قومت شرف و نام نیکی است.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

۱- جزای کسی که از یاد خداوندﷻ روی می‌گرداند و از آیات او تعالی چشم پوشی می‌کند چیست؟

۲- شیاطین با پیروان و دوستان خود چه می‌کنند؟

۳- پیروان و فرمانبرداران در روز قیامت به فرمانروایان و پیشوایان خود چه می‌گویند؟

۴- نص قرآنی چه چیزی را از قدرت و صلاحیت پیامبرﷺ دور دانسته است؟

درس چهاردهم

نیکویی چیست؟

قال تعالی: ﴿ لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ﴾

[البقرة: ١٧٧]

معنای کلمات

ٱلۡبِرَّ: نیکی (نام جامع وکامل برای هر کار خوب)

ٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ : مسافر (دور افتاده از مال، خانواده و وطن خود)

فِي ٱلرِّقَابِ: در آزاد ساختن بردگان و نجات ایشان از برده گی

ٱلۡبَأۡسَآءِ : فقر و سختی

ٱلضَّرَّآءِ : ضررها (مانند مرض، ترس و غیره)

وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ: در هنگام جنگ

ترجمه

نیکو کاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید، لیکن نیکو کاری آن است که کسی به خداوندﷻ و روز قیامت و فرشته‌گان و کتاب آسمانی و پیغمبران علیهم السلام ایمان آرد، و مال و دارایی خود را با وجود دوستی آن، در راه خداوندﷻ به خویشان و یتیمان و فقیران و مسافران در راه مانده و گدایان بدهد و در آزاد کردن بنده‌گان صرف کند، نماز را بر پا دارد و زکات مال بدهد و نیز نیکو کار آنانی اند که با هرکه عهد بسته اند به عهد خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کار زار صبور و شکیبا باشند. آن‌ها به حقیقت راستگویان و آن‌ها به حقیقت پرهیز کارانند.

تفسیر

تحویل قبله

پیامبر ﷺ همراه با مسلمانان، بعد از هجرت به مدینهٔ منوره، به حکم خداوند متعال ،تا مدت یک و نیم سال، به طرف بیت المقدس نماز خواندند. پیامبر ﷺ دوست داشت به طرف کعبه نماز بخواند. خداوند متعال به رسول خود دستور داد تا نماز را به طرف کعبهٔ مشرفه ادا نماید و به این ترتیب تحویل قبله از بیت المقدس به طرف کعبهٔ مشرفه صورت گرفت. یهود مدینه، با تحویل قبله به فتنه انگیزی پرداختند و خواستند در دل‌های مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند و مردم را از گرویدن به دین اسلام باز دارند. یهودیان تبلیغ نمودند که قبلهٔ آن‌ها؛ یعنی بیت المقدس قبلهٔ صحیح است و به طرف غیر آن نماز درست نمی‌شود. خداوند متعال در آیات دیگری حکمت تحویل قبله را به تفصیل بیان داشته با رد اکاذیب و پندارهای یهود غرض اطمینان پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان برتری کعبهٔ مشرفه را نسبت به هر جای دیگر تثبیت و تأکید نموده است.

در این آیهٔ مبارکه خداوند متعال باز هم به رد ادعاهای یهود و مشرکین ومنافقان پرداخته که تنها روی گردانیدن در نماز به طرف مشرق و مغرب معیار نیکی و برتری نیست؛ بلکه ایمان به خداوند ﷻ و به روز آخرت و آنچه در این آیهٔ مبارکه ذکر گردیده معیار نیکی و برتری می‌باشد. و استقبال قبله تنها برای وحدت مردم و ادای نماز است که خاص برای خداوند ﷻ و تسلیم شدن به حکم او تعالی باید ادا شود.

انواع و اشکال نیکویی

آیات مبارکهٔ فوق بیان می‌دارد که نیکی تنها روی آوردن به طرف مشرق و مغرب در ادای نماز نیست؛ بلکه نیکی عبارت از ایمان ، اخلاق و اعمال پسندیده است. آیهٔ مبارک اساسات و مبانی نیکی را در موارد زیر بیان نموده است.

مبانی ایمان

اصل نیکویی، ایمان به خداوند ﷻ یکتا و بی نیاز، ایمان به روز آخرت و حساب و ثواب و عقاب آن، ایمان به فرشته گان، ایمان به کتاب های آسمانی و ایمان به انبیا و پیامبران خداوند متعال است که مردم دعوت آن‌ها را قبول می‌کنند و به هدایت و رهنمایی آن‌ها عمل می‌نمایند. این ها اساس نیکی می‌باشند که هر انسان باید به آن ایمان و تصدیق داشته باشد تا از داشتن عقیدهٔ سالم و سعادت و رستگاری برخور دار گردد.

اعمال نیکو

بعد از ذکر اصول و مبانی ایمان، آیهٔ مبارک، اصول و مبانی اعمال نیک را بیان نموده که نتیجه و ثمرهٔ ایمان می‌باشند؛ چنانچه خداوند متعال در وصف انسان نیکو کار می‌فرماید: «مال و دارایی را با وجود دوستی شدید آن به کسانی بدهید که مستحق کمک و مساعدت اند؛ مانند اقارب و خویشاوندان، یتیمان، فقرا ومساکین، مسافر در راه مانده، تکدی (سؤال) کننده گان و آزادی برده‌گان.
با تأسف، بسیاری مردم این حقوق را که قرآن کریم به آن تأکید ورزیده فراموش نموده و از آن غفلت ورزیده اند. هرگاه مسلمانان این حقوق را مراعات نمایند و به آن عمل کنند، بهترین مردمان و برترین امت‌ها خواهند بود، و آن وقت است که امت‌های دیگر با دیدن این ارزش‌های والا به دین اسلام رو خواهند آورد.
بخش دیگری از اعمال نیک، برپا داشتن نماز است با مراعات ارکان، آداب و شروط آن؛ همچنان قسم دیگر این اعمال نیکو، ادای فریضهٔ زکات است که غالباً قرآن‌کریم آن را همراه و پیوست با ادای نماز ذکر نموده است.

اخلاق فاضله

آیات قرآنی پس از ذکر اصول و مبانی ایمان و اعمال نیکو، به بیان اصول و مبانی اخلاق می‌پردازد که مسلمان باید به آن التزام ورزد؛ زیرا اخلاق ثمرهٔ ایمان است. وفا به عهد، صبر در حال تنگ‌دستی و سختی در هنگام کار زار از جملهٔ مبانی اخلاق فاضله می‌باشند که قرآن کریم به عنوان کارهای خیر و نیکو بیان نموده است؛ پس نیکی تنها روی گرداندن به جهت معین؛ به طرف مشرق و مغرب نمی‌باشد؛ بلکه اساس نیکی مجموع اصول ایمان، اصول اعمال نیک واصول اخلاق است که این آیهٔ مبارک در بر گیرندهٔ همهٔ آن‌ها می‌باشد.
در ختم آیت، کسانی که به اوامر خداوندﷻ التزام داشته و تعلیمات دین خود را به وجه نیکو انجام می‌دهند، قرآن‌کریم آن‌ها را با دو صفت بزرگ ستوده است:
۱- ایشان در دعوای ایمانداری صادق اند؛ چه، آن‌ها تنها با زبان ایمان نیاورده اند، بلکه ایمان خود را با قلب ها و اعمال خود به اثبات رسانیده اند.
۲- ایشان متقیان و پرهیزکارانند؛ زیرا، آن‌ها به آنچه خداوندﷻ دستور داده عمل نمودند، آن‌ها تنها متقیانی اند که به قرآن عمل نموده، از خداوندﷻ ترسیده اند، و برای روز واپسین آماده‌گی گرفته اند و ظاهر خود را با باطن‌شان آراسته نموده اند.

فواید و آموختنی‌ها

آیت های مبارک به درس‌ها و فوایدی اشاره می‌نماید که برخی از آن چنین است:

❖ انسان، مؤمن پنداشته نمی‌شود تا آنکه دوستی خداوند متعال و پیامبر ﷺ را بر دوستی ماسوای آن برتری بدهد و قلبش با یاد خداوند ﷻ مطمین گردد و از گناهان دوری گزیند.

❖ اعمال و کردار نیکو ثمره و ترجمان ایمان راستین است.

❖ جامعۀ پر امن جامعه‌یی است که همکاری الفت دوستی و ترحم میان افراد آن حاکم باشد؛ چنین جامعه یی مانند یک جسم واحد است که با درد و رنج یک عضوش، همه اعضای آن بیقرار می‌گردد.

❖ جامعۀ با فضیلت و پر امن آن است که افراد آن با مکارم و اصول اخلاق پیامبر ﷺ متصف باشند.



به سؤالات زیر جواب بدهید:

۱- مقصد از (الْبِرَّ) چیست؟ و رابطه میان آنچه در این آیت آمده با موضوع تحویل قبله چه می‌باشد؟

۲- آیۀ مبارکه، مبانی ایمان را به حیث اصول و اساس نیکی ذکر نموده است. این مبانی را بیان نمایید.

۳- ایمانی که قرآن از انسان طلب نموده چگونه ایمانی است؟

۴- اعطای مال برای مستحقان از جملۀ مبانی نیکی است. چه کسانی برای دادن مال مستحق اند؟

۵- آیات قرآنی چرا اقارب و خویشاوندان را مقدم گردانیده است؟

۶- مسکین و ابن سبیل چه کسانی اند؟

۷- مقصد از برپایی نماز چیست؟

۸- آیات مبارکه اصول اخلاق را که انسان باید به آن التزام داشته باشد بیان نموده این اصول کدامها اند؟

۹- آیات مبارکه کسانی را که به اصول و مبانی نیکی التزام دارند چگونه توصیف نموده است؟

۱۰- قرآن کریم صبر و شکیبایی را در سه حالت خاص گردانیده، این سه حالت کدامها اند؟



در روشنایی آیۀ مبارکه:

الف: نصی که رابطۀ انسان با پروردگارش، رابطۀ انسان با نفس خود، رابطۀ انسان با دیگران را بیان نموده نشان دهید؟

ب: در مورد آیۀ مبارکۀ ذکر شده یک مقاله بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

درس پانزدهم

صلح و اهمیت آن در اسلام

قال تعالی: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۰- ۱۱]

معنای کلمات

لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ: قومی قوم دیگر را تحقیر نکند

وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ: یکدیگر را عیب گویی نکنید

وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ: یکدیگر را با القاب بد یاد نکنید

بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ: بعد از ایمان، فسق نام زشتی است

ترجمه

مؤمنان برادر یکدیگر اند؛ پس همیشه بین برادران خود صلح و آشتی آورید و از خداوند ﷻ بترسید، تا باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید. ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند؛ شاید آن‌ها (که مورد مسخره قرار می‌گیرند) از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند؛ و نیز زنان نباید یکدیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. هرگز از یکدیگر خود عیبجویی مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند ﷻ فسق بدترین نام است و هرکه توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

تفسیر

صلح و برادری

آیهٔ نخستین این درس یک قاعدهٔ بزرگ را تثبیت می‌کند که عبارت از اخوت و برادری ایمانی میان مسلمانان است، زیرا ایمان مؤمنان را به دور خود جمع می‌کند، همانگونه که اصل و نسب، برادران نسبی را جمع می‌کند. همانطور که برادری بر اساس نسب سبب پیوند و ارتباط است؛ پس برادری بر اساس دین نیز سبب پیوند و همبستگی می‌گردد. برادری دینی وایمانی دعوت به اصلاح ذات البین است، و اصلاح ذات البین به تقوا و خدا ترسی نیاز دارد تا آثار و نتایج آن دوامدار باشد و شامل رحمت وسیع پروردگار گردد.

احادیث زیادی در تأیید و تأکید بر اخوت وبرادری دینی وارد گردیده است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لاَ يَظْلِمُهُ وَلاَ يُسْلِمُهُ» ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم روا نمی‌دارد، و به دشمن تسلیم اش نمی‌کند؛ همچنان در حدیث صحیح دیگری آمده است: «خداوند ﷻ حامی وکمک کنندهٔ بنده است تا آن زمان که بنده کمک کنندهٔ برادر خود باشد.»(۱)

اوصاف منافی صلح و دوستی

سپس خداوند متعال در آیهٔ مبارک دومی جامعهٔ اسلامی را از صفات و پدیده‌هایی برحذر می‌سازد که فضای صلح و صفا را مکدر ساخته و عداوت و دشمنی را میان افراد جامعه ایجاد می‌نمایند. خداوند متعال می فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی قوم دیگری را مسخره و استهزا کنند، شاید قومی که مورد مسخره قرار می‌گیرند از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند، و نیز زنان نباید یک دیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. و هرگز از یکدیگر خود عیب‌جویی مکنید، و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند ﷻ، فسق بد ترین نام است، و هرکه توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.»

سبب نزول آیت

مفسرین در شأن نزول آیهٔ مبارکهٔ فوق اسبابی را ذکر نموده اند که به برخی آن ذیلا اشاره می‌شود ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند: « صفیه بنت حیی بن اخطب (همسر پیامبر ﷺ) به نزد رسول خدا آمده چنین عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، زنان مرا طعنه داده می‌گویند: زن یهودی، دختر یهودیان! پیامبر ﷺ به وی فرمود: « به آن‌ها پاسخ می‌دادی که پدرم هارون، کاکایم موسی وشوهرم محمد ﷺ است.»

همچنان روایت گردیده که این آیت در بارهٔ آن زنان پیغمبر ﷺ نازل گردید که ام سلمه رضی الله عنها را به کوتاهی قدش طعنه دادند.

---

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی. ج۱۹، ص۱۵۹

در مورد سبب نزول آیهٔ مبارکهٔ ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾: کتاب‌های چهارگانه سنت از ابوجبیره بن الضحاک رضی الله عنه روایت نموده اند که گفت: در میان ما کسانی بودند که دو و یا سه اسم داشتند، و گاهی به یکی از آن نام‌ها خوانده می‌شدند که برایشان بد می‌نمود، بنابر آن آیهٔ مبارک ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ نازل گردید؛ همچنان از ابوجبیره رضی الله عنه روایت گردیده که در دوران جاهلیت اشخاص دارای لقب‌هایی بودند که با آن خوانده می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی را به لقبش ندا کرد، یارانش عرض کردند که ای پیامبر خداوند متعال! او این لقب را بد می‌بینند. پس آیت مبارکهٔ ﴿ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ نازل گردید.

خودداری از عیب جویی و تحقیر و تمسخر

آیهٔ مبارک فوق در بر گیرندهٔ توجیهات اخلاقی و اجتماعی می‌باشد که جامعه را از پراکنده‌گی و دشمنی حفاظت می‌نماید.

آیهٔ کریمه با ندای اهل ایمان آغاز یافته تا مؤمنان یکدیگر را تحقیر و استهزاء نکنند.

تمسخر: عبارت از آن است که یک انسان، انسان دیگر را با قول و یا فعل در حضورش طوری مورد تحقیر قرار دهد که دیگران را به خنده آورد.

لمز: آن است که شخصی برادر خود را با قول و یا اشارهٔ خاصی عیب‌جویی کند، اگر مردم را به خنده وادارد و یا خیر، چه در حضورش باشد و یا در غیابش.

چگونه یک مؤمن بر مؤمن دیگر تمسخر می‌کند؛ حال آنکه شاید همان مرد و یا زن تمسخر شده از مرد و یا زن تمسخر کننده بهتر و برتر باشد. ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: « رُبَّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طِمْرَيْنِ تنبو عنه أعين الناس لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللهِ لَأَبَرَّهُ »[1] ترجمه: چه بسا ژولیده موی غبار آلود، دارای جامهٔ فرسوده‌یی که مردم از دیدنش روی بر تابند، هرگاه به خداوند جل جلاله قسم یاد کند، یقینا خداوند جل جلاله خواسته‌اش را براورده سازد.

پس امتیاز و برتری تنها با اخلاص و راستی، صفای قلب و خلوص اعمال برای خداوند جل جلاله به دست می‌آید، نه با مظاهر ثروت رنگ و چهره نژاد و زبان.

منع استعمال القاب زشت

آیهٔ کریمه همچنان از طعنه زدن با القاب منع نموده است؛ یعنی برخی شما برخی دیگر را با القابی که بد می‌بینند، یاد نکنید؛ زیرا آنانی که یکدیگر را با چنین القابی یاد می‌کنند، در جملهٔ فاسقان محسوب می‌گردند، و فسق در معیار اسلام گناه بس بزرگ است.

همچنان این آیهٔ کریمه فراخواندن مردم با القابی را که شنیدن آن برای هرکس زشت و ناپسند است حرام گردانیده، مانند اینکه مسلمانی برادر مسلمان خود را با کلماتی مثل: فاسق، منافق و امثال آن

---

(۱) المستدرک.

خطاب نماید. ویا اینکه یک شخص برای انسان دیگری کلماتی, چون: خر، خوگ و مانند آن را استعمال نماید.

علمای اسلام یاد نمودن هر گونه القابی را که برای انسان ناخوش آیند استند حرام می‌دانند. برابر است که این القاب صفت برای خود آن شخص بوده باشد، یا برای پدر و مادرش و یا برای هر کسی که به او نسبت دارد. البته القابی که انسان‌ها به آن شهرت یافته اند، و از آن کراهیت ندارند و توسط آن تشخیص و شناخته می‌شوند از این حکم مستثنا می‌باشد؛ اما القابی که پسندیده باشد ذکر آن باکی ندارد؛ مانند اینکه برای ابوبکر لقب عتیق گفته شده، و یا به عمر رضی الله عنه لقب فاروق، و یا برای عثمان رضی الله عنه لقب «ذی النورین»، و یا برای علی رضی الله عنه لقب «ابو تراب»، و یا برای خالد «سیف الله»، و یا برای عمرو بن العاص رضی الله عنه لقب «داهية اسلام» گفته شده است.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس قرار ذیل است:

- ❖ مؤمنان برادر همدیگر اند، و برادر ایمانی بهتر و برتر از برادری نسبی است.
- ❖ صلح و آشتی میان برادران ایمانی وجیبهٔ هر مسلمان و دستور خداوند ﷻ است.
- ❖ اسلام به وحدت و یکپارچه‌گی جامعه را تأکید می‌کند؛ چنانچه قرآن‌کریم از اخلاق بد که وحدت و یکپارچه‌گی جامعه را تهدید کند منع نموده است.
- ❖ خداوند متعال تمسخر نمودن بر یکدیگر را حرام گردانیده است؛ همچنان یاد نمودن یکدیگر به القابی که آن را بد می‌بینند از نظر قرآن حرام می‌باشد.
- ❖ خداوند متعال در آیهٔ مبارک سه چیز را حرام گردانیده: تحقیر و تمسخر، اشاره نمودن به قصد عیب جویی، و طعنه زدن به القاب.



به پرسش‌های زیر جواب بدهید:

۱- مؤمنان را چه چیزی جمع می‌نماید؟

۲- برادری از نظر قرآن به چند قسم است؟

۳- صلح و آشتی میان مسلمانان چه حکم دارد؟

۴- سه خصلت و یا سه صفت را نام بگیرید که در این درس ممنوع گردیده اند؟

۵- حکمت منع از این خصلت‌ها و اخلاق فاسد چیست؟

۶- اگر کسی خودش را از اخلاق زشت نگه ندارد در حق او چه اصطلاحی را به کار می‌توان بست؟



مقاله ای در بارهٔ اخلاق اجتماعی بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

درس شانزدهم

نصایح لقمان حکیم به فرزندش(۱)

قال تعالی: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۞ وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۞ وَإِن جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝١٥ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان:۱۳-۱۶]

معنای کلمات

يَعِظُهُ: پند می‌داد و به نیکی دعوت می‌نمود

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ: انسان را به نیکی با پدر و مادرش امر نمودیم

وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ: ضعیفی بر ضعیفی

إِلَيَّ الْمَصِيرُ: باز گشت به سوی من است

وَفِصَالُهُ: جدا نمودنش از رضاعت

سَبِيلَ: راه

أَنَابَ إِلَيَّ : باز گردد به سوی من

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ : به اندازهٔ وزن دانهٔ بسیار کوچک

ترجمه

و (یاد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسرم، هرگز شرک به خداوند ﷻ شرک نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است. و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن، به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته بر رنج و نا توانیش افزوده است؛ شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت به سوی من خواهد بود. و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خداوند ﷻ که آن را به حق نمی‌دانی وادار کنند در این صورت دیگر آن‌ها را اطاعت مکن؛ لیکن در دنیا با آن‌ها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و توبه‌اش بسیار است پیروی کن که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمال تان آگاه خواهم ساخت. ای فرزندم! خداوند ﷻ اعمال بد و خوب بنده‌گان را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در آسمان‌ها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می‌آورد، که خداوند ﷻ (به اسرار همه چیز) توانا و آگاه است.

تفسیر

لقمان کیست؟

خداوند متعال در کتاب خود به ما خبر داده که لقمان بندهٔ حکیم خداوند ﷻ بود که در گفتار و کردارش از حکمت خدا داد استفاده می‌نمود و این علم و حکمت سبب رسوخ ایمان لقمان و ازدیاد ذکر و شکر به پروردگارش گردیده بود همچنان لقمان با استفاده از این علم و حکمت دیگران را به سوی خدا دعوت می‌نمود و به آن‌ها پند و نصیحت می‌کرد، و نخستین کسی که لقمان اندرزها و نصایح خود را متوجه او ساخت پسرش بود که نام وی ذکر نگردیده است؛ همچنان قرآن کریم از تفاصیل و چگونه‌گی زنده‌گی لقمان چیزی بیان نکرده، و ما از جای زنده‌گی او چیزی نمی‌دانیم، و این را نیز نمی‌دانیم که آیا لقمان از جملهٔ انبیاء بوده و یا تنها یک حکیم مؤمن و نصیحت‌گر بوده است؛ بنا برآن در شأن لقمان بهتر است به آنچه قرآن کریم بیان نموده اکتفا کنیم.

شرک بد ترین انواع ظلم است

آیات مبارکهٔ قرآنی از نصیحت لقمان به فرزندش یاد نموده و به اسلوب حکایت، معانی و مفاهیم عالی را بیان داشته است. لقمان حکیم فرزند خود را به توحید و یکتا پرستی دستور داده، او را از شرک و عبادت غیر خداوند ﷻ بر حذر می‌سازد، و استدلال می‌کند که شرک ظلم و گناه نابخشودنی

است: «ای پسرم، هرگز به خداوندﷻ شریک مساز که شرک ظلم بزرگی است». پیـامبر اسـلامﷺ با استناد به این قول خداوند به زبان لقمان شرک را بدترین نوع ظلم معرفی نموده است.

از عبدالله بن مسعودرضی‌الله‌عنه روایت گردیده که فرمود: وقتی این قول خداوندﷻ نـازل گردیـد: «آنـان که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، آن‌ها در امان اند و آن‌ها در حقیقـت هـدایت یافتـه اند» **[الانعام: ۸۲]** صحابۀ کرام سنگینی و دشواری این آیت را درک نمودنـد و بـه حـضور پیـامبرﷺ چنین عرض کردند که ای رسول خداوند متعال: چه کسی از ما بـر نفـس خـود ظلـم نکـرده اسـت؟ پیامبرﷺ فرمود: موضوع چنین نیست که شما گمان نمودید؛ بلکه این ظلم عبارت از شـرک اسـت. آیا قول لقمان را به فرزندش نشنیده اید که به وی چنین نـصیحت نمـود: ﴿ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ﴾

یعنی: به خداوندﷻ شریک نیاور که همانا شرک ظلم بزرگ است.

نیکی به پدر ومادر

بعد از آنکه خداوندﷻ اندرز و نصیحت لقمان به پسرش راجع به شرک به خداوندﷻ را بیـان نمـود، به اندرز و نصیحت انسان در بارۀ پدر و مادر پرداخته است.

توصیه به انسان راجع به والدین این است که به آن‌ها نیکـی کنـد، از آن‌هـا اطاعـت و فرمـانبرداری داشته باشد و حقوق ایشان را ادا نماید؛ به خصوص در بارۀ مادر که در قبال فرزند خود دشواری‌هـای فراوانی را متحمل گردیده است. به این سبب حقوق بزرگی بالای فرزندش دارد، که وی را با رنـج و نا توانی حمل نموده، و دشواری‌های طاقت فرسایی را در مدت حمل، ولادت، شیر خواره گـی و جـدا ساختن از شیر و مراحل ما بعد آن متحمل گردیده است.

خداوند متعال به انسان مؤمن دستور داده تا از پروردگارش در مقابل نعمت‌هـایی کـه بـه وی ارزانـی فرموده شکر گزاری کند؛ همچنان به پدر و مادرش نیکو کار و شکر گزار باشد که وی را تربیه نموده اند، و آن‌ها بعد از خداوندﷻ منبع احسان و رحمت به او بوده اند.

طاعت والدین مقید به طاعت خداوند است

آیۀ مبارک این درس همچنان حکم نموده که طاعت پـدر و مـادر مطلـق نبـوده؛ بلکـه بـه طاعـت خداوندﷻ مقید گردیده است. هرگاه پدر و مادر به معصیت و نا فرمانی خداوندﷻ امر نمایند، طاعت و فرمانبرداری‌شان ساقط می‌گردد. به این معنا در صورتی‌که پدر ومـادر فرزنـد خـود را بـه معـصیت خداوندﷻ و ارتکاب شرک به خداوندﷻ امر کنند و سعی ورزنـد او را بـه کفـر وادار سـازند، در ایـن

صورت بر فرزند است که از آن‌ها اطاعت نکند؛ زیرا طاعت و فرمانبرداری مخلوق در معصیت خدا جواز ندارد.
اما باز هم فرزند مکلف است در زنده‌گانی دنیا با ایشان مصاحبت و همراهی داشته باشد و به ایشان نیکی و احسان نماید؛ همچنان بر فرزند است تا راه حق را در پیش گیرد و با مؤمنان صالح و نیکوکار حرکت نماید، و بداند که بازگشت آفریده‌گان و مردمان در روز قیامت به سوی پروردگار است؛ تا نیکو کار را در مقابل عمل نیکش پاداش نیک بدهد و بدکار را در مقابل عمل زشت و بدش مجازات نماید.
سپس آیات قرآنی اندرز و نصیحت لقمان را ادامه می‌دهد که فرزند خود را از کامل بودن علم خداوندﷻ خبر داده می گوید. که خداوندﷻ از همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است کوچک یا بزرگ با خبر است؛ همچنأن از زبان لقمان به فرزندش اخبار نموده که نیکی وبدی، اگر چه کوچک بوده باشد، خداوندﷻ از آن آگاه است؛ حتی اگر به اندازهٔ یک دانهٔ «خردل» کوچک وکم وزن، در عمق زمین و یا در دل تاریک صخره‌یی پنهان باشد، و یا در کناره‌های دور دست آسمان‌ها قرار داشته باشد، خداوند متعال به آن آگاهی دارد؛ همچنان احضار آن در روز قیامت غرض محاسبهٔ صاحبش قادر و توانا است.

فعالیت

آیتی از سورهٔ (الإسراء) را که از راه رفتن در زمین با تکبر منع می‌کند، در کتابچهٔ خود بنویسید. وشباهت میان این آیت و آیهٔ هجدهم این سوره را نیز توضیح بدهید.

فواید و آموختنی‌ها

آیات مبارک این درس شامل این فواید وآموختنی‌ها می باشد:
❖ پدر باید به تربیت فرزندان خود همت گماشته، و از پند و نصیحت به آن‌ها دریغ نورزد و آن ها را با عقیدهٔ سالم و عبادت درست بزرگ نماید.
❖ شرک به خداوندﷻ، بزرگ ترین و زشت‌ترین انواع ظلم است.
❖ احسان و نیکی با والدین از مبانی و اساسات اسلام بوده، بعد از ایمان به خداوندﷻ و عبادت او تعالی ذکر گردیده است.

❖ بر انسان است تا در مقابل کسانی که با او احسان می‌کنند نیکی نماید و از احسان و نیکی آن‌ها سپاس گزاری کند. البته در پیشا پیش این کسان والدین قرار دارند.

❖ طاعت و فرمان برداری والدین به طاعت خداوندﷻ مقید است؛ زیرا که طاعت و فرمان برداری مخلوق در معصیت خداوندﷻ جواز ندارد.

❖ همراهی و همنشینی با والدین و برخورد نیک با ایشان در دنیا واجب است، حتی اگر کافر هم بوده باشند.

❖ خداوندﷻ نیک دانا و آگاه است، و علم او تعالی شامل همه چیز است.



به سؤالهای زیر جواب بدهید:

۱- در روشنایی آیات قرآن کریم، آنچه راجع به لقمان می‌دانید بیان نمایید.

۲- چرا خداوند متعال نیکی به والدین را با عبادت خود پیوست ذکر نموده است؟

۳- معنای این قول خداوندﷻ: ﴿ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ ﴾ چیست؟

۴- طاعت وفرمانبرداری پدر ومادر چه وقت واجب؟ و در کدام حالت حرام می‌باشد؟ و در حالت حرام بودن طاعت والدین، فرزند چگونه با آن‌ها برخورد نماید؟

نصایح لقمان حکیم به فرزندش(۲)

قال تعالی: ﴿يَـٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ۞ وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ ۞ وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ ۞ أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾ [لقمان:۱۷-۲۰]

معنای کلمات

عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ: امور سترگ و برجسته

وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ: به قصد تکبر روی خود را مگردان

مَرَحًاۖ: با تکبر و غرور

مُخۡتَالٖ فَخُورٖ: تکبر کنندهٔ خود بین

وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ: در راه رفتنت جانب اعتدال را بگیر

وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ: آواز خود را آرام بدار

وَأَسۡبَغَ: کامل ساخت

ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ: ظاهری محسوس و معنوی غیر محسوس

ترجمه

ای فرزندم، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه (در این کار) به تو می‌رسد صبر نما که این نشانه‌یی از عزم ثابت در امور دنیا است. و هرگز از روی تکبر و خمیازه از مردم رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم بر مدار، که خداوندﷻ هرگز مردم متکبر خود نما را دوست نمی‌دارد. و در رفتارت میانه روی اختیار کن و سخن آرام گو، که زشت‌ترین صداها صدای خرها است. آیا شما مشاهده نمی‌کنید که خداوندﷻ موجوداتی را که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان نموده؟ و برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی خبری از کتاب روشن در مقابل خدای متعال مجادله می‌کنند.

تفسیر

صبر واستقامت در راه خیر

آیات قبلی نصایح لقمان حکیم به فرزندش را در بارۀ ایمان به خداوندﷻ و عدم شرک به او تعالی، نیکی به والدین و عدم مخالفت با ایشان در غیر معصیت را بیان نمود. در این آیات قرآن کریم توجیهات و نصایح لقمان به فرزندش را در بارۀ عبادت خداوندﷻ، اعمال نیکو و صبر و استقامت در زنده‌گی دنبال نموده، برپا داشتن نماز به این معناست که نماز با خلوص نیت و با مراعات فرایض سنت‌ها، آداب و اوقات آن ادا شود؛ سپس لقمان از فرزند خود طلب نموده که مردم را به نیکی امر نماید و از بدی‌ها و منکرات باز دارد.

چون دعوتگر در راه دعوت خود با اذیت و آزار مواجه می‌شود؛ بنابرآن لقمان به فرزندش توصیه نموده که برای انجام مسؤولیت دعوت و امر به معروف و نهی از منکر آماده شود و ضعف و سستی را درخود راه ندهد؛ زیرا که ادای نماز امر به معروف نهی از منکر صبر و شکیبایی در این راه از عزایم اموری است که خداوند متعال به آن دستور داده است.

سپس لقمان حکیم فرزند خود را از غرور و تکبر بر دیگران منع نموده چنین توصیه می‌کند که ای فرزندم! هرگاه دیگران با تو سخن بگویند، روی خود را از آن‌ها بر متاب، و اگر تو با مردم سخن بگویی باز هم روی خود را از ایشان مگردان، فروتنی، تواضع و بشاشت اختیار کن.

همچنان در هنگام راه رفتن از تکبر و تبختر دوری کن؛ زیرا که خداوندﷻ هیچ انسان متکبری را دوست ندارد؛ بلکه در راه رفتن و سخن گفتنت جانب اعتدال و خوبی را بر گزین. راه رفتن خوب و مورد پسند خداوند متعال آن است که با ساده‌گی و فروتنی و میانه روی انجام یابد؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا... ﴾ [الفرقان: ۶۲]

ترجمه: و بنده‌گان خاص خدای رحمٰن کسانی استند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می‌روند.
و این بدان معناست که انسان در هنگام راه رفتن با اظهار زهد و فروتنی بیش از حد سست و ناتوان نباشد؛ چنانچه از راه رفتن همراه با خیز زدن و حرکات منافی وقار نیز اجتناب نماید.

آداب سخن گفتن

لقمان حکیم در مقام اندرز و تعلیم به فرزند خود آداب سخن گفتن را به وی می‌آموزاند، و به او توصیه می‌کند که در هنگام سخن گفتن آواز خود را چنان پایین نکند که شنیده نشود؛ همچنان با صدای بلند و دلخراش صحبت نکند؛ زیرا بلند نمودن صدا بیش از حد نیاز شنونده را آزار می‌دهد، و به غرور و خود بزرگ بینی دلالت می‌کند؛ لذا بلند نمودن آواز بدون ضرورت را مذمت نموده و آن را به «آواز خر» تشبیه نموده است. بلند بردن صدا در هنگام صحبت شدت قبح و زشتی را نشان می‌دهد آواز خر در نزد خداوندﷻ از بد ترین صداها است، و خداوند متعال آنرا بد می‌بیند.
ابو هریره﵁ روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمْ صِيَاحَ الدِّيَكَةِ فَسَلُوا اللَّهَ تَعَالَى مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهَا رَأَتْ مَلَكًا وَإِذَا سَمِعْتُمْ نَهِيقَ الْحِمَارِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهَا رَأَتْ شَيْطَانًا»[1]. ترجمه: هرگاه بانگ خروس را شنیدید، فضل و احسان خداوندﷻ را مسألت نمایید؛ زیرا خروس فرشته یی را می دیده باشد، و اگر صدای خر را شنیدید، از شیطان به خداوندﷻ پناه بخواهید؛ زیرا که خر شیطانی را می دیده باشد؛
سپس خداوند متعال انسان‌ها را با نعمت‌های فراوانی که برایشان ارزانی فرموده، منت می‌گذارد، و به ایشان یاد دهانی می‌کند که او تعالی برای شان همه آنچه در آسمان‌هاست؛ مانند آفتاب و مهتاب و ستارگان و همه آنچه در زمین است؛ مانند آب ها، اقیانوس ها و دریاها، میوه‌ها و محصولات زراعتی را برای انسان‌ها مسخر گردانیده و نعمت‌های محسوس و ظاهری که در جسم‌ها و اموال و ممتلکات خود مشاهده می‌نمایند ارزانی فرموده است؛ چنانچه نعمت‌های معنوی را، مانند اسلام، علم، یقین، رضایت و سعادت و سایر نعمت‌های بی‌پایان خود را بر ایشان بخشیده است.
پس تقاضای این همه نعمت‌ها که انسان در نفس خود، در زمین ماحول خود، در آسمان و بالای سر خود مشاهده می‌کند باید در مقابل آن شکر خداوندﷻ را بجا آورد، و کفران نورزد. بر اوست که خداوندﷻ را عبادت کند، و معصیت او نکند؛ اما چه بسا انسان‌ها که در مقابل این همه نعمت‌ها کفران می‌ورزند، و با مؤمنان به ناحق و باطل مجادله می‌کنند و به خداوندﷻ شریک می‌سازند؛ در حالی که دلیل و برهانی ندارند، و از علم و دانش وکتابی که هادی و رهنمای ایشان باشد بدور اند.

فعالیت

نصایح لقمان به فرزندش را که در این درس خواندید، با اختصار بیان نمایید.

---

۱ - صحیح البخاری و صحیح مسلم

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و درسها و آموختنی‌های آیات مبارک فوق از این قرار است:

❖ مسلمان مسؤولیت دارد تا در برابر برادران مسلمان خود وجیبهٔ امر به معروف و نهی از منکر را با جدیت انجام دهد.

❖ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمت‌هایی که مسلمان به آن روبرو می‌گردد از اخلاق عظیم مسلمان است؛ چنانچه این صفت توشه‌یی است که مؤمن را در ادامهٔ مسؤولیت دعوتگری و اصلاح یاری می‌رساند.

❖ شخص متکبر خود بزرگ‌بین هم مورد خشم خداوند واقع می شود و در میان مردم منفور و ناپسند است .

❖ مسلمان باید در برابر برادران مسلمان خود با خوش‌رویی و بشاشت و تبسم برخورد نماید.

❖ راه رفتن خوب و مورد پسند خداوندﷻ همان راه رفتن متوازن و میانه است که از سستی ملال آور و سرعت منافی وقار دور باشد.

❖ مسلمان باید از بلند نمودن آواز بیش از حد خود داری کند؛ زیرا که آواز خوب وگوارا همان است که در میان خفت و شدت باشد.

❖ خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را برای فرزندان آدم علیه السلام مسخر گردانیده، و اولادهٔ آدم را برای عبادت خود آفریده است. نعمت‌های خداوندﷻ برای انسان‌ها فراوان و بی شمار اند. بر انسان‌ها است تا در مقابل نعمت‌های ظاهری و معنوی خداوند متعال شکر گزار باشند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه کنید:

۱- معنای (عزم الامور) چیست؟ وآن چیزهایی‌که آیهٔ مبارک آن را عزم الأمور نامیده کدام ها اند؟

۲- آیات مبارک این درس چیزهایی را ذکر نموده که لقمان فرزند خود را از آن منع نموده. معنای هر یکی را توضیح بدهید.

۳- منظور از راه رفتن با اعتدال و میانه چیست؟ در این مورد به آیهٔ قرآنی دیگری استدلال کنید.

۴- معنای این قول خداوند متعال ﴿وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ چیست؟ صفات صوت و یا آواز مورد قبول خداوندﷻ کدام است؟

۵- چرا آواز خر در نزد خداوندﷻ زشت و مکروه است؟

۶- چهار نعمت ظاهری و چهار نعمت باطنی خداوندﷻ برای بنده‌گانش را بیان نمایید؟

درس هجدهم

خود داری از بدگمانی، غیبت وتجسس

قال تعالی: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ۞ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ﴾ [الحجرات: ۱۲- ۱۳]

معنای کلمات

إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ: به تحقیق بعضی گمان‌ها سبب گناهان بزرگ می‌شوند

وَلَا تَجَسَّسُواْ: و عیب دیگران را جستجو نکنید

وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ: و غیبت یکدیگر را نکنید

خَبِير: به همه چیز آگاه است

شُعُوبٗا: جمع (شعب) گروه بزرگی از مردم منسوب بـه اصـل واحد

لِتَعَارَفُوٓاْ: تا یکدیگر را بشناسید

ترجمه

ای اهل ایمان، از بسیار گمان‌ها و پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی گمان‌ها و پنـدارها گناه است و نیز هرگز (پوشیده‌گی‌های یکدیگر را) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر نکنید آیا یکـتن از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردهٔ خـود را بخـورد؟ البتـه کراهـت و نفـرت از آن داریـد و از خداوند‌ﻷ بترسید که خداوند‌ﻷ بسیار توبه پذیر و مهربان است. ای مردم، ما همهٔ شما را نخست از

مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شما را به گروه‌ها و قبیله‌های گوناگونی تقسیم نمـودیم. همانـا بهتـرین شما در نزد خداوندﷻ با تقوا ترین شماند، قطعا خداوندﷻ دانا وآگاه است.

تفسیر

برابری میان بشر

آیت ها مبارک این درس شامل توجیهات تعلیمات اخلاقی و اجتماعی است که جامعه را از ضـعف و دشمنی باز می‌دارد. در این آیت ها خداوند متعال قاعدۀ مساوات و برابری اصـل بـشریت را تثبیـت و تأکید نموده، معیار برتری و فضیلت را تنها تقوی و عمل نیک قرار داده است.

خداوندﷻ مؤمنان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از بـسیاری گمـان‌هـا کـه در دل‌هـای‌شـان خطـور می‌کند بر حذر می‌دارد. آیات مبارک بیان می‌دارد که بسیاری این گمان‌ها نسبت به کسانی که ظاهر شان به خیر و نیکی و امانت دلالت دارد باطل و نا روا بوده از وسوسه‌های شیطان می‌باشد که انسان را به گناه و معصیت می‌کشاند.

اما بد کاران و فاسقانی که به صورت علنی به فسق و فجور می‌پردازند، گمان بـد و نفـرت و انزجـار نسبت به آن‌ها جواز دارد تا اینکه از نزدیکی به آن‌ها و پیروی سلوک‌شان اجتناب صورت گیرد. مانند کسانی که در محضر عام با زنان بد کاره صحبت و همراهی داشته و یا بـه صـورت علنـی شـراب و مخدرات می‌نوشند و به معصیت می‌پردازند.

خودداری از بد گمانی

ابن عباسرضي الله عنهما در تفسیر آیۀ فوق چنـین فرمـوده اسـت: **«نَهَى اللهُ المُؤمِنَ أن يَظنّ بِالمؤمنِ شرّا»**[1] خداوند مؤمن را منع نموده که بر مؤمن دیگر گمان بد داشته باشد.

ابوهریرهرضي الله عنه روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمود: **«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الحَدِيثِ، وَلا تَجَسَّسُوا، وَلا تَحَسَّسُوا، وَلا تَنَافَسُوا، وَلا تَحَاسَدُوا، وَلا تَبَاغَضُوا، وَلا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»**[2] ترجمه: از گمان (بد) بپرهیزید، زیرا گمان (بد) دروغ‌ترین سخن است. تجسس نکنید، عیب دیگران را پیگیری نکنید، به بدی رقابت نکنید، حسد نورزید، کینه توزی نکنیـد، از یکـدیگر نفـرت و دوری اختیار نکنید، و چون برادران همه بنده‌گان خداوندﷻ باشید.

---

(۱) تفسير الطبري.

(۲) السنن الصغری، ج۳، ص۳۰۷

زشتی غیبت و تجسس

آیت های مبارک قرآن ما را از تجسس که منجر به افشای اسرار وکشف عورت‌های دیگران گردد منع نموده است؛ همچنان از غیبت منع نموده است. غیبت عبارت از بیان نمودن و یاد آوری چیزی است در مورد برادر مسلمان خود که آن را بد می‌بیند. آیهٔ مبارک زشتی غیبت را چنان تعبیر و تصویر نموده که گویا غیبت کننده گوشت برادر مردهٔ خود را می‌خورد. و این چیزی است که نفس انسانی نفرت دارد و از آن دوری می‌کند.

از ابو برزهٔ اسلمی رضي الله عنه روایت گردیده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم خطابه‌یی ایراد نموده فرمود: (ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید؛ ولی ایمان به دل‌های شما داخل نگردیده، عورت‌های مسلمانان را جستجو نکنید، یقینا هر کسی که عورت‌های مسلمانان را جستجو کند خداوند او را در داخل خانه اش رسوا خواهد ساخت).

برتری بر اساس تقوی

آیهٔ دومی انسان‌ها را مخاطب قرار داده این حقیقت را تثبیت می‌کند که خداوند جل جلاله آن‌ها را از یک مرد و زن آفریده است، و اصل همه انسان‌ها یکی است، و همه برابر اند. خداوند جل جلاله از یک مرد و زن ملت‌ها وگروه‌ها و قبایل مختلفی آفریده تا میان یکدیگر معرفت و شناخت پیدا کنند، نه اینکه بعضی بر بعضی دیگر بزرگی نمایند، و یا جنگ و در گیری داشته باشند؛ سپس خداوند متعال تأکید نموده که بهترین مخلوقات، با تقواترین‌شان می‌باشند؛ آیهٔ مبارک به این قول خداوند متعال خاتمه یافته که: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴾ او تعالی نسبت به بنده‌گان و مخلوقات خود داناست و به احوال و چگونه‌گی زندگی‌شان نیک آگاه می باشد.

در این باره احادیث صحیح زیادی روایت گردیده است. از آن جمله حدیثی را حذیفه رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « همهٔ شما فرزندان آدم علیه السلام استید، و آدم علیه السلام از خاک آفریده شده است. باید هر قوم و یا گروه از افتخار به اصل و نسب، خود داری کند، در غیر آن در پیشگاه خداوند متعال از «جِعلان»[1] هم پایین تر خواهند بود.

همچنان طبرانی رحمه الله علیه روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در موسم حج در منی در روزهای تشریق در حالی‌که بر بالای اشتری سوار بود خطابه نموده فرمود: « ای مردم، آگاه باشید که پروردگار شما یکی است، و پدر شما یکی است. آگاه باشید که هیچ‌گونه فضیلت و برتری یی عربی را بر عجمی و

---

۱ . (جعلان) به کسر جیم عبارت از حشرهٔ کوچکی است که در میان سرگین حیوانات زنده گی می کند وغذای آن پارو ویا نجاست حیوانات است، وهرگاه خوشبویی به او برسد می میرد!

یا عجمی را بر عربی، سیاه را بر سرخ ویا سرخ را بر سیاه نیست مگر به تقوا؛ آیا بـرای‌تـان رسـاندم؟ همه گفتند: بلی، پیامبر ﷺ فرمود: پس حاضران به غاییان برسانند».

بر اساس این آیهٔ کریمه و دیگر نصوص قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ هرگونه تعصبات قومی، نژادی، منطقوی، سمتی، زبانی و غیره حرام بوده و مسلمانان مکلف اند تا به حیث یک اصل و وجیبهٔ شرعی باتعصبات جاهلی در تمام اشکال آن مبارزه نموده جلو این مرض خانمان‌سوز اجتماعی را سـد نمایند.

انسان‌ها بر اساس حدیث ثابت پیامبر اکرم ﷺ مانند (دندانه های شانه) باهم برابر اند و هرکسی کـه به طرف تعصبات قومی زبانی و نژادی و سمتی و غیره مردم را دعوت کند در حقیقت مرتکب (عمـل جاهلی) یعنی غیر اسلامی شده اسـت؛ زیـرا تعـصب بنـابر قـول رسـول اکـرم ﷺ از خـصلت‌هـای (جاهلیت) قبل از اسلام بوده و در حدیث شریف (چیز گندیده و بد بو) خوانده شده است.

بنابر آنچه گفته شد مسلمان باید متوجه باشد که ارتکاب تعصب جاهلی و دعـوت بـه طـرف آن بـا ایمان و شریعت اسلامی در تضاد است. مؤمن حقیقی خـودش را همیـشه از واقـع شـدن در گنـداب عصبیت‌ها و آنچه سبب اختلاف و تفرقه میان افراد جامعه اسلامی شده وصف وحـدت مـسلمانان را برهم می‌زند دور نگه می‌دارد.

فواید و آموختنی‌ها

فواید وآموختنی‌های این درس را به طور ذیل خلاصه می‌نماییم:

❖ خداوند ﷻ غیبت را حرام قرار داده، غیبت کننده و غیبت شونده را چنان تمثیل نمـوده کـه گویـا غیبت کننده گوشت غیبت شونده را در حالی می‌خورد که او مرده است.

❖ خودداری از گمان بد؛ زیرا گمان بد، کار نا روایی است که منجر به گناه بزرگ می‌گردد و اعتمـاد در میان مردم را نابود کرده اسباب بدبینی و گاه دشمنی می‌شود.

❖ انسان‌ها همه برابر اند، و همه از یک اصل به وجود آمده اند، بهترین‌شان در نـزد خداونـد ﷻ بـا تقواترین شان است.

❖ بر اساس آیت کریمهٔ، هدف از تنوع در خلقت اقوام و زبان‌ها و غیره تعارف و شناخت یکدیگر بـه معنای وسیع و همه جانبهٔ آن می‌باشد نه تفاخر و برتری جویی بر دیگران. تعارف و شناخت منجر به تفاهم و همدیگر فهمی میان انسان‌ها شده و تفاهم باعث تعاون و همکاری می‌شود. اگر به صـورت دقیق و علمی به اصل قرآنی (تعارف) متوجه شویم می‌بینیم که همین تعـارف و شـناخت و دو گـام بعدی ناشی از آن؛ یعنی تفاهم و تعاون اساس تـشکیل خـانوده‌هـا، مؤسسه هـا و نهادهـا، و حتـی تمدن‌های بشری می‌باشد.

❖ تعصبات جاهلی در هر شکل و نوع از نظر اسلام حرام و مردود است.

❖ حفاظت وحدت و یک‌پارچه‌گی میان مسلمانان و مبارزه با عوامل اختلاف و تفرقه یک اصل و وجیبهٔ شرعی و ایمانی می‌باشد.

❖ گوش گرفتن به سخنان محرمانهٔ دیگران، خواندن نامه‌ها و مراسلات شخصی افراد، گوش نهادن به مکالمات تلفونی مردم، کوشش به خاطر کشف اسرار مسایل خصوصی و خانوده‌گی دیگران و سایر مثال هایی ازین قبیل حکم تجسس را داشته وشرعیت اسلام حرام می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

۱- غیبت مسلمان به چه چیزی تشبیه گردیده است؟

۲- اساس و معیار برتری در میان انسان‌ها چیست؟

۳- چرا از گمان زدن ممانعت صورت گرفته است؟

۴- علت تقسیم شدن انسان‌ها به قبیله‌ها و فرقه‌های گوناگون چیست؟

۵- آیا رنگ، پوست، نژاد یا زبان می‌تواند معیار برتری میان انسان‌ها باشد؟ و اگر کسی چنین کند چه حکمی در حقش می‌توان داشت؟

۶- پیامبر اسلام ﷺ در موسم حج راجع به اصل برابری انسان‌ها چه فرمودند؟



در روشنی آیات قرآنی و احادیث نبوی پیرامون موضوع: اسلام و تعصبات جاهلی مقاله یی بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس نزدهم

آداب داخل شدن به خانه ها

قال تعالی: ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ۝ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡۖ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ۝ لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ﴾ [النور: ۲۷-۲۹]

معنای کلمات

تَسۡتَأۡنِسُواْ: طلب اذن نمایید، اجازه بگیرید

أَزۡكَىٰ: گوارا تر، خوبتر

جُنَاحٌ: گناه

مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ: منفعت است برای شما

ترجمه

ای مؤمنان، هرگز به هیچ خانه‌یی، مگر خانه‌های خودتان، تا اینکه با صاحبش انس پیدا نکنید و اجازه نگیرید داخل نشوید. و به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این کار برای شما بهتر است، باشد که شما متذکر شوید. و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید و چون به شما گفته شود برگردید، به زودی باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، خداوندﷻ به هرچه می‌کنید داناست. باکی بر شما نیست که به خانهٔ غیر مسکونی که در آن متاعی دارید (بدون اجازه) داخل شوید، (بدانید که) خداوندﷻ به همه کار آشکار و پنهان شما آگاه است.

تفسیر

محرمیت مسکن و یا خانه

در این آیات قرآنی آداب اجازه خواستن و داخل شدن به خانه‌ها بیان گردیده تا عورت‌ها اسرار خانه‌های مسلمانان حفظ گردد. آیهٔ مبارک در ابتدا مؤمنان را به همان صفت ایمان که بیانگر التزام و طاعت و فرمانبرداری از تعلیمات اسلام است مخاطب قرار داده ارشاد می‌فرماید که غیر از خانه‌های خودتان، به خانه‌هایی که کسان دیگری در آن زنده‌گی می‌کنند داخل نشوید تا آن وقت که صاحب خانه به شما اجازه بدهد و به داخل شدن شما راضی گردد و شما به اهل آن خانه سلام بدهید؛ زیرا که در طلب اذن و سلام دادن شما به ساکنان خانه‌ها برای شما خیر و خوبی نهفته است، و این اوامر و ارشادات برای شماست تا به موجب آن عمل نمایید و همیشه آن را به یاد داشته باشید.

هرگاه در چنین خانه‌هایی کسی را نیافتید تا به شما اجازهٔ داخل شدن بدهد، بازهم داخل نشوید تا آنکه صاحب خانه به شما اجازهٔ داخل شدن را بدهد؛ زیرا که خانه‌های رهایشی دارای حرمت و مصئوونیت اند، و برای سکونت، راحت و اطمینان ساکنین آن تهیه شده اند که بایست حرمت و مصئوونیت آن رعایت گردد. در صورتی‌که صاحب خانه از شما بخواهد که بر گردید، باید بدون درنگ بر گردید و اصرار به داخل شدن نکنید؛ زیرا این باز گشت برای شما پاکتر و بهتر است. و بدانید که خداوند متعال که به همه پوشیده گی‌ها آگاه است، به اعمال شما داناست؛ پس به احکام و اوامر خداوند ﷻ عمل نمایید تا کامیابی و رضای او تعالی را کمایی کنید.

آداب وارد شدن به خانه‌های غیر مسکونی

سپس قرآنکریم به ذکر احکام و آداب داخل شدن به اماکن و خانه‌هایی می‌پردازد که محل زنده‌گی و رهایش خانواده گی خصوصی نبوده؛ بلکه برای استفادهٔ محتاجان تهیه گردیده اند؛ مانند هوتل‌ها، محلات تجارتی و دیگر اماکن عمومی که آداب و شرایط داخل شدن به آن آسانتر و نسبت به خانه‌های مسکونی در درجهٔ دوم قرار می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید که داخل شدن به چنین محلات و اماکن غرض استفادهٔ مشروع و مصلحت انسان‌ها بدون اجازه جواز دارد؛ چون به صورت عموم اینچنین خانه‌ها و اماکن برای ورود عموم مردم باز می‌باشند.

اما بازهم در ختم آیت تنبیه می‌گردد که این داخل شدن و استفاده از چنین اماکن مطابق ضرورت و منفعت و مصلحت‌های مشروع و مباح باید صورت گیرد و خداوند ﷻ به نیت‌ها و مقاصد ظاهر و پنهان شما نیک آگاه است که آیا برای منفعت و مصلحت مشروع داخل این خانه‌ها و اماکن می‌شوید، و یا برای خبر چینی و جستجوی اسرار و دیگر مقاصد زشت و نا جایز وارد چنین خانه‌هایی

می‌گردید؟! ﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ﴾ ترجمه: وخداوند متعال به آنچه ظاهر می‌سازید، و آنچه پنهان می‌دارید، نیک آگاه است.

پاره یی از آداب ورود به خانه‌ها

- سه بار طلب اذن و یا اجازه خواستن به ترتیبی که میان هر بار، فاصلهٔ زمانی مناسب در نظر گرفته شود؛ تا اینکه یک شخص از حالت مشغولیت و حاجت خود فارغ گردد.
- زدن در و یا فشار دادن زنگ دروازه و امثال آن به مثابهٔ طلب اذن است که نباید بیشتر از سه بار تکرار شود، و نباید طلب اذن با فشار دوامدار زنگ و یا کوبیدن دروازه موجب اذیت و ناراحتی باشنده‌گان خانه گردد.
- هرگاه نام شخص داخل شونده پرسیده شود، با گفتن کلمهٔ (من هستم) اکتفا نکند؛ بلکه نام کامل خود را بگوید تا اهل خانه وی را بشناسند.
- شخص داخل شونده رو به روی دروازه قرار نگیرد؛ تا هنگام باز شدن دروازه چشمش به چیزهایی نیفتد که اهل خانه دیدن آن را توسط دیگران دوست ندارند؛ زیرا یکی از حکمت‌های اساسی اجازه خواستن جلوگیری از مشاهدات چشم است. در حدیثی پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا جُعِلَ الاسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ»[1] ترجمه: طلب اذن به منظور چشم و دیدن مقرر گردیده است.
- طلب اذن حتی برای داخل شدن شخص به خانهٔ خودش ضروری است؛ زیرا شاید در خانه مهمانان و یا دیدار کننده‌گان دیگری وجود داشته باشند و یا اینکه اهل خانواده در حالتی باشند که دوست ندارند کسی آن‌ها را در آن حالت مشاهده نماید.
- داخل شونده به اماکن عمومی، هوتل‌ها و امثال آن باید به باشنده‌گان و یا اشخاص موجود سلام بدهد؛ زیرا در چنین اماکنی طلب اذن ساقط گردیده؛ اما سلام دادن ساقط نمی‌شود؛ بلکه سلام دادن واجب است.
- مراعات و التزام به گفتن (السلام علیکم ورحمة الله و برکاته) به اعتبار اینکه شعار اسلام است و در همه اوقات مناسب و ضروری بوده، به محبت سلامتی و دوستی دلالت می‌کند.

فعالیت

شاگردان با یکدیگر در بارهٔ برخی سلوک‌ها وبرخوردهای نادرست در مورد طلب اجازه و یا وارد شدن به خانه‌ها، و راه‌های علاج آن بحث و گفتگو نمایند.

---

۱ - السنن الصغری

فواید وآموختنی‌ها

آیات مبارک این درس به پاره یی از فواید و آموختنی‌ها ارشاد می‌کند که برخی آن از این قرار است:

❖ وجوب طلب اذن و یا اجازه خواستن برای هر شخصی که غیر از خانهٔ خودش، به خانهٔ رهایشی دیگری وارد می‌گردد.

❖ التزام و پابندی به آداب اجازه خواستن؛ زیرا مراعات این آداب دلیل اخلاق عالی و ادب بزرگ می‌باشد.

❖ هرگاه اهل خانه‌یی از استقبال نمودن شما در خانهٔ خویش معذرت بخواهند، نباید متأثر و یا آزرده شوید؛ زیرا انسان‌ها شرایط و احوال خاصی دارند، و خانه‌ها دارای اسرار و حرمت خاص خود استند که باید مراعات گردد.

❖ طلب اذن و یا اجازه خواستن برای ورود به اماکن عمومی؛ مانند محلات تجارتی، هوتل‌ها، رستوران‌ها و امثال آن ضروری نمی‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

۱- نخستین آیت درس دو امر و یا انجام دو کار را از وارد شونده به خانهٔ غیر خانهٔ خودش مطالبه نموده این دو امر را توضیح بدهید.

۲- هرگاه شخص وارد شونده از طرف صاحب خانه پذیرفته نشود، ویا از داخل شدن او معذرت بخواهد، چه باید کرد؟ راجع به آنچه می‌گویید دلیل بیاورید.

۳- طلب اذن ویا اجازه خواستن به خانه چه وقت ساقط می‌گردد؟ دلیل ارائه نمایید.

۴- داخل شدن به اماکن عمومی به طلب اذن ضرورت ندارد، اما چیز دیگری که از انسان وارد شونده به اماکن عمومی ساقط نمی‌شود چیست؟

۵- سه مورد از آداب طلب اذن را توضیح بدهید؟

۶- کلمه و یا جمله یی که در هنگام سلام دادن به دیگران باید رعایت شود چیست؟ چرا این کلمه نسبت به غیر آن بر تری دارد؟



یک مقاله راجع به اداب دیدار از خانهٔ اقارب تان بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

درس بیستم

حرمت شراب نوشی و قمار بازی

قال تعالی: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ﴾

[المائدة: ٩٠-٩١]

معنای کلمات

ٱلۡمَيۡسِرُ: قمار

ٱلۡأَنصَابُ: بتان (سنگهایی که مشرکان پرستش می‌نمودند)

ٱلۡأَزۡلَٰمُ: فال بینی (تیرهایی که مشرکان توسط آن بخت آزمایی می‌کردند)

رِجۡسٞ: پلیدی و نا پاکی

فَٱجۡتَنِبُوهُ: از آن خود داری نمایید

ترجمه

ای اهل ایمان، شراب، قمار، بت پرستی و تیرهای فال، همهٔ این‌ها پلید و از عمل شیطان است، از آن (به صورت قطعی) دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان قصد آن دارد که به وسیلهٔ شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه بر انگیزد و شما را از ذکر خداوندﷻ و نماز باز دارد؛ پس شما آیا از آن دست بر می‌دارید؟

تفسیر

شراب و قمار در ردیف بت پرستی

در این آیات خداوند متعال مؤمنان را از اضرار و عواقب زشت و ناگوار چیزهای حرام بر حذر ساخته و به اجتناب و دوری از آن امر نموده است.

در مورد سبب نزول آیت شماره نود، در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت گردیده که گفته است: این آیات قرآن‌کریم در بارهٔ من نازل گردیده. وی گفت: من به نزد گروهی از انصار رفتم، آن‌ها مرا به صرف طعام دعوت نمودند. در آن وقت شراب حرام نگردیده بود، من در باغی بر آن‌ها وارد گردیدم که گوشت‌های کباب شده و کوزهٔ شراب در آنجا گذاشته شده بود. سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌فرماید: من با ایشان طعام و شراب تناول کردم، در این وقت از مهاجرین و انصار سخن به میان آمد و من گفتم: مهاجرین از انصار بهتر اند. یکی از انصار با استخوان اشتر بر رویم زد وبینی ام را زخمی کرد. من به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم، ما جرا را به او گفتم و این آیت نازل گردید:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ.. ﴾.

خداوند متعال در این آیات مؤمنان را از چندین چیز منع کرده است: از نوشیدن خمر یا شراب که عقل را می‌پوشاند و آن را از تفکیر سالم باز می‌دارد، از بازی قمار که از طریق آن پول و اموال به اساس بخت ویا تصادف و بدون سعی و کوشش به دست می‌آید، و فوایدی را برای انسان‌ها بار نمی‌آورد؛ همچنان خداوند متعال از بت‌ها و سنگ‌هایی منع نموده که مشرکان دوران جاهلیت آن را به دور کعبه نصب کرده بودند و به نام آن‌ها و در پای آن‌ها قربانی می‌نمودند و به دین وسیله به خدا تقرب می‌جستند، به همین منوال خداوند جل جلاله از آن تیرهایی منع نموده که مشرکان توسط آن‌ها غیب‌گویی می‌کردند، و قرآن‌کریم همهٔ این امور را خباثت و پلیدی خوانده که نفس‌های سلیم از آن نفرت و دوری می‌جویند؛ زیرا همهٔ این امور از اعمال شیطان اند که دشمن انسان است؛ بنا برآن خداوند متعال مؤمنان را به اجتناب و خود داری از این چیزها دستور داده تا در زنده‌گی دنیا کامیاب شوند و در آخرت به نعمت‌های خداوند جل جلاله دست یابند.

دلایل حرمت خمر وقمار

بعد از آنکه آیات قرآنی چیزهای متعددی را حرام و ممنوع قرار داده، در آیهٔ بعدی باز شراب و قمار را خاص گردانیده و بر حرمت آن تأکید نموده و اسباب و دلایل این حرمت را بیان داشته است.

آیهٔ مبارک، مؤمنان را از عواقب شراب و قمار بر حذر ساخته تأکید فرموده که شیطان با زیبا نشان دادن منکرات می خواهد در میان شما دشمنی و بدبینی ایجاد نماید؛ روابط دوستی میان شما را قطع نموده و در اثر نوشیدن شراب و بازی قمار در نفس های شما عقده‌ها وکدورت ها را زنده سازد؛ زیرا

وقتی شراب بر عقل نوشندۀ آن غلبه کند، سلامت عقلی و آگاهی انسان را مختل ساخته و او را وادار می‌سازد در مقابل کسانی که نسبت به او نیکی نموده اند بدی برساند و یا به اقارب و نزدیکان خود تجاوز نماید، که این امر سبب ایجاد عداوت و دشمنی‌های شدید در میان مردم می‌گردد.

همچنان قمار باز بسا اوقات مال و دارایی خود را در میدان قمار از دست می‌دهد؛ وچون نفس انسانی به مال و دارایی رغبت و محبت دارد؛ پس قمار باز با از دست دادن آن در مقابل کسی که مال و دارایی اش را از وی سلب نموده به دشمنی می‌پردازد و نسبت به وی کینه می‌گیرد که گاهی به قتل او اقدام می‌کند تا عقده و کینۀ خود را نسبت به کسی که دارایی اش را از وی گرفته و سبب فقر و درمانده گی او گردیده فارغ بسازد، و به این ترتیب آتش دشمنی‌ها، بدی‌ها و فتنه‌ها به اثر شراب و قمار در میان جامعه مشتعل می‌گردد.

ضررهای دینی ومعنوی شراب و قمار

چیزهایی که در بالا ذکر گردید اضرار و مفاسد مادی و دنیایی شراب و قمار بود؛ اما در پهلوی آن شیطان سعی می‌کند با این مفاسد و پلیدی‌ها مردمان را از ذکر خداوندﷻ و از نماز باز دارد، و آن‌ها را از نزدیکی به خداوندﷻ دور نگهدارد؛ زیرا شراب نوش با نشۀ کاذب و زوال سلامت عقلی از طاعت خداوندﷻ و ادای فرایض و مسؤولیت‌های دینی دور می‌شود؛ همچنان شخص قمار باز با کسب مال و دارایی از این راه پلید وحرام، به سبب ضعف وکمبود عاطفۀ سالم روحی و دینی دیگر به فکر انجام وجایب و مسؤولیت‌های دینی نمی‌گردد وبه این ترتیب از عبادت خداوندﷻ و تقرب به او تعالی دور می‌شود.

عواقب و اضرار صحی و اقتصادی شراب و قمار

باید دانست که نوشیدن شراب از نظر صحی برای انسان اضرار و عواقب بسیار خطرناک دارد و سبب بروز امراض خطرناکی در جسم انسان می‌شود همچنان امراض قلب و جگر برخی این بیماری‌های ناشی از شراب نوشی است.

قمار اضرار اقتصادی زیادی را برای فرد، خانواده و جامعه به بار می‌آورد و در بسا موارد سبب ایجاد مشکلات و حتی بحران اقتصادی می‌شود؛ چون قمار اساس اقتصادی درست ندارد که به رشد اقتصاد فرد و جامعه و فعالیت و دوران مثبت پول کمک کند؛ بنابر آن یک کار نادرست و مضر به شمار می‌رود. اسلام به حیث دین فطرت و نظام الهی برای زنده‌گی انسان همه چیزهای را که با فطرت سالم انسانی در تضاد باشد حرام قرار داده است. شراب و قمار از جملۀ همین چیزهای مضر و مخالف با فطرت انسانی به شمار میروند که اسلام آن‌ها را ممنوع وحرام ساخته است.

فواید و آموختنی‌ها

پاره‌یی از فواید و درس‌های به دست آمده از آیات مبارک از این قرار است:

❖ حرام بودن شراب، قمار، بت‌های نصب شده، تیرها و دانه‌ها ودیگر چیزهای که غرض به دست آوردن مال و دارایی به صورت نا مشروع استفاده می‌شود.

❖ شیطان راه‌ها و روش‌های زیادی برای گمراه نمودن انسان دارد؛ بنابرآن انسان عاقل باید از رفتن در این راه‌ها و افتادن به چنگال شیطان اجتناب ورزد.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید.

۱- کلمات و مفردات زیر را معنا کنید.

(المیسر، الأنصاب، الأزلام، رجس).

۲- از آیات قرآنی راجع به موارد زیر دلیل ذکر نمایید.

❖ حرمت شراب

❖ حرمت قمار

❖ شیطان در کمین است تا به مؤمنان ضرر برساند.

۳- ضررهای مادی و معنوی شراب نوشی را توضیح بدهید.

۴- «قمار باز به خود و جامعه ضرر می‌رساند» این مقوله را تشریح کنید.



یک مقاله در بارهٔ ضررها و مفاسد (شراب و قمار) بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد. در این مورد به آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال نموده به اضرار صحی و اقتصادی شراب و قمار توجه داشته باشید.

درس بیست و یکم

امر به عدل و احسان

قال تعالی: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾ [النحل: ۹۰- ۹۱]

معنای کلمات

ٱلۡعَدۡلِ: انصاف، قرار دادن چیزی در جای خودش

ٱلۡإِحۡسَٰنِ: انجام دادن کاری به شکل درست

ٱلۡفَحۡشَآءِ: گناهان زشت

ٱلۡمُنكَرِ: آنچه شریعت بد دانسته است

ٱلۡبَغۡيِ: ظلم

لَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ: عهدها و پیمان‌ها را نشکنید

ترجمه

همانا خداوند ﷻ فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بخشش و عطا به خویشاوندان دستور می‌دهد و از کردار زشت، منکر و ستم باز می‌دارد و به شما پند می‌دهد، باشد که پند پذیر شوید؛ و چون با خداوند ﷻ عهدی بستید به عهد خود وفا کنید و هرگز سوگند و پیمانی را که مؤکد و استوار کردید نشکنید. چرا که خداوند ﷻ را بر خود ناظر وگواه گرفته اید، همانا خداوند ﷻ به هرچه می‌کنید آگاه است.

تفسیر

جامع‌ترین آیت در بارهٔ امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد و می فرماید: ای مسلمانان! خداوند متعال شما را امر می‌کند تا در همه معاملات‌تان با عدل و انصاف عمل نمایید، همچنان شما را به احسان امر می‌کند که کارها و ماموریت‌های خود را به دقت انجام دهید.

خداوند ﷻ شما را امر می‌کند که صلهٔ رحم را با اقارب و خویشاوندان نگهدارید و حقوق شان را بپردازید و به آن‌ها نیکی کنید و به محتاجان‌شان یاری رسانید.

با آنکه صلهٔ رحم در ضمن احسان داخل است؛ اما ذکر نمودن آن به شکل مستقل اهمیت صلهٔ رحم و توجه نسبت به آن را نشان می‌دهد.

این آیات به مسلمانان خطاب می‌کند که خداوند ﷻ شما را از فحشا که عبارت از اقوال و افعال قبیح وگناهان زشت و نا پسند می‌باشند منع می‌کند؛ چنانچه شما را از منکرات که همان قول و عمل منافی شریعت است باز می‌دارد؛ همچنان خداوند متعال شما را از ظلم و ستم بر دیگران و تلف نمودن حقوق‌شان منع و بر حذر می‌سازد.

سپس قرآنکریم می‌فرماید: ﴿يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ ترجمه: این همه برای آن است خداوند ﷻ شما را پند می‌دهد تا پند و عبرت بگیرید؛ یعنی خداوند ﷻ شما را به اموری آگاه می‌سازد که زنده‌گی شما را نیک بگرداند و برای شما منفعت برساند تا شما فضل واحسان خداوند ﷻ را به یاد آرید.

روایت شده که ابن مسعود رضی الله عنه در بارهٔ این آیهٔ مبارک چنین فرموده است: « این آیت جامع ترین آیت در بارهٔ امر به نیکی و نهی از بدی می‌باشد.»

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی استاد در بارهٔ مفهوم احسان و فواید آن از نظر قرآن بحث و گفتگو نمایند.

وفاداری به عهد و پیمان

خداوند متعال، در لا به لای این آیت ها مسلمانان را به حفظ و نگهداری عهد و پیمان امر می‌نماید. عهد به معنای میثاق و پیمان است. و عهد خداوند ﷻ آن است که از انسان‌ها گرفته است تا به عبادت و طاعت او تعالی متعهد و ملتزم باشند انسان این عهد و پیمان را در هر رکعت نماز با خداوند ﷻ می‌بندد و می گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ یعنی: پروردگارا! ما تنها تو را می‌پرستیم.

در این آیت، همه آنچه باید به آن وفا شود، داخل می‌گردد؛ مانند احکام اسلام، وعده‌ها و التزامات با خداوند متعال با انسان‌ها و یا با نفس خود. و به این ترتیب جامع بودن این لفظ قرآنی ثابت و روشن می‌گردد. خداوند از همه پیامبران و پیروان شان عهد و پیمان گرفته تا او را عبادت و پیروی نمایند.

نسبت عهد به خداوندﷻ در این آیت برای تأکید عهد و پیمان و بزرگی اهمیت آن می‌باشد؛ پس هرگاه انسان عهد و پیمانی را بر خود لازم بگرداند، باید به آن وفا نماید.

﴿وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا﴾ ترجمه: قسم‌های خود را که به نام خداوندﷻ می‌بندید نقض نکنید؛ زیرا که نقض و شکستاندن قسم‌های تأکید شده، بدترین عهد شکنی به شمار می‌رود.﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ﴾ ترجمه: همانا خداوندﷻ به عهد و پیمان و نقض آن که با حیله‌ها و تأویلات و توجیهات خود ساختهٔ شما صورت می‌گیرد آگاه است، و شما را مطابق آنچه می‌کنید ومستحق آن هستید پاداش وکیفر خواهد داد.

فواید و آموختنی‌ها

از آیات مبارک فوق فواید ذیل را می‌توان آموخت:

- ❖ وجوب عدل و احسان و ادای حقوق اقارب و رشته داران؛
- ❖ حرام بودن هر عمل قبیح که شریعت و عقل آن را زشت و نا پسند بداند؛
- ❖ حرمت ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران؛
- ❖ وجوب وفا داری و التزام به عهد، پیمان و قسم؛
- ❖ زنده نمودن احساس اینکه خداوندﷻ مراقب تمام اعمال ما می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بدهید:

۱- آیهٔ شماره نود در این درس به سه چیز امر نموده، و از سه چیز منع فرموده است. اوامر و نواهی موجود در درس گذشته را توضیح بدهید؟

۲- ابن مسعود ﷺ در بارهٔ این آیت چه فرموده است؟

۳- مراد از عهد در آیهٔ مبارک چیست؟ و منسوب بودن عهد به خداوند متعال چه فایده دارد؟

۴- واژه‌های ذیل را توضیح دهید: «الإحسان»، «الفحشاء»، «الأيمان».



شاگردان یک مقاله ده سطری راجع به وفاداری به عهد و پیمان بنویسند.

درس بیست و دوم

حقوق والدین

قال تعالی: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۞ وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا ۞ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ ۚ إِن تَكُونُوا۟ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۵]

معنای کلمات

قَضَىٰ : امر نموده، حکم داده است

أُف: آواز و یا تعبیری که برای سرزنش به کار رود

لَا تَنْهَرْهُمَا : آن ها را از خود مرانید

وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ :خود را برای خدمت آن‌ها با فروتنی آماده بگردان

لِلْأَوَّٰبِينَ : رجوع کننده‌گان به سوی خداوند

ترجمه

و خدای تو دستور داده است که جز او را نپرستید و در بارۀ پدر و مادر نیکویی کنید؛ چنانکه یکی از آن ها، یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند هرگز کلمه‌یی که رنجیده خاطر شوند به آنان مگو، بر آن‌ها فریاد مکش، آن‌ها را از خود مران، با ایشان به اکرام و احترام سخن بگو؛ همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو که: پروردگارا! چنانکه پدر ومادر، مرا از کودکی بپروردند، تو در حق آن‌ها رحمت و مهربانی فرما. پروردگار شما به آنچه در دل‌های شماست داناتر است، اگر باشید شایسته پس هر آیینه او تعالی رجوع کننده‌گان را آمرزنده است.

تفسیر

آیات مبارک فوق در بر گیرندهٔ مجموعه ای از دستورات و نصایح است که با امر به طاعت و فرمانبرداری الله تعالی و احسان و نیکی به پدر و مادر و چگونه‌گی برخورد با ایشان آغاز یافته است.

دستور به پرستش خداوند

خداوندﷻ در این آیات بنده‌گان خود را تنها به عبادت خودش امر نموده است. امر خداوندﷻ به کلمهٔ (قَضَی) وارد گردیده که تأکید زیاد را نشان می‌دهد؛ یعنی خداوندﷻ با قاطعیت امر نموده که جز او را عبادت نکنید؛ زیرا که او تعالی خالق و آفرینندهٔ همه است، و تنها او مستحق عبادت است و بس.

دستور به نیکی با والدین

پس از آنکه خداوندﷻ به پرستش خویش دستور می‌دهد، درکنار آن، احسان و نیکی به والدین را عطف نموده تا اهمیت نیکی با والدین و بزرگی مقام و منزلت ایشان را بیان نماید. سپس آیات مبارک به شرح و توضیح جوانب و چگونه‌گی نیکی و احسان با والدین پرداخته است. از جمله اینکه هرگاه والدین و یا یکی از آن‌ها به سن کهولت و ضعیفی رسید، در آن وقت کلمه و یا لفظی را در مقابل آنان استعمال نکنید که رنجش خاطر آن‌ها را فراهم آورد و یا احساس سختی و خسته گی به ایشان دست دهد؛ مانند کلمهٔ «أفّ»؛ اگر چه آن کلمهٔ ناچیز و سبک بوده باشد؛ ولی همین که در نفس والدین درد و رنجی را ایجاد نماید، از نظر اسلام و قرآن مردود و ناپسند است.

آیهٔ مبارک، حالت پیری و کهولت پدر و مادر را خاص گردانیده، در حالی‌که توجه و خدمت والدین در همه حالات واجب است؛ اما این تخصیص دلالت بر آن دارد که والدین در حالت پیری و ضعیفی، بیشتر از هر وقت دیگر به توجه و خدمت ضرورت دارند؛ سپس خداوند متعال به انسان دستور می‌دهد که ای انسان! خویشتن را برای خدمت پدر و مادرت با فروتنی و نرم‌خویی میسر بگردان، و با مهربانی و تواضع با ایشان رفتار نما.

در این جا تعبیر به پایین نمودن شانه‌ها و یا جناح، تشبیه زیبایی به حالت پرنده است که وقتی بخواهد جوجه‌های خود را در آغوش گیرد، بالهایش را برای آن‌ها پایین می‌سازد؛ همچنان وقتی که بخواهد از فضا پایین شود، بالهایش را پایین و هموار می‌کند. پس پایین نمودن جناح و یا بالها کنایه از تعامل نیک، نرمی، تواضع و مهربانی در برابر والدین است.

نه تنها این؛ بلکه خداوندﷻ امر نموده که انسان در دعای خود برای والدینش چنین بگوید: ای پروردگار من! پدر ومادرم را در سایهٔ رحمت بیکران خود قرار بده، طوری که آنان در هنگام کودکی بر من رحمت و مهربانی داشتند و مرا پرورش دادند.

در این دعا اشاره به این امر است که فرزند به هر اندازه یی که نسبت به والدین خود وفادار و خدمت‌گزار باشد، بازهم نمی‌تواند حق آن‌ها را ادا کند؛ بنا برآن باید از خداوندﷻ برای آن‌ها طلب رحمت و خوبی کند.

تشویق به توبه از گناه عقوق والدین

خداوند متعال می‌فرماید : ﴿رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا﴾ او تعالی بر نفس‌های مخلوقات خود، و آنچه در ضمایر شان از قبیل نیکی به والدین ویا نافرمانی آن ها، وجود دارد، نیک آگاه است؛ پس هرکه برای والدینش نیکی و خوبی اراده نماید، و از تقصیر وکوتاهی یی که پیش از آن نسبت به والدین و یا کسان دیگر سر زده است، باز گردد و به درگاه خداوند توبه نماید، خداوند متعال قبول کنندهٔ توبهٔ کسانی است که رجوع می‌کنند و خداوندﷻ گناهان‌شان را با فضل وکرم خود خواهد بخشید.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ حقوق والدین در اسلام گفتگو نمایند؛ سپس یک یک نفر به نمایندگی از گروه خود پیش روی صنف آمده مطالب عمده را در سه دقیقه تشریح نماید.

فواید و آموختنی‌ها

فواید ودانستنی‌های آیات فوق قرار ذیل است:

❖ وجوب نیکی به والدین عبارت از: تواضع نسبت به ایشان، توجه و خدمت گزاری به والدین، به خصوص در مرحلهٔ پیری و محتاج بودن والدین.

❖ بلند بودن جایگاه والدین در نزد خداوند متعال، زیرا حکم نیکی و خدمت به والدین بعد از حق خداوند متعال ذکر گردیده است.

❖ مراعات سخن گفتن و الفاظی که از فرزند نسبت به والدینش سر می‌زند این است که هیچ کلمه‌یی را بر زبان نیاورد که اشاره به اذیت و رنجش خاطر ایشان داشته باشد، اگرچند بدون قصد هم بوده باشد.

❖ دعای رحمت و مغفرت برای والدین در زنده‌گی، و همچنان بعد از مرگ‌شان.

❖ توبه و طلب عفو به درگاه خداوندﷻ از تقصیر وکوتاهی نسبت به والدین و عدم پنهان نمودن چیزی در نفس خود.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

۱- دلالت عطف نمودن امر به نیکی با پدر و مادر به تعقیب عبادت خداوندﷻ چیست؟

۲- سبب منع و خود داری از گفتن کلمهٔ (اف) در مقابل والدین، و یا یکی از ایشان چیست؟

۳- آیهٔ مبارکه به برخی اموری که فرزند برای والدین خود انجام بدهد اشاره نموده است، اینها کدامها اند؟ توضیح بدهید.

۴- یک فرزند چه اسلوب و روشی را در صحبت کردن با والدین خود باید به کار برد؟

۵- یک فرزند باید در حق والدین خود چگونه دعا نماید؟



در روشنی آیات قرآن‌کریم و احادیث شریف یک مقاله که از پانزده سطر کم نباشد در بارهٔ نیکی به والدین بنویسید.

درس بیست و سوم

حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران

قال تعالی: ﴿ وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۝ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَـٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَـٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ۝ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ٱبْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ۝ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴾ [الإسراء:۲۶-۳۰]

معنای کلمات

قَوْلًا مَّيْسُورًا: سخن نرم و شیرین

مَغْلُولَةً: مقید با زنجیرها، کنایه از بخل است

تَبْسُطْهَا: باز گذاشتن دست ها، کنایه از اسراف است

مَّحْسُورًا: نادم و پشیمان

ترجمه

حقوق خویشاوندان، فقیران و رهگذران بیچاره را ادا کن و هریک را بـه حـق‌شـان برسـان و هرگـز اسراف روا مدار که اسراف کننده‌گان برادران شیطان‌ها اند. وشیطان در حق پروردگار خویش سـخت کفر ورزید؛ چنانچه از ایشان روی گردان شوی تا رحمت و مهربانی پروردگـارت را بـه دسـت آوری، چیزی که همواره در پی آن هستی، پس آنان (والدین) سخنی نیکو و نرم بگو. و نه دست خـود را در گردنت ببند (بخیل مباش) ، ونه بسیار باز و گشاده دار، (اسراف مکن) که به نکوهش و درمانـده‌گـی خواهی نشست. همانا خدای تو هر که را خواهـد روزی فـراخ دهـد و هرکـه را خواهـد تنـگ روزی گرداند، که او به (صلاح کار) بنده‌گان خود کاملا آگاه و بصیر است.

تفسیر

نیکی به خویشاوندان

در این آیات مبارک خداوند متعال به بنده‌گان خود رهنمایی‌های بیشتری نموده است تا به وسیلۀ آن نفس‌های خود را پاک سازند و اجتماع خود را از هرگونه زشتی و عواقب ناگوار نگهداری نمایند. خداوند متعال در این قول خود: ﴿ وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِيرًا ﴾ به احسان و نیکی و نگهداری صلۀ رحم و همکاری و مساعدت با اقارب و نزدیکان و محتاجان و تهی‌دستان دستور داده است.

مقدم نمودن اقارب و رشته‌داران بر دیگر مستحقین، در آیۀ مبارک برای این است که اقارب نسبت به دیگران حق اولویت دارند؛ و احسان و همکاری با ایشان، ادای صلۀ رحم و صدقه می‌باشد.

منع از اسراف

بعد از رعایت حقوق خویشاوندان، خداوند متعال از اسراف و تبذیر منع نموده است. اسراف عبارت از مصرف نمودن مال و دارایی بی مورد و در غیر محل آن است. در این آیت علت ممنوعیت اسراف چنین بیان گردیده: ﴿إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِينَ كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ﴾ یعنی مبذرین و اسراف کننده‌گان در اوصاف زشت‌شان به شیاطین تشبیه گردیده اند؛ زیرا شیاطین در مقابل نعمت‌های خداوندﷻ شکر گزار نیستند و یک چیز را در غیر محل و موضع مناسب آن می‌گذارند، در زمین فساد می‌کنند و مردمان را گمراه می‌سازند. به همین ترتیب اسراف کننده‌گان در این اوصاف با شیاطین شباهت و همنوایی دارند. البته در این تشبیه اسراف و تبذیر بد و زشت معرفی گردیده و به ترک و دوری از آن ترغیب وتشویق صورت گرفته است؛ زیرا انسان عاقل به هیچ صورت نمی‌خواهد برادر شیطان باشد.

سخن نیکو گفتن با تنگ‌دستان

به تعقیب تشویق توانمندان به احسان و نیکی به خویشاوندان و نیازمندان، آیات قرآنی حالت کسانی را بیان نموده که توان انفاق را ندارند؛ اما از خداوندﷻ آرزو می‌کنند که برایشان رزق و روزی نصیب فرماید تا از آن صدقه کنند. خداوندﷻ به آن‌ها ارشاد می‌فرماید، در این صورت از اقارب و محتاجانی که از آن‌ها چیزی می‌خواهند به لطف و مهربانی و سخن نرم و خوب معذرت بخواهند تا با این کار سرور و خوشحالی را به قلب‌های شان داخل سازند: ﴿وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا مَّيۡسُورٗا ﴾ ترجمه: هرگاه از ارحام و فقیران اعراض کرده و توجه به حقوق‌شان نتوانی کرد، باز گفتار خوش به آنان بگو.

در این آیهٔ مبارک ارشاد و تعلیم است برای مؤمنان مبنـی بـر اینکـه در صـورتی کـه چیـزی بـرای مساعدت به محتاجان نداشته باشند، به بارگاه خداوندﷻ دعا نمایند تـا برایـشان روزی و توانمنـدی نصیب کند، و در آن وقت به انفاق و صدقه بپردازند و از کمک و مساعدت بـه اقـارب و محتاجـان و مسافران خود داری نکنند، مگر در صورتی‌که چیزی برای یاری و مساعدت آن‌هـا نداشـته باشـند؛ و همچنان در برخورد با آن‌ها از سخن پسندیده و خوشحال کننده و برخورد زیبا و دلنشین کار بگیرند.

اعتدال و میانه روی در مصرف

خداوند متعال بعد از ممنوعیت اسراف، بنده‌گان خود را بـه بهتـرین راه‌هـای انفـاق رهنمـایی نمـوده مـــی‌فرمایـــد: ﴿ وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومًا مَّحۡسُورًا ﴾ ترجمه: نه دست خود را (از روی بخل) به گردنت محکـم بـسته دار، و نـه بـسیار بـاز و گشاده گردان که در هر دو صورت به ندامت و درمانده‌گی رو برو خواهی گشت.

به این معنی که انسان مؤمن باید از اعتدال و میانه روی کار بگیرد؛ بخیل نباشـد؛ ماننـد کـسی کـه دستش با زنجیر به سوی گردنش بسته شده و نمی‌تواند انفاق و صدقه کند؛ همچنان اسـراف کننـده نباشد؛ چون کسی که دست خود را باز نماید تا هیچ چیزی در دستش باقی نماند؛ پس بخل واسـراف هر دو منجر به آن می‌گردد که صاحب آن از طرف خداوندﷻ و هم از جانب مردم و بـا نفـس خـود مورد ملامتی قرار گیرد؛ پس هردو صفت (بخل و اسراف) زشت و نا پسند بوده مورد رضایت خداونـد نمی‌باشند.

فراخی و تنگی در رزق

سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ﴾ ترجمه: بدان که پروردگار تو هر که را خواهد روزی فراوان دهد و هر که را خواهد دروازه‌های روزی‌اش را تنگ سازد.

فراوانی و کمبودی رزق برای بنده‌گان امری است که بسته‌گی به ارادهٔ خداوندﷻ و حکمـت وکمـال علم او تعالی بر بنده‌گانش دارد؛ خداوندﷻ بر احوال ایـشان نیـک آگـاه و بیناسـت. او تعـالی خـوب می‌داند که برای چه کسی رزق فراوان مناسب است و فقر و تنگدستی او را فاسد می‌سازد. همچنـان او تعالی خوب می‌داند که برخی بنده‌گانش را تنها فقر و تنگدسـتی سـزاوار اسـت. گـاهی فراوانـی و تنگدستی امتحان و ابتلا برای بنده‌گان می‌باشد که خداوندﷻ برایشان انتخـاب مـی‌نمایـد؛ پـس او تعالی به احوال بنده‌گانش نیک آگاه و بیناست.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم در بارۀ خوبی‌های کمک و صدقه؛ همچنان در بارۀ نتـایج زشـت بخـل در روشنایی آیات و احادیث نبوی بحث وگفتگو نمایند.

فواید وآموختنی‌ها

برخی از فواید و آموختنی‌های این آیات:

❖ واجب بودن اعطای حقوق اقارب و نزدیکان و نگهداری صـلۀ رحـم در مقابـل‌ایـشان؛ همچنـان کمک و مساعدت برای محتاجان ومسافران.

❖ حرام بودن اسراف و تبذیر، زشت نشان دادن و تنفر از اسراف و تشبیه شخص اسراف کننـده بـه شیاطین.

❖ لزوم وعدۀ خوب و سخن نیک و زیبا به جای انفاق و صدقه، برای کـسی کـه توانـایی انفـاق و صدقه را ندارد.

❖ از خداوندﷻ طلب نمودن آنکه برای بنده توان مالی نصیب فرمایـد تـا در راه خداونـدﷻ انفـاق نماید.

❖ اعتدال و میانه‌روی در انفاق و صدقه، بدون بخل واسراف.



به سؤالات زیر جواب بگویید.

۱- حقوقی که دادن آن برای اقارب، تنگدستان و محتاجان، و مسافران واجب است کدام‌ها اند؟

۲- معنای تبذیر چیست؟ و علت نهی از آن را توضیح دهید.

۳- کسی که چیزی برای انفاق نمودن به سایل نداشته باشد، چی باید بکند؟

۴- از آیات قرآنی برای هر یکی از موارد زیر دلیل بیاورید:

الف) اسراف برای صاحب آن ملامتی و ندامت بار می‌آورد.

ب) قلت رزق و تنگدستی به معنای غضب و خشم خداوندﷻ بر بنده‌اش نیست.



در کتابچۀ خود حقوق اقارب و رشته داران، مسکینان، و مسافران را مختصرا درج نمایید.

نتایج قبیح و زیان بار بخل را در کتابچۀ خود بنویسید.

درس بیست و چهارم

عدالت و مسؤولیت در معاملات

قال تعالی: ﴿وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا ۝ وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا ۝ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ۝ ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا﴾ [الإسراء:۳۵- ۳۹]

معنای کلمات

بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ: با عدل و انصاف، با میزان برابر

تَأۡوِيلٗا: عاقبت و فرجام

لَا تَقۡفُ: تعقیب و جستجو مکن

مَرَحًا: خمیازه کردن از روی فخر و تکبر

مَّدۡحُورًا: رانده شده، دور از رحمت خداوند

ترجمه

و هرچه را به پیمانه می‌سنجید پوره و تمام و با ترازوی درست و عادلانه بسنجید، که این کار بهتر بوده و عاقبتش نیکوتر می‌باشد. (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول اند. و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مکن، که به قوت خود زمین را نتوانی شگافت و به کوه در بلندی نخواهی رسید. که این قبیل کارها و اندیشه‌های بد گناهش نزد خداوندﷻ ناپسند است. این ها پاره‌یی از حکمت است که پروردگارت به تو وحی کرد، و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی مپرست وگرنه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی افتاد.

تفسیر

دستور به پوره دادن پیمانه

خداوند متعال بنده‌گان مؤمن خود را امر می‌کند که در معاملات و خرید و فروش از عدالت و راستی کار بگیرند و حقوق یکدیگر را ضایع نسازند؛ چنانچه او تعالی فرموده است: ﴿وَأَوۡفُوا۟ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُوا۟ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا﴾ ترجمه: هرگاه به دیگران چیزی را وزن می‌کردید آن را پوره وزن کنید و با ترازویی وزن نمایید که عادلانه و منصفانه باشد و از پیمانه و یا ترازو کم نکنید؛ زیرا که این امر در دنیا به خیر و صلاح شما بوده و مردم برای تعامل با شما رغبت پیدا می‌کنند؛ همچنان این امر عاقبت نیک در آخرت دارد و اجر و ثواب خداوندی را برای شما بار می‌آورد.

در اینجا امر به پوره دادن، در پیمانه و یا وزن ترازو، در صورت فروش، برای آن است که حالت کم کردن است، برخلاف خرید؛ که حالت گرفتن است و انسان برای منفعت خود حریص بوده و نمی‌خواهد حقش کم شود.

دنبال نکردن مجهولات

خداوند جل جلاله به انسان امر می‌کند: ﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا﴾ ترجمه: هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول اند.

پس انسان باید در حد علم خود قرار بگیرد، و در مورد چیزی که نمی‌داند، و یا در مورد آنچه ندیده و یا نشنیده است، سخن نگوید؛ زیرا که انسان از گفتن و شنیدن سخن بیهوده و دروغ و غیبت مورد محاسبه و سؤال قرار می‌گیرد؛ چنانچه از دیدن منکرات و عورت‌ها نیز مورد محاسبه و مؤاخذه قرار

خواهد گرفت؛ همچنان اعضا و اندام‌های انسان از قبیل گوش، چشم، قلب و غیر آن، مورد سؤال و مؤاخذه قرار خواهند گرفت وهمهٔ این اندام‌ها در روز آخرت به سخن آمده به نفع و یا به ضرر انسان شهادت می‌دهند.

پس بر انسان لازم است که بر حذر باشد، و تقلید کورکورانه نکند و در مورد آنچه انجام می‌دهد از خداوندﷻ بترسد و بدون علم و آگاهی کامل حکم نکند و راجع به آنچه نمی‌داند پیش داوری نکند.

اجتناب از تکبر و خود بزرگ بینی

آنگاه خداوند متعال انسان را برحذر می‌سازد که از خود بزرگ بینی و تکبر خود داری ورزد، و می فرماید:﴿وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا﴾ ای انسان! با فخر و تکبر و خوشحالی بیش از حد در زمین حرکت مکن، و با قوت و جاه و مال و منصب خود احساس برتری و بلندی نداشته باش. ای انسان! چگونه در زمین تکبر می‌ورزی، در حالی‌که نمی‌توانی با قدم‌هایت در آن رخنه ایجاد نمایی؟ چگونه بر مردم تکبر می کنی، در حالی‌که با همه خود بزرگ بینی و بلند پروازی‌ات نمی توانی به بلندی کوه‌ها برسی؟ تو مخلوق ضعیف و ناتوانی بیش نیستی، و برایت سزاوار نیست که تکبر نمایی، پس در رفتار خود و در برخورد با دیگران تواضع و فروتنی پیشه کن و می فرماید: ﴿كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا﴾ ترجمه: همه این افعالی که خداوندﷻ از آن منع فرموده، در نزد او تعالی زشت و نا پسند است، پس باید از آن دوری نمایی تا رضای خداوندﷻ را کسب کنی.

﴿ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا﴾ ترجمه: اینها برخی از حکمت‌هایی اند که پروردگارت بر تو وحی کرد، و هرگز با خدای یگانه کسی را به خدایی مگیر و گرنه ملامت زده به دوزخ انداخته خواهی شد. معنای عام این آیت های قرآنی آن است که خدای متعال در خطاب به پیامبرﷺ فرموده است: چیزهایی

که شما را بدان امر نموده‌ایم و یا از آن منع کرده‌ایم از کلام محکم خداوندﷻ به شمار می‌رود، پس به کسانی که از تو پیروی می‌نمایند دستور بده تا به آنچه تشویق شده اند عمل نمایند و از آنچه منع شده اند اجتناب ورزند.

خداوند متعال از شرک به او تعالی منع نموده بیان داشته که جزای کسی که با خداوندﷻ چیز دیگری را شریک می‌سازد آن است که رانده شده و ملامت زده از نفس خود و از جانب دیگران در جهنم انداخته می‌شود، و از رحمت خداوند متعال دور می‌گردد.

فواید وآموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس به شرح ذیل است:

- ❖ در التزام و عمل به اوامر خداوند متعال در دنیا منفعت‌های زیادی نهفته است؛ همچنان در نزد خداوندﷻ اجر بزرگی نصیب انسان می‌گردد.
- ❖ پوره نمودن پیمانه(عدالت در ترازو) واجب است و بایستی در وزن و ترازو عدالت و انصاف را مراعات نمود و از کم کردن در آن خود داری ورزید.
- ❖ سخن گفتن و حکم نمودن بدون آگاهی و اطمینان در دین مقدس اسلام از منکرات است؛ بایست از هر گونه قول و عمل بدون علم اجتناب ورزید.
- ❖ تکبر و غرور و خمیازه در هنگام راه رفتن حرام است.



به سؤالات زیر پاسخ بگویید:

۱- فایدۀ پوره نمودن پیمانه و عدالت در ترازو در دنیا و آخرت چیست؟
۲- چرا قرآن از قول و عمل بدون علم و دنبال کردن بدون آگاهی منع نموده است؟
۳- اعضا و اندام انسان در روز قیامت از چه چیزهایی پرسیده می‌شوند؟ و چگونه جواب می‌گویند؟
۴- سبب یاد دهانی انسان متکبر به آن‌که زمین را نمی‌تواند بشگاف، و یا به بلندی کوه‌ها نمی‌رسد، چیست؟



سورۀ (المطففین) کیفیت کم کردن در مقدار و ترازو را بیان نموده است. آیـات مربـوط بـه موضـوع درس در سورۀ متذکره را در این مورد تلاوت نمایید. و آن را در کتابچۀ خود درج کنید؟

و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و أصحابه أجمعین، و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین